



با اینکه کودک اند اما همچون بزرگسالان محاكمه و محكوم می شوند

استدلال‌های جمهوری اسلامی برای توجیه
اعدام کودکان، قابل دفاع نیست

بنیاد عبدالرحمن برومند
برای حقوق بشر در ایران



با اینکه کودکان اما همچون بزرگسالان محاکمه و محکوم می‌شوند

بنیاد عبدالرحمن برومند
برای حقوق بشر در ایران
www.iranrights.org

۱	چکیده
۵	پیشگفتار
۶	داده‌ها
۷	قربانیان
۱۸	نظام عدالت کیفری کودکان در ایران قرن بیستم
۱۸	کودک در قوانین پیش از انقلاب
۱۹	قوانین پس از انقلاب ۱۳۵۷
۲۰	اصلاح قوانین پس از انقلاب، که مورد اعتراض قرار گرفت
۲۶	اصلاح قوانین و معضلات پایدار
۲۹	تناقضات موجود در قوانین
۳۱	پاسخ جمهوری اسلامی ایران به منتقدان
۳۸	پژوهش‌های علمی
۳۹	نتیجه‌گیری و توصیه‌ها
۴۲	ضمیمه ۱: مروری بر روانشناسی کودک و نوجوان و مسئولیت کیفری
۴۹	ضمیمه ۲: کاهش مجازات برای مجرمین زیر ۱۸ سال در قانون مجازات اسلامی ایران

فهرست مطالب



با اینکه کودکان اما همچون بزرگسالان محاکمه و محکوم می‌شوند

استدلال‌های جمهوری اسلامی برای توجیه اعدام کودکان، قابل دفاع نیست

چکیده

”هر بار که به اعدام کودکان اعتراض می‌کنیم می‌گویند ما داریم از غرب تقلید می‌کنیم... ما از غرب تقلید نمی‌کنیم. ما می‌خواهیم هشتاد سال به عقب برگردیم...“

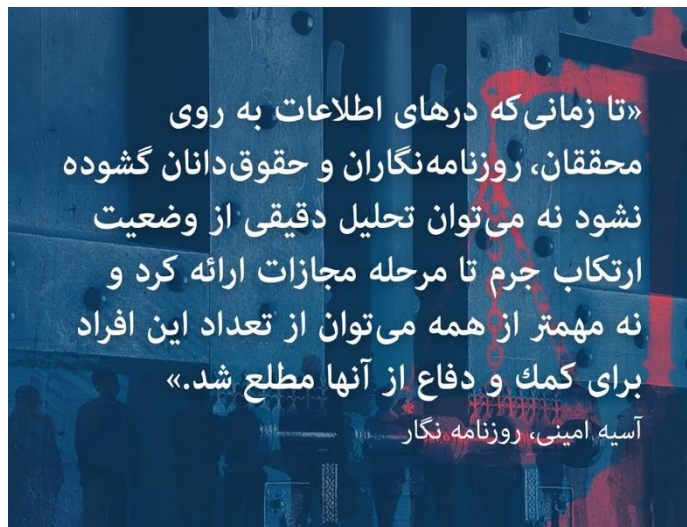
شیرین عبادی، وکیل حقوق بشر و برنده جایزه نوبل

از سال ۱۳۵۷ تا به امروز، جمهوری اسلامی ایران شاهد بحرانی عمیق در زمینه حق حیات بوده، بحرانی که حاصل آن، قربانی شدن صدها کودک (به ادعای دادستانی) متهم به بزهکاری (حداقل ۱۴۰ تن از سال ۲۰۰۰ به بعد) بوده است. برخلاف ادعاهای مقاماتی که از این عملکرد دفاع می‌کنند، حامیان اعدام کودکان و نوجوانان بزهکار در ایران کم شمارند. چندین دهه است که بسیاری از ایرانیان با سوابق و پیشینه‌های مختلف، با استناد به تاریخ، سنن حقوقی (از جمله قانون مجازات سال ۱۳۰۴)، متون دینی، دست‌آوردهای علمی، و نیز با تکیه بر عقل سلیم، محاکمه و محکوم کردن کودکان را در شمار بزرگسالان، نمی‌پذیرند. آنان همچنین به عهدنامه‌های بین‌المللی‌ای ارجاع می‌دهند که ایران موظف به رعایت آن‌ها است؛ عهدنامه‌هایی که صدور حکم اعدام را در

مورد افرادی که پیش از ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند صریحاً ممنوع کرده‌اند. با این حال، مقامات ایرانی، نظرات متخصصان و کارشناسان ایرانی و بین‌المللی را نادیده می‌گیرند و به هیچ می‌انگارند. وقت آن است که ایران با واقعیات روبرو شود: هیچ استدلالی برای دفاع از کشتن کودکان و نوجوانان بزهکار، قابل دفاع و توجیه‌پذیر نیست.

پیشینه کودکان متهم به بزهکاری که به مرگ محکوم می‌شوند و نیز دلایل روبرو شدنشان با نظام قضایی، بسیار متنوع و متفاوت است. اما وقایعی که منجر به بازداشت و متهم شدنشان می‌شود (اگر چنانچه به اشتباه و بی‌دلیل متهم نشده باشند) اغلب مشابه و معلول شرایطی است که ذهن نفوذپذیر

جوانان را دستخوش احساسات بی‌پروا و نسنجیده می‌کند. این شرایط از فعالیت‌های سیاسی تا نزاع‌های خشونت‌بار با همسالان، تا فشارهای وارده از سوی هم‌پرونده‌ای‌ها، دوستان، و یا مسائل عشقی را در بر می‌گیرد و موجب می‌شود



کودکان جرمی را مرتکب شود و یا آن را به گردن بگیرند. آمار واقعی اعدام کودکان الزاماً بالاتر از ارقام موجود است چرا که عدم شفافیت نظام قضایی، فقدان داده‌ها و عدم دسترسی به زندان‌ها و متهمان، و خودداری مقامات از پاسخ دادن به سوالات مطروحه در داخل و خارج از کشور، این ارقام را دچار ابهامی عمیق می‌نماید.

معضلات ساختاری همچون نبود استقلال قضایی (از جمله دخالت دیگر ارگان‌های دولتی با انگیزه سیاسی در دادرسی‌ها)، فساد، بی‌کفایتی، پاسخگو نبودن قضات، دادستان‌ها، و نیروهای انتظامی، و تضعیف عمدی و مغرضانه وکلا و حقوقدانان، همان‌گونه که در سرنوشت تمامی پرونده‌های مفتوح در محاکم ایران نقش دارند، بر پرونده‌هایی نیز که در آن‌ها جان کودکان در میان است تأثیرگذارند. افزون بر این، جلوگیری دستگاه قضایی از دسترسی متهمان به وکیل طی مرحله بازجویی و استفاده از اعترافات اجباری در دادگاه، تأثیری بس منفی بر پرونده کودکان بز هکار دارد، و این در حالی‌ست که این کودکان و نوجوانان، تنها، وحشت‌زده، و بی‌اطلاع، در پیچ و خم روند دادرسی در جستجوی راه و چاه‌اند.

جامعه بین‌المللی بارها و بارها، انزجار خود را از این رویه‌های دهشتناک، اعلام کرده است. دومین نماینده ویژه سازمان ملل برای حقوق بشر در ایران، در گزارش خود به معضل کودکان بز هکار اشاره کرد، و دیگر گزارشگران ویژه، مقامات حقوق بشر سازمان ملل متحد، نهادهای حقوق بشری، و اعضای سازمان ملل نیز، فردی و جمعی، بر مقامات ایرانی فشار آورده‌اند که اعدام کودکان بز هکار را متوقف سازد. آنان خواستار شفافیت در این باب شده و از جمله به کرات از ایران خواسته‌اند آمار اعدام‌ها را در اختیارشان قرار دهد و همچنین خواستار آن شده‌اند که این کشور به تعهدات خود به قوانین بین‌المللی، از جمله به مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک، عمل نماید. اما مقامات ایرانی با توجیهات دینی و فرهنگی تکراری که به هیچ وجه متقاعد کننده نیست، با انکار و تحریف (برای نمونه، در سال‌های اخیر، سیاست‌شان این بوده که صبر کنند کودک بز هکار به ۱۸ سال سن برسد تا حکم را اجرا کنند و از این طریق اعلام کنند هیچ فرد صغیری در ایران اعدام نمی‌شود، یا اینکه اذهان عمومی را در مورد سن متهم در زمان ارتکاب جرم، منحرف سازند) و اصلاحات کند و ناکافی، به این خواسته‌ها پاسخ داده‌اند. آن‌ها همچنین مدعی‌اند چنین تغییری (در قانون) زمان می‌برد.

اما برای تعداد زیادی از کودکان محکوم به اعدام در ایران (که به موجب اطلاعات دریافتی از سوی دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، شمار آنها تا ماه می ۲۰۱۹ به ۸۵ تن می‌رسد) و خانواده‌هایشان، زمان، عنصری حیاتی است. امثال محمدرضا حدادی (که در سن ۱۵ سالگی فریب متهمان هم پرونده‌ای خود را خورد و نیز تحت فشار و فساد نیروی انتظامی قرار گرفت و به قتل یک راننده تاکسی اعتراف کرد و در سال ۲۰۰۴ به اعدام محکوم شد) و صالح شریعتی (که در سال ۲۰۱۲ و در سن ۱۶ سالگی، به جرم کشتن فردی که داخل یک چاه افتاده بود، با شهادت افرادی که واقعه را ندیده بودند، به اعدام محکوم شد) تمام زندگی خود را پس از رسیدن به سن قانونی، پشت میله‌های زندان سپری کرده‌اند. در مورد این افراد، عدالت زمانی اجرا خواهد شد که مقامات ایرانی بالاخره به نظرات کارشناسان، حقوقدانان، دانشگاهیان، عالمان دینی، و جرم‌شناسان ایران – که سال‌هاست طیف گسترده‌ای از استدلال‌های مختلف علیه اعدام کودکان را ارائه می‌کنند – گوش فرا دهند.

اعدام کودکان که در پی کاهش سن مسئولیت کیفری به ۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران، انجام می‌گیرد، در تاریخ مدرن ایران، پدیده‌ای نوین است. از تاریخ تصویب قانون مجازات سال ۱۳۰۴ که توسط یک مجتهد و مرجع تقلید سرشناس، سید حسن مدرس، تأیید شده بود، تا تاسیس دادگاه‌های اطفال در سال ۱۳۳۸ و اصلاحیه قانون جزا در سال ۱۳۵۲، پایان صغارت برای دختر و پسر، ۱۸ سالگی مقرر شده بود. با تجویز طیفی از مجازات‌های جایگزین، قانون‌گذار همچنین تلاش کرده بود از شدت مجازات محکومان جرایم مشمول اعدام بکاهد: قانون سال ۱۳۰۴، حداکثر ۵ سال در دارالتأدیب برای این‌گونه مجرمان پیش‌بینی کرده بود، و قانون جزای سال ۱۳۵۲، حد اکثر ۸ سال زندان برای نوجوانان بالای ۱۵ سال سن، تعیین کرده بود.

اصرار مقامات قضایی بر تفسیر محدود و عهد عتیقی از قواعد دینی، نه تنها مورد تأیید نظام‌های قضایی اکثر کشورهای دارای اکثریت مسلمان نیست، بلکه از سوی مجتهدان دینی محترم و شناخته شده هم رد شده است. برخی استدلال می‌کنند که

دلیل قطعی مبنی بر اینکه سن بلوغ و سن مسئولیت کیفری در فقه، یکسان است وجود ندارد، و برخی دیگر معتقدند مفهوم کمال (عقلی) که در قرآن بدان اشاره شده، بس پیچیده است و سنین بالاتری را از آنچه که مقامات قضایی ایران تفسیر و بدان استناد می‌کنند در نظر دارد.

خود مقامات ایران نیز می‌دانند که افراد زیر ۱۸ سال هنوز از بلوغ و پختگی برخوردار نیستند و تضادهای موجود در قوانین مدنی و جزایی جمهوری اسلامی شاهی بر این مدعا است. برای نمونه، در جرایم مستوجب تعزیر، بنا به «صلاحدید» قاضی، متهمان زیر ۱۸ سال بر مبنای یک فرآیند مبتنی بر سن، تحت رسیدگی قرار گرفته و از مجازات حداکثری معافاند. اصلاحات اخیر قانون مبارزه با مواد مخدر در ایران، مجازات اعدام را برای افرادی که از فرد زیر ۱۸ سال برای ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر استفاده می‌کنند، مقرر نمود و از این طریق، مسئولیت تقلیل یافته و آسیب‌پذیری تمامی افراد زیر ۱۸ سال را به رسمیت شناخت (و از این حیث، آنان را با افرادی که دچار معلولیت ذهنی‌اند، همسان دانست). افزون بر این، قوانین ایران افراد زیر ۱۸ سال را از داشتن حساب بانکی مستقل و برداشت وجه از آن، عقد قرارداد، انجام تراکنش مالی، اقامه دعوی در مسائل مالی، و همچنین درخواست پاسپورت و گواهینامه رانندگی، منع می‌کند.

منتقدان اعدام کودکان بز هکار در ایران همچنین به تعهدات بین‌المللی این کشور و ممنوعیت این رویه در قوانین بین‌المللی تاکید می‌کنند. آنها به شواهد و تحقیقات عدیده در علم اعصاب و روانشناسی نیز استناد می‌نمایند که بر اساس آن‌ها، فرآیند جهانشمول رشد مغزی انسان، صرف نظر از فرهنگ، زبان و تربیتی که داشته، نظام قضایی را موظف می‌کند که با کودکان و نوجوانان به شیوه‌ای مطلقاً متفاوت رفتار شود. بسیاری منتقدان به دلیل اینکه آشکارا انتقاد می‌کنند مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

چندین دهه تحقیق در باب نحوه رشد مغز انسان نشان می‌دهد که کودک در مقابل فشار از سوی دیگران بسیار تاثیرپذیر است و تصمیم‌های عجولانه می‌گیرد، و نیز شخصیتی فوق‌العاده متغیر دارد. اتصالات عصبی بین قسمت‌های مختلف مغز که با کنترل اقدام‌های لحظه‌ای و فکر نکرده و تفکر در مراتب بالاتر و واکنش‌های عاطفی سر و کار دارند، در سه دهه نخست زندگی افزایش می‌یابند، روندی که با گذر زمان از شدت نوسانات و واکنش‌های هیجانی و عاطفی می‌کاهد. تحقیقات تجربی نه تنها نشان می‌دهد که کودکان در دورنگری و توانایی همکاری با وکیل مدافع، مشکل دارند، بلکه به احتمال زیاد بزرگسالان دچار آسیب‌های عصبی نیز که عملکرد مغز آنان را مشابه مغز نوجوانان می‌کند تصمیمات خودمحور اتخاذ می‌کنند. این نتایج علمی مؤید آن است که مجازات اعدام برای کودکان نه بازدارنده است (چرا که نوجوانان نسنجیده عمل می‌کنند و مجازات‌های کیفری را در نظر نمی‌گیرند)، نه متناسب با جرم (چرا که ستاندن روشمند جان افراد از سوی دولت به هیچ رو با اقدام‌های نسنجیده و لحظه‌ای کسانی که هنوز به بلوغ فکری نرسیده‌اند، تناسبی ندارد)، و نه از وقوع مجدد جرم پیشگیری می‌کند.

سیاست دستگاه قضایی ایران مبنی بر صدور حکم اعدام و ستاندن جان کودکان بز هکار، امروز هم به اندازه چهار سال پیش، یعنی از آغاز این رویه، غیر قابل دفاع است. توجیهات مقامات ایران به شدت با تاریخ این کشور، عقاید خود ایرانیان، قوانین داخلی ایران و مقررات بین‌المللی، و نیز با یافته‌های علمی، در تضاد است. زمان آن فرا رسیده که ایران واقعیت‌ها را بپذیرد، اعدام‌ها را متوقف کند، و قوانین خود را به گونه‌ای اصلاح نماید که کودک بودن افراد زیر ۱۸ سال را در کلیه قوانین و مقررات و نیز در عمل، تضمین کند. در شرایطی که جامعه مدنی در ایران به دلیل انتقاد از قوانین و رویه‌های رایج سرکوب شده و ادارا به سکوت می‌شود، جامعه جهانی باید اقدامات بیشتری در جهت متوقف کردن اعدام کودکان بز هکار انجام دهد. آنهایی که با ایران در زمینه پرونده حقوق بشری‌اش گفتگو دارند، برای دست‌یافتن به داده‌های آماری باید استراتژی موثرتر و شفاف‌تری در پیش گیرند، با استدلال رسمی آن کشور که به منظور خودداری از انجام اصلاحات ارائه می‌شود، مقابله کنند، و جمهوری اسلامی را ملزم به پاسخگویی در قبال نقض تعهدات بین‌المللی حقوق بشری خود نمایند.

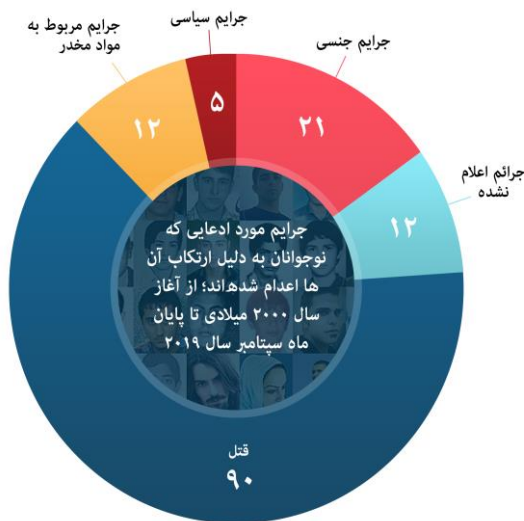
توصیه‌های کلیدی

- توقف مجازات اعدام در تمامی موارد، با هدف لغو سریع آن.
- لغو مجازات اعدام در قانون مجازات اسلامی در مورد کلیه افرادی که در زمان ارتکاب جرایم مشمول حد یا قصاص، زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، بدون دادن اختیار عمل به دادگاه.
- کاهش کلیه احکام اعدام برای متهمانی که هم اکنون در انتظار اعدام به سر می‌برند و هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند؛ این امر با معیارهای بین‌المللی عدالت برای کودکان همخوانی دارد.
- بازنگری در پرونده افرادی که در انتظار اعدام‌اند و رسیدگی مجدد به طور برنامه‌ریزی شده به کلیه پرونده‌هایی که در آن، دادگاه اعترافات متهمان را، علی‌رغم اعتراض آنان مبنی بر اجباری بودن این اعترافات، پذیرفته، و نیز رسیدگی به پرونده‌هایی که این اعترافات در جریان بازجویی و بدون حضور وکیل اخذ شده است.
- تضمین شود که تحت هیچ عنوان، هیچ شهادت و اعتراف اجباری‌ای که از طریق شکنجه، یا رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز به دست آمده، به عنوان ادله و مدرک در دادگاه ارائه نشود، و درباره ادعاهای مطرح شده درباره اعترافات و شهادت‌های اجباری، تحقیق مقتضی به عمل آید و عاملان، مجازات شوند و خسارات وارده جبران گردد.
- تضمین شود که کودک در کلیه مراحل دادرسی یعنی از آغاز رسیدگی به پرونده، در طول تحقیقات، در آماده‌سازی و دفاع در جریان محاکمه، تا طی شدن کلیه مراحل تجدید نظر، از معاضدت حقوقی یا دیگر کمک‌های مقتضی، مطابق با کنوانسیون حقوق کودک، برخوردار شود.

پیشگفتار

از بدو تاسیس جمهوری اسلامی ایران تا به امروز، مقررات کیفری و نظام قضایی کشور تهاجم بی‌سابقه‌ای را در زیر پا گذاشتن حق حیات و انجام و رعایت تشریفات و الزامات دادرسی به عمل آورده‌اند. بر اساس پژوهش‌های بنیاد عبدالرحمن برومند برای حقوق بشر در ایران (بنیاد برومند)، انجام قریب به دویست فعل در ایران مشمول مجازات اعدام می‌شود، در حالی که تنها تعداد انگشت‌شماری از این افعال، با معیارها و الزامات شناخته شده و رسمی بین‌المللی که برای جرایم مشمول کیفر مرگ در نظر گرفته شده، مطابقت دارند.

طی چهار دهه اخیر، محاکم ایران ده‌ها هزار تن، و از جمله مجرمان زیر سن قانونی را به اعدام محکوم کرده‌اند. این افراد به جرم اعتقادات سیاسی و مذهبی، استفاده از حق آزادی بیان و تجمع، انتخاب شریک زندگی، و نیز ارتکاب جرایم عادی از جمله جرایم مربوط به مواد مخدر و قتل، به اعدام محکوم شده‌اند.¹ قوانین کیفری ایران پس از انقلاب، به دلیل سن کم فرد مجرم، تخفیفی قائل نمی‌شود. در نظام قضایی جمهوری اسلامی، سن «رشد» آدمی ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران تعیین شده است.



اگرچه سن مسئولیت کیفری در کشورهای مختلف به شدت متفاوت است، با این حال در اینکه افراد زیر ۱۸ سال، از رشد فکری و ذهنی کامل برخوردار نیستند و بنابراین نمی‌توان آنان را همچون افراد بزرگسال محاکمه کرد، اجماعی جهانی وجود دارد. قوانین بین‌المللی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک که جمهوری اسلامی متعهد به اجرای آنها است، اعدام افراد را به دلیل جرمی که قبل از هجده سالگی مرتکب شده‌اند، صراحتاً منع کرده است. پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷، و حتی پیش از ایجاد معاهدات فوق‌الذکر، قانونگذاران ایران این ممنوعیت را در قوانین کیفری کشور گنجانده بودند.

در اوایل قرن بیستم میلادی، بنیانگذاران نظام حقوقی مدرن ایران، سن بلوغ فکری دختران و پسران را به ۱۸ سال افزایش دادند و کیفر شدید کودکان را ممنوع کردند. اما پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، رهبران جمهوری اسلامی نظام حقوقی و قضایی ایران را زیر و رو کردند و با وجود اعتراض‌های شدید و گسترده حقوقدانان، سن بلوغ فکری و مسئولیت کیفری را در قوانین کشور به طرز شگفت‌انگیزی کاهش دادند. این دگرگونی، همراه با نقض سیستماتیک تشریفات و الزامات دادرسی، پیامدهای وخیم و مرگباری برای هزاران متهم زیر ۱۸ سال داشته است. مقامات ایرانی در پاسخ به منتقدان ایرانی و خارجی خود، به توجیهات کهنه مذهبی و فرهنگی، و وعده‌های توخالی توسل بسته و یا حتی اطلاعات غلط ارائه کرده‌اند. در داخل ایران به طور دایم با این توجیهات مخالفت می‌شود؛ پیشرفت‌ها و نتایج تحقیقات علمی در زمینه رشد مغزی نوجوانان، و نیز ذهنیت و تصویری که این‌ها از خطر دارند، توجیهات مقامات جمهوری اسلامی را به شدت تضعیف می‌کند.

¹ از این میان می‌توان به برخی جرایم مربوط به مواد مخدر، قتل، و برخی جرایم مشمول حد نظیر زنا، زنا با محارم، تجاوز به عنف، لواط، مساحقه، محاربه، و افساد فی الارض، اشاره کرد.

داده‌ها

مقامات جمهوری اسلامی آمار اعدام‌ها را به شکل دقیق و منظمی منتشر نمی‌کنند و ورود به دادگاه‌ها و تماس با زندانیان شدیداً محدود است. گزارش ایسنا مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۶ خاطر نشان ساخت که در حال حاضر در ایران آمار رسمی در مورد تعداد پرونده‌هایی که به وکلای تسخیری ارجاع و احکامی که در این پرونده‌ها صادر می‌شود، وجود ندارد. علی یاراحمدی، رئیس کمیسیون وکالت‌های تسخیری کانون وکلای مرکز می‌گوید: «تعداد پرونده‌های تسخیری در سال ۹۵، تنها در تهران بیش از ۱۰۰۰ مورد بوده است و این تنها پرونده‌هایی است که به کانون وکلا ارجاع می‌شود. در بسیاری از موارد دادرسی‌ها و دادگاه‌ها خودشان راساً برای متهم وکیل تسخیری اختیار می‌کنند و آمار این پرونده‌ها در اختیار کانون قرار نمی‌گیرد.»^۲



کودکان متهم به قتل، غالباً از دادرسی عادلانه محروم شده و تحت شکنجه، تن به اعترافات اجباری می‌دهند.

اگرچه اعدام‌های بسیاری، از جمله اعدام کودکان بزهکار، گزارش نمی‌شوند، منابع رسمی و روزنامه‌های ایران تنها گهگاهی در مورد اعدام‌ها گزارش می‌دهند. تاکنون بنیاد ما درباره ۴۸۲ مورد اعدام کودکان بزهکار از سال ۱۳۵۷ به این سو، اطلاعات جمع‌آوری کرده است. این تعداد، بسیاری از موارد مستند شده اعدام جوانانی که سن آنان را در زمان ارتکاب جرم نمی‌توان تایید کرد، در بر نمی‌گیرد. نقصان داده‌های بنیاد عبدالرحمن برومند به خصوص در مورد دهه ۱۹۹۰ میلادی (دهه ۱۳۷۰ شمسی) پی‌آمد تعطیلی نشریات آزاد و سرکوب جامعه مدنی و گروه‌های سیاسی در دهه پیش از آن بود (۱۳۶۰) که با کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسید، و مانع از آن شد که بتوان از زندانیان و منابع مستقل اطلاعات کسب کرد. به رغم کمبود آمار رسمی، منابع موجود شاهدهی بر چندین دهه نقض ساختاری حق حیات کودکان در غیاب رویه عادلانه دادرسی می‌باشند.

در سال ۲۰۱۸ (۱۱ دی ۱۳۹۶ تا ۱۰ دی ۱۳۹۷)، ایران هفت طفل بزهکار را اعدام کرد^۳ و از سال ۲۰۰۹ میلادی (از ۱۲ دی ۱۳۸۸) تا کنون دست کم ۸۸ کودک در ایران اعدام شده‌اند و دست کم ۶۴ مورد از این اعدام‌ها پس از اصلاح قانون مجازات اسلامی، که از ۲۲ خرداد ۱۳۹۲ لازم‌الاجرا بوده است، انجام شد. از این ۸۸ مورد اعدام، ۵۷ حکم آن مبتنی بر اتهام قتل بوده است. گزارش‌ها در مورد بسیاری از این پرونده‌ها حاکی از آن است که این جوانان در خلال درگیری‌های ناشی از احساسات شدید با هم سن و سالان خود، مرتکب قتل شده‌اند، یعنی دقیقاً همان نوع وضعیتی که طی آن، افرادی که در مقابل فشار از سوی هم‌قطاران، یا به لحاظ تصمیمات آنی و فکر نکردن به عواقب کار خود، آسیب پذیرند، ممکن است مرتکب اشتباهی جبران‌ناپذیر بشوند. کودکان متهم به قتل بیشتر اوقات از حق دادرسی عادلانه محروم‌اند و زیر شکنجه مجبور به اعتراف می‌شوند؛ در حال حاضر، ده‌ها کودک بزهکار به جرم قتل عمد و غیر عمد، در انتظار اعدام به سر می‌برند.

<https://www.isna.ir/news/96111067562>

3 در سال ۲۰۱۷، ایران و سودان جنوبی تنها کشورهایی بودند که مبادرت به اعدام اطفال بزهکار می‌کردند.

قربانیان

قربانیان کودک و نوجوان مجازات اعدام، دارای مذهب، قومیت، تابعیت، و پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت‌اند. اما اعم از گناهکار یا بی‌گناه، یک وجه اشتراک دارند: همه آنها متهم به ارتکاب جرمی شده‌اند که در زمان وقوع، جوان‌تر از آن بوده‌اند که بتوانند ماهیت و آثار اعمال خود را ارزیابی کنند. آنها در دوران بازداشت و بازجویی، یعنی در همان وقتی که از دسترسی به وکیل هم محروم بوده‌اند، از بزرگسالان آسیب‌پذیرتر و تأثیرپذیرتر بوده‌اند.

انقلاب ۱۳۵۷، نوجوانان را به سوی فعالیت‌های سیاسی جلب کرد. برخی از آنان نزدیکی داشتند که فعال سیاسی بودند و برخی دیگر از سوی فعالان مذهبی و روحانیون به مساجد جذب شدند؛ برخی دیگر توسط معلمان جذب شده و برخی نیز به دوستان خود ملحق شدند. بسیاری از آنان روزنامه می‌فروختند، اعلامیه پخش می‌کردند و در تظاهرات و دیگر گردهمایی‌ها شرکت می‌جستند؛ در آن زمان، هیچک از این فعالیت‌ها غیرقانونی نبود و این افراد هنگامی که مقامات به آنها اخطار می‌کردند از کار خود دست بکشند، به آن توجهی نمی‌کردند. آیا آنها توان ارزیابی خطرات فعالیت خود را داشتند؟ آیا خشونت‌هایی که به چشم خود دیده بودند آنها را به شدت عصبانی کرده بود؟ یا این که ترک کردن گروهی که به آن پیوسته بودند دشوار بود؟ علت هر آنچه بوده باشد، مسلم این است که آنها هیچ‌گونه تجربه‌ای نداشته و به هیچ وجه آمادگی آنچه پس از دستگیری با آن مواجه شدند را نداشتند.

منوچهر اسحاقی

هنگامی که منوچهر اسحاقی، یکی از جان‌بدربرندگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۶۰ دستگیر شد، تنها ۱۳ سال داشت. وی ۱۰ سال بعدی زندگی خود را در زندان‌های ایران سپری کرد، نزدیک بود اعدام شود، و از زمان آزادی تا کنون، با ترومای بازداشت و از دست دادن دوستانش، زندگی کرده است. وی درباره فعالیت‌های سیاسی که منجر به بازداشتش شد به بنیاد برومند توضیحاتی ارائه کرد:

«آن موقع بچه‌ها توی مدرسه زود شروع می‌کردند. دایی من از فعالان سیاسی بود - فضای سیاسی در خانه حاکم بود - آنموقع روزنامه‌ها، از گروه‌های چپ بگیر تا مجاهدین، را می‌خواندیم - صحبت و بحث بود. به در و دیوار آفیش می‌زدیم، روزنامه می‌فروختیم و اعلامیه پخش می‌کردیم. اگر فضای توی مدرسه و جامعه اینقدر حالت سر کوب نبود شاید من اصلاً اینقدر انگیزه پیدا نمی‌کردم بروم دنبال این قضایا. تقریباً ۸-۹ ماه قبلش هر میتینگ سیاسی که بود [می‌دیدم که مردم] چوب و چماق و چاقو خورده بودند - مثلاً دایی کوچکم، که اصلاً هوادار یا فعال هم نبود، آمده بود یکی از میتینگ‌های جلوی دانشگاه فقط برای تماشا. چماق‌دارهای رژیم حمله کردند با چماق و چاقو و زنجیر حمله می‌کردند. ما آنموقع فرار می‌کردیم نمی‌ایستادیم که

بخوریم. از پشت [به داییم] چاقو زدند و چاقو ریه‌اش را پاره کرد. من سه روز همراه او در بیمارستان بودم چون او در کما بود.»⁴

منوچهر و دوستانش به عواقب جدی فعالیت‌هایشان فکر نکرده بودند:

«خوب بابام مخالفت خیلی می‌کرد - مادرم هم شاید یک موقع‌هایی می‌گفت ولی خوب می‌گویم جو خانه اینطوری بود که اصلا گوش شنوایی نبود دیگر فقط ما می‌خواستیم یک تغییری ایجاد کنیم - این تغییر حالا به چه بهایی بود حالا دیگر زیاد بهش فکر نمی‌کردیم ولی خوب آدم بعدش که حالا یک خورده مثلا حالا فکر می‌کند شاید الان سنمون رفته بالا می‌گوئیم مثلا چقدر ریسک بود - آدم راحت این ریسک را قبول می‌کرد تو آن سن...»

منوچهر نهایتا دستگیر و در سلول انفرادی نگهداری و ساعت‌ها شکنجه شد، و دست آخر هم محاکمه شد، آن هم بدون داشتن وکیل. کسانی که با او فعالیت می‌کردند به او گفته بودند که تا حداقل ۲۴ ساعت حرف نزنند تا اطلاعاتی که داشته (محل یک ملاقات) بسوزد. او هم هیچ نگفت و خود را در معرض ضرب و شتم، ضربات شلاق، و تهدید جانی قرار داد.

«نه من اصلا نمی‌فهمیدم - همه چیز برام یک حالت چه جویری بگویم... سه روز گذشته بود من همه چیز برام یک حالت خواب و رویا و چه می‌دانم یک حالت خواب وحشتناک یک همچین حالتی - واقعی نبود - لمس نمی‌توانستم بکنم - همه‌اش یک حالت - مثلا وقتی من را انداختند توی سلول انفرادی گریه می‌کردم می‌گفتم من می‌خواهم بروم خانه‌مون من کاری نکردم. آنها راجع به اعدام من حرف زدند ولی گفتند امشب نوبت تو نیست.»⁵

هشت ماه طول کشید تا به منوچهر اجازه داده شد با خانواده‌اش ملاقات کند. هنگامی که او به همراه هشت زندانی دیگر می‌رفت تا اعدام شود، دادستان با اشاره به سن کم وی از کشتن او گذشت اما فقط پس از این که وی را مجبور کرد اعدام آن هشت نفر، از جمله دوست ۱۷ ساله‌اش پرویز را مشاهده کند. صدها زندانی دیگر اما از اقبال وی برخوردار نشدند.

حمید جابانی

اطلاعات اندکی درباره حمید جابانی وجود دارد، غیر از این که وی در زمان اعدام در تاریخ ۱۹ دی‌ماه ۱۳۶۰ در مشهد، ۱۵ یا ۱۶ ساله بود. برادرش کورش چند ماه پیش از او اعدام شده بود و برادر بزرگش سعید، چند ماه بعد در اردیبهشت⁶.



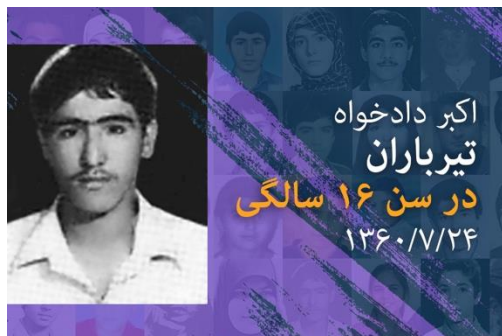
⁴ مصاحبه با منوچهر اسحاقی، ۲۳ اسفند ۱۳۸۷ و خرداد ۱۳۸۸

⁵ <https://www.iranrights.org/fa/library/document/2431/i-was-arrested-twenty-days-before-i-turned-14>

⁶ مصاحبه منتشر نشده برومند با منوچهر اسحاقی، خرداد ۱۳۸۸

⁶ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/38649/hamid-jabani>

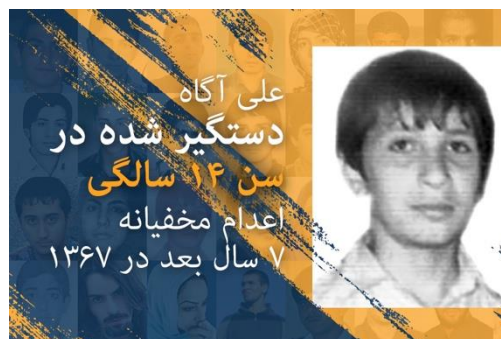
اکبر دادخواه



هنگامی که اکبر دادخواه به همراه بیست و چهار تن دیگر در تاریخ ۲۴ مهر ماه ۱۳۶۰ در مقابل جوخه آتش قرار گرفت، تنها ۱۶ سال داشت. او توسط دادستانی انقلاب، به اتهام «ساخت کوکتل مولوتف و شرکت در فعالیت‌های تیمی، فعالیت‌های گسترده در تیم‌های سازمانی و حضور در خانه‌های تیمی، و شرکت در تظاهرات و درگیری‌های خونین خیابانی» مجرم شناخته شد. آیا وی وخامت اتهامات علیه خود

را درک می‌کرده؟ آیا اساساً هیچ‌گونه جرمی مرتکب شده بود؟ آیا توانسته بود شواهد و مدارکی که علیه او ارائه شده بود را ببیند و آیا توانسته بود شهودی را در دفاع از خود فرا بخواند؟ او وکیل نداشت که به وی کمک کند. تجدید نظری هم در کار نبود.

علی آگاه



علی آگاه برای نخستین بار به اتهام فروش روزنامه در خرداد ماه سال ۱۳۶۰، دستگیر شد. وی دو هفته در بازداشت به سر برد، اما این اخطار اول، برای این که او خطرات فعالیت‌های خود را ارزیابی کند، کافی نبود. او مجدداً در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۶۰ در یک اتوبوس شهری دستگیر و در حالی که تنها ۱۴ سال سن داشت به زندان وکیل آباد شیراز منتقل شد. هیچ ملاقاتی هم با هیچکس نداشت. اطلاعات

زیادی درباره محاکمه وی در دست نیست. بنا بر اطلاعات موجود، یک بازپرس به خانواده علی گفته بود «این بچه‌ها در زندان سیاسی می‌شوند و نمی‌شود آزادشان کرد». او در سال ۱۳۶۷ در خفا اعدام شد. وی یکی از ۴۰۰۰ زندانی سیاسی‌ای است که در تابستان و پاییز سال ۱۳۶۷ به علت باقی ماندن بر سر مواضع خود، به دار آویخته شدند.⁷

بهرام احمدی



حذف گروه‌های اپوزیسیون در داخل ایران در دهه ۱۳۶۰، در جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی سازمان یافته مخالفان و محدود کردن اعدام‌های سیاسی در دهه بعدی نقش بسزایی داشت اما جان مخالفینی که از اقلیت‌های قومی و مذهبی هستند، حتی کودکانی که قصد ملحق شدن به فعالیت‌های سازمان یافته یا سازمان‌های سیاسی را داشته باشند همچنان در خطر است. بطور مثال کودک متهم، بهرام احمدی، فعال مذهبی سنی کرد که در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۸۸ و در سن ۱۷ سالگی در خانه‌اش دستگیر شد.

بهرام به مدت ۱۷ ماه در سلول انفرادی نگهداری و شکنجه شد. سپس با دستنبد، پابند، و چشمبند، در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب محاکمه شد. وکیل تسخیری وی و دیگر متهمان پرونده، در روز محاکمه با او ملاقات و وی را متقاعد نمود در مقابل انتقال

⁷ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-2736/ali-agah>

به زندانی در شهر خودش و تخفیف مجازات، اتهامات وارده را بپذیرد. در وصیتنامه‌ای که پس از اعدامش در تاریخ ۷ دی ماه ۱۳۹۱ منتشر شد، بهرام احمدی به فحاشی و رفتار بی‌ادبانه قاضی اشاره کرد و گفت که اجازه حرف زدن به وی داده نشده است.

او توضیح داد «پس از اینکه دو روحانی به نام‌های بیژن دانشمند و جویباری به ام‌المومنین [عایشه] ... و دیگر اصحاب پیامبر اسلام... و اعتقادات و مقدسات اهل سنت به شدت فحاشی کردند» فعالیت جهت ترویج اعتقادات مذهبی خود را آغاز کرده بوده است. «... ما چهار سال گذشته را در زندان گذرانده‌ایم و [مقامات] به جای این که آن دو روحانی را به خاطر فحاشی‌هایشان محاکمه کنند، ما را محکوم کرده‌اند.»⁸

اگرچه مواردی نظیر پرونده بهرام احمدی خیلی متداول نیست اما در پرونده‌های اطفال بز هکار، تاثیرات مخرب ناشی از خشم در واکنش به کلمات توهین‌آمیز طرف مقابل، اغلب به چشم می‌خورد. احساسات، و آمیزه‌ای از خشم آبی و ناتوانی در ارزیابی خطرات، باعث شده نوجوانان دست به اعمالی بزنند که پیامدهای مرگباری به همراه داشته است. نوجوانانی که طی سال‌های اخیر اعدام شده‌اند اغلب به خاطر ارتکاب قتل در خلال یک نزاع به قصاص نفس محکوم شده‌اند. اگر در مقابل فشارهای نیروهای انتظامی مقاومت کرده و اعتراف اجباری نکرده باشند، غالباً در دفاعیات خود از خشم آبی و فقدان برنامه‌ریزی و نیت قبلی سخن گفته و بر آن پافشاری نموده‌ند. بعضاً برخی افراد از بی‌تجربگی کودکان بز هکار و عدم دسترسی آنان به وکیل، سوء استفاده کرده و آنها را مجاب کرده‌اند که مسئولیت قتلی که مرتکب نشده‌اند را به گردن بگیرند. با این که اطفال بز هکار از معاضدت وکلا در دادگاه برخوردار می‌شوند اما در اکثر موارد از دفاعی صحیح و موثر (لااقل در جریان دادرسی بدوی)، بهره نمی‌برند. در کلیه مواردی که گزارش شده، آنها در تحقیقات و بازجویی‌ها از دسترسی به وکیل مدافع و اغلب نیز به خانواده‌هایشان، محروم بوده و به ناچار تنها با دستگاه قدرتمند و مرعوب‌کننده قضایی روبرو شده‌اند.

بهنود شجاعی

بهنود شجاعی پس از این که سه بار تا پای چوبه دار برده شد و شاهد به دار آویخته شدن ۱۴ نفر بود، در روز ۱۹ مهرماه ۱۳۸۸ به اتهام قتل، اعدام گردید. وی در هر دو جلسه دادگاه، اتهام قتل عمد را رد کرده و گفت برای دفاع از خود دست به سوی یک بطری نوشابه شکسته برده بود. وی پس از یک نزاع در تاریخ ۱۷ مرداد ماه ۱۳۸۴، خود را تسلیم پلیس کرده و در ۱۰ مهر ماه ۱۳۸۵، به اعدام محکوم شد. وی گفت هدفش این بوده که مقتول را که به مادر مرحومش فحش داده و او را خشمگین کرده بود، بترساند. شجاعی اصرار ورزید که تنها یک ضربه چاقو به مقتول وارد کرده بود. وکیل



مدافعش عنوان کرد که آن روز، همه شرکت کنندگان در نزاع چاقو به همراه داشتند و از دادگاه درخواست کرد شهادت شاهدان عینی را استماع کند.

در آخرین مصاحبه‌ای که بهنود انجام داد، از او سوال شد که آیا مایل هست اعدامش مجدداً به تعویق بیفتد یا خیر. بهنود چنین پاسخی داد:

⁸ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-7321/bahram-ahmadi>

«نه. نه. واقعا دیگه نمی‌خواهم به تعویق بیفتد. من اصلا قصد قبلی نداشتم. من از ۱۷ سالگی در زندان بودم. از بچگی مادر نداشتم... به خدا به اندازه تمام عمر یک آدم من تنبیه شدم. از خدا می‌خواهم دشمن آدم هم گرفتار چنین جایی نشود.»⁹

آرمان بحرآسمانی

آرمان بحرآسمانی در روز ۲۶ دی ماه ۱۳۹۵ به جرم قتل پسر خاله‌اش در آبان ماه سال ۱۳۹۱، هنگامی که تنها ۱۶ سال داشت و در حال مستی بود، اعدام گردید. اتهام وی «قتل عمد و شرب خمر» عنوان شد. با این که با توجه به اصلاحات صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی مورخ ۱۳۹۲، قاضی می‌توانست آرمان را به اعدام محکوم نکند بر این اساس که هنوز به مرحله‌ای از رشد عقلی نرسیده بوده که ماهیت اعمال خود را درک نماید، با این حال تصمیم گرفت حکم اعدام برایش صادر کرده و به خاطر شرب خمر نیز او را به ۷۴ ضربه شلاق محکوم نماید. وکیل آقای بحرآسمانی به تناقضات در حکم دادگاه اشاره کرد و گفت: «اگر دادگاه معتقد است موکل من مست بوده، نباید این قتل، عمدی حساب شود و اگر مست نبوده، چرا حکم شلاق برای او صادر شده است؟»¹⁰

علیرضا تاجیکی



مورد علیرضا تاجیکی که در روز ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۱ در میان خشم و ناباوری مردم اعدام شد، نمونه خوبی است از پیامدهای مرگبار ترکیب قوانین بد و بی اعتبار با نادیده گرفتن و بی‌احترامی دستگاه قضایی نسبت به رعایت تشریفات و الزامات قانونی.

پس از کشف جسد دوست علیرضا در چاهی در روستای گرده‌سر، و پس از این که چند بار توسط آگاهی جهت کمک به تحقیقات نیروی انتظامی احضار شده بود، علیرضا در تاریخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۱ در سن ۱۵ سالگی دستگیر شد. در روز مورد نظر، علیرضا به همراه چند تن از دیگر دوستان مقتول، بدون اطلاع خانواده‌اش، به اداره آگاهی شهرستان فسا احضار شده بود. علیرضا تاجیکی به مدت ۱۵ روز در سلول انفرادی بدون دسترسی به خانواده و وکیل نگهداری شد. او خبر

داد که بازجویان تحت فشار و شکنجه از طریق ضرب و شتم، شلاق زدن و آویزان کردن از دست و پا، او را مجبور به اعتراف علیه خود کردند. علیرضا در دادگاه بر بی‌گناهی خود تاکید کرد و گفت که اظهاراتش پس از روزها بازجویی و شکنجه عنوان شده است. گزارش شده است که او مکرراً به خانواده‌اش گفته بود:

«(بازجو) می‌گفت بگو از این‌ور رفتم، از اون‌ور رفتم، بعد این جا این کار را کردم، آن جا کشته‌امش، این جا آمدم بغلش کردم، این جور انداختمش توی چاه. خلاصه یادم می‌داد باز هم من بلد نبودم. اگر یاد گرفته بودم، چون که نمی‌خواستم کتک بخورم، انجام می‌دادم.»¹¹

⁹ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-7591/behnud-shojai>

¹⁰ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8067/arman-bahr-asemani>

¹¹ <https://www.amnesty.org.uk/urgent-alireza-arrested-15-tortured-confession-be-executed-tomorrow>

چند مدرک مهم که به اثبات بی‌گناهی متهم کمک می‌کرد از پرونده حذف شده بود، از جمله گزارش پزشکی قانونی از کالبد شکافی جسد قربانی که حاوی اطلاعات پزشکی‌ای بود که با اعترافات علیرضا در مرحله بازجویی در تناقض است. نسرين ستوده، وکیل وی، خاطر نشان ساخت که دادگاه از استماع شهادت شهود، خودداری کرده بود:

«شهود زیادی حاضر بودند که در دادگاه حضور پیدا کنند و به نفع موکلم شهادت بدهند که موکلم در زمان وقوع جرم موکلم در منزل حضور داشته، اما دادگاه همه این تقاضاها را نادیده گرفت.»

وی همچنین اظهار داشت هیئت پزشکی پزشکی قانونی، نخست بلوغ عقلی و فکری موکلمش را به موجب ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تایید نکرد اما بار دوم، هیات پزشکی دیگری اعلام داشت وی [در زمان وقوع جرم] دارای رشد و بلوغ عقلی و فکری لازم بوده است.¹²

امیرحسین پورجعفر کتمجانی

امیرحسین پورجعفر کتمجانی به اتهام قتل و تجاوز به عنف به یک دختر جوان هفده ساله، از سوی شعبه هفت دادگاه کیفری یک استان تهران، گناهکار شناخته شد و در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۹۶، اعدام گردید. یکی از کارشناسان کانون اصلاح و تربیت که امیرحسین آنجا بازداشت بود، تشخیص داده بود که وی به یک نوع بیماری رفتاری مبتلا است که در صورت عدم درمان می‌تواند به ایجاد «شخصیت ضداجتماعی» و «از دست دادن حس همدلی با دیگران» منجر شود. به گفته یک فرد مطلع، امیرحسین در روز حادثه مواد مخدر مصرف کرده بود، موادی که تهیه آن در آن محله به سادگی امکان‌پذیر است.¹³

علی کاظمی

در یک درگیری خیابانی در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ بر سر مبلغ ناچیزی پول بنزین، علی کاظمی در سن ۱۵ سالگی فرد دیگری را به قتل رساند. وی به مدت شش سال و یازده ماه در زندان بوشهر در حبس بود و نهایتاً در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۹۶ اعدام شد. حکم اعدام، بدون اطلاع و حضور وکیل و خانواده وی به اجرا در آمد. سازمان عفو بین‌الملل اعدام علی را «فوق‌العاده بی‌رحمانه» خواند و آن را «حمله‌ای همه‌جانبه به حقوق کودک» توصیف کرد.¹⁴

محبوبه مفیدی

محبوبه مفیدی در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۹۷ در سن بیست و یک سالگی به دار آویخته شد. او در سن ۱۳ سالگی در روستایی در اطراف نوشهر مازندران ازدواج کرده بود. محبوبه در حالی که تنها ۱۷ سال سن داشت به اتهام قتل شوهرش با قرص‌های سمی‌ای که توسط برادر شوهرش به وی داده شده بود، بازداشت شد. او در آغاز گفته بود که رابطه خوبی با شوهرش داشته اما پس از بازجویی‌هایی که بدون حضور وکیل به عمل آمد، علی‌الظاهر اعتراف کرده بود که عاشق برادر شوهرش بوده و قرص‌ها را به شوهرش داده است. به گفته یک منبع مطلع، محبوبه قربانی برادرکشی شده بود و از

¹² <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8069/ali-reza-tajiki>

¹³ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8294/amir-hosseini-purjafar-katamjani>

¹⁴ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8320/ali-kazemi>

<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2018/01/iran-authorities-execute-man-in-exceptionally-cruel-circumstances/>

محتویات خطرناک قرص‌ها بی‌اطلاع بود. مادامی که اعتراف‌های به دست آمده از متهمین بدون حضور وکیل، به عنوان مدرک در دادگاه قابل ارائه باشد، مواردی نظیر پرونده محبوبه بدون شک باز هم رخ خواهد داد.¹⁵

ابوالفضل نادری

در تاریخ ۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۷، ابوالفضل نادری، مرد جوانی که به اتهام قتل به اعدام محکوم شده بود، در زندان اراک واقع در استان مرکزی، اعدام گردید. وی هنگام بازداشت در خرداد ماه سال ۱۳۹۱ تنها ۱۶ سال سن داشت؛ این بازداشت زمانی رخ داد که وی به پلیس مراجعه کرده و گفته بود دوستش خودکشی کرده است. پلیس اظهارات او را نادیده گرفته و وی را به قتل متهم کرد و به مدت دو هفته بدون دسترسی به خانواده و وکیل، در حبس انفرادی در کلانتری نگه داشت. مقامات ادعا کردند ابوالفضل و دو تن از دوستانش در یک ساختمان خالی مشروبات الکلی می‌نوشیدند و ابوالفضل و یکی از هم‌پرونده‌های هایش متعاقباً به مقتول تجاوز کرده و او را کشته‌اند. ابوالفضل در دادگاه اظهار داشت که اعتراف وی به اتهامات وارده، کذب بوده و از این جهت اقرار کرده که دیگر نمی‌توانسته شکنجه را تحمل کند. وی همچنین اظهار داشت که سعی کرده بوده اعترافش را در داسرا پس بگیرد اما بازپرس تهدید کرده بود که او را مجدداً به کلانتری می‌فرستد. در تیر ماه سال ۱۳۹۲ شعبه یک دادگاه کیفری استان مرکزی، ابوالفضل را گناهکار شناخت و به اعدام محکوم کرد.

ابوالفضل اظهار داشت که تا دو سال بعد از صدور حکم، از حکم اعدام خود بی‌اطلاع بوده و تصور می‌کرده به ده سال حبس محکوم شده است. مقامات او را از حق خود مبنی بر اعاده دادرسی به موجب ماده ۹۱ مطلع نساختند. اوایل سال ۱۳۹۶، یک وکیل پرونده ابوالفضل را به طور رایگان بر عهده گرفت و دادخواست اعاده دادرسی نیز تسلیم نمود که دیوان عالی کشور این دادخواست را در خرداد یا تیر ماه سال ۱۳۹۶، رد کرد.

زینب سکان‌وند لکرانی

زینب سکان‌وند لکرانی، زن کرد ۲۴ ساله‌ای بود که در تاریخ ۱۰ مهر ماه ۱۳۹۷ در زندان ارومیه به دار آویخته شد. طبق گزارشات، زینب که در سن ۱۵ سالگی ازدواج کرده بود، در سال ۱۳۹۰ و در سن ۱۷ سالگی، پس از آن که خود را به کلانتری معرفی کرد، متهم به قتل شوهرش شد. در مهر ماه سال ۱۳۹۳، شعبه دو دادگاه کیفری شهرستان ارومیه زینب را به اعدام محکوم کرد. زینب بدون حضور وکیل مدافع بازجویی شد و وکیل تسخیری وی تنها در آخرین جلسه دادگاه حضور داشت. یکی از همبندان زینب اظهار داشت که وی به دیگر زندانیان گفته بود قتل را به جای فرد دیگری به گردن گرفته و هرگز فکر نمی‌کرده که در چنین وضعیتی گرفتار شود. وکیل زینب اظهار داشت که موکل وی نمی‌توانسته قتل را انجام داده باشد اما قاضی دادگاه استدلال وی در خصوص بی‌گناهی زینب را نادیده گرفت. افزون بر این، زینب گفته بود مورد خشونت جسمی و کلامی شوهرش قرار می‌گرفته و نامبرده به درخواست‌های طلاق از سوی او جواب رد می‌داده است. زینب همچنین اظهار داشت که مرتب از سوی برادر شوهرش به وی تجاوز می‌شده است. مقامات هیچ‌گونه تحقیقاتی در خصوص ادعاهای خشونت جنسی و آزار و اذیت خانگی انجام ندادند.¹⁶

¹⁵ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8319/mahbubeh-mofidi>

¹⁶ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8333/zeinab-sekaanvand-lokran>

<https://www.amnesty.org.uk/press-releases/iran-young-kurdish-woman-executed-after-unfair-trial>

مهدی سهرابی‌فر و امین صداقت‌پور

در روز ۵ اردیبهشت ۱۳۹۸، مهدی سهرابی‌فر و امین صداقت‌پور در زندان عادل آباد شیراز اعدام شدند.¹⁷ سازمان عفو بین‌الملل گزارش داد که حکم اعدام این دو نفر پس از محاکمه‌ای فوق‌العاده غیر عادلانه به اتهام ارتکاب چندین فقره تجاوز به عنف هنگامی که زیر ۱۸ سال سن داشتند، صادر شده بود. بنا به گزارش عفو بین‌الملل، این دو در زمان اعدام زیر ۱۸ سال سن داشتند. مقامات از قبل اعلام نکردند که حکمشان اجرا می‌شود و قبل از اعدام آنها را شلاق زدند.¹⁸ یک گزارش محلی مورخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۵، به دو نوجوان ۱۶ ساله اشاره می‌کند (احتمالاً سهرابی‌فر و صداقت‌پور) که به اتهام ارتکاب چندین فقره سرقت و «آزار و اذیت» زنان دستگیر شده‌اند. طبق این گزارش، قبل از دستگیری این دو تن، شش زن شکایاتی مطرح کرده بودند که نهایتاً پیگیری نکردند.¹⁹

امیرعلی شادابی و تورج عزیزی

در مورد پرونده امیرعلی شادابی اطلاعات زیادی در دست نیست. او در روز ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۸ در شهرستان میناب واقع در استان هرمزگان به خاطر نقشش در زمانی که ۱۷ ساله بوده، در نزاعی که منجر به قتل شده بود اعدام شد.²⁰ در مورد تورج عزیزی که در روز ۶ مرداد ماه ۱۳۹۸ در زندان نور استان مازندران اعدام شد نیز اطلاعات چندانی موجود نیست.²¹ تورج به اتهام قتل یک نوجوان در یک درگیری، هنگامی که تنها ۱۶ سال سن داشت، گناهکار شناخته شده بود.²²

کیان

کیان که در زمان مصاحبه در سال ۱۳۹۴ در صف اعدام به سر می‌پرد، در خلال بازجویی به چاقو زدن پسری دیگر اعتراف کرده بود. وی بعداً ادعا کرد که بی‌گناه است. او هم نظیر هم قطارانش، بدون حضور وکیل مدافع تحت بازجویی قرار گرفته بود:



کیان نیز مانند دیگر هم‌قطارانش بدون حضور وکیل مدافع بازجویی شده بود

«زمانی که این اتفاق افتاد من نوجوانی ۱۷ ساله بودم؛ حتی یک مأمور پلیس را هم از نزدیک ندیده بودم به همین خاطر وقتی بازداشت شدم و گفتند علی اعتراف کرده یکی از ضربات را من زدم، از ترس حرفشان را تأیید کردم، نمی‌دانستم می‌شود با مأمور پلیس هم مخالفت کرد. از ترس واقعیت را نگفتم»

«در جلسه دادگاه توضیح دادم هر دو ضربه را علی وارد کرد و من نقشی نداشتم و از ترس اعتراف کردم اما وکیل اولیای دم گفت شاهدانی دارد که گفته‌هایشان

¹⁷ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8381/seyed-amin-sedaqatpur>

<https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8382/mehdi-sohrabifar>

¹⁸ <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2019/04/iran-two-17-year-old-boys-flogged-and-secretly-executed-in-abhorrent-violation-of-international-law/>

¹⁹ <http://khabajonoub.ir/24489>

²⁰ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8385/amir-ali-shadabi>

²¹ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8384/turaj-azizi>

²² <http://www.irna.ir/news/83414038>

می‌تواند ثابت کند ضارب من بوده‌ام. بعد هم دوستان کیوان را به جایگاه دعوت کردند آنها هم علیه من شهادت دادند و مدعی شدند دیده‌اند من ضربه مستقیمی به سینه کیوان زده‌ام».²³

صفا انگوتی

اگر چه صفا انگوتی خوش اقبال‌تر از بسیاری دیگر بود، با این حال هفت سال از عمر خود را در زندان رجایی‌شهر سپری کرد بدون این که بداند اعدام می‌شود یا نه، و کی. او خود را به مقامات معرفی کرده بود و به جرم قتل دوستش در یک نزاع در سال ۱۳۸۶، به اعدام محکوم شده بود. او به یک روزنامه‌نگار گفت که قضیه بر سر حمایت از دختری در محله‌اش بوده:

«بیشتر از این که دوستش داشته باشم، غیرتی بودم. کسی نگاه چپ به دخترهای محل می‌کرد، من خونم به جوش می‌آمد. هنوز ۱۸ سالم هم نشده بود، بچه بودم و غرور الکی داشتم. درگیر شدیم و او رفت رفیق‌هایش را جمع کند و بیاید، من هم رفتم خانه چاقو برداشتم و تا دیدمش، او را زدم کشتم. دو روز فرار کردم، نتوانستم، بالاخره خون، پاگیر است.»

صفا دو بار تا پای اعدام رفت تا این که یک سازمان خیریه اقدام به جمع‌آوری پول کرد تا دیه مقتول را به خانواده وی بپردازد. او نهایتاً خوش اقبال بود. صفا به خانمی که پس از آزادی‌اش با وی مصاحبه می‌کرد گفت:

«می‌بینی خانم، دفعه دوم که برنم برای اعدام، موهام پای چوبه دار ریخت....» بعد خندید: «کچل شدم، کچل» خانم روزنامه‌نگار می‌گوید: «قیافه‌اش به ۲۵ ساله‌ها نمی‌خورد. سر بی‌مو، جای زخم‌ها و بخیه‌ها بر روی صورتش حکایت از دوران زندان دارد.»²⁴

بر خلاف صفا، بسیاری دیگر، اکنون در صف اعدام به سر می‌برند و در خطر اند.

محمد رضا حدادی

محمد رضا حدادی که اکنون در صف اعدام است، قربانی نیروی انتظامی فاسد است. وی در سال ۱۳۸۳ به خاطر قتلی که در ۱۵ سالگی مرتکب شده بود، به اعدام محکوم شد. او بیش از نیمی از زندگی خود را در زندان گذرانده است.

محمد رضا در ابتدا به قتل راننده تاکسی اعتراف کرد اما در خلال محاکمه، اعتراف خود را پس گرفت و اظهار داشت که کارهای نبوده اما مسئولیت قتل را به گردن گرفته چون دو تن از دیگر متهمان پرونده که در مرحله بازجویی با وی هم‌سلولی بودند (چیزی عجیب و غیر معمول) به او وعده داده بودند اگر قتل را به گردن بگیرد، مبلغ



²³ <https://www.iranrights.org/fa/library/document/3041>

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3042>

²⁴ مصاحبه تابناک. ترجمه از بنیاد عبدالرحمن برومند.

قابل توجهی به خانواده‌اش که نیاز مالی داشتند، بپردازند. آنها مقاله‌ای در یک روزنامه به وی نشان دادند که آن طور که از آن بر می‌آمد، آیت‌الله شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه گفته بود که اطفال بزهدار دیگر اعدام نخواهند شد.

نیروی انتظامی انگیزه‌ای از سوی محمدرضا برای ارتکاب قتل پیدا نکرد. او جوان‌تر از آن بود که نیازی به تاکسی و یا دسته چک راننده تاکسی که دیگر متهمان پرونده ربوده بودند، داشته باشد. دو تن از دیگر متهمان پرونده که هر دو در زمان ارتکاب جرم بیش از ۱۸ سال سن داشتند، حکم زندان گرفتند. آنها متعاقباً ادعای محمدرضا مبنی بر بی‌گناهی‌اش را تصدیق کرده و اظهارات اولیه خود مبنی بر گناهکار بودن وی را پس گرفتند. نخست قرار بود اعدام محمدرضا در مهر ماه سال ۱۳۸۷ انجام گیرد که به دستور رئیس قوه قضاییه، به تعویق افتاد. ده سال بعد، وی هنوز در صف اعدام به سر می‌برد.²⁵

صالح شریعتی



قوانینی که صدور حکم اعدام برای اطفال بزهدار را بدون ادله کافی مجاز می‌دارند، به علاوه فساد فراگیر و نیز رعایت نکردن تشریفات و الزامات قانونی، زندگی صالح شریعتی را به جهنم تبدیل کرده است. صالح شریعتی که یک کارگر فصلی از خانواده‌ای بی‌بضاعت است، بر مینای قسامه به مرگ محکوم شده، یعنی بر مینای قسم خوردن پنجاه تن از اقوام ذکور شاکی که نه در صحنه جرم حضور داشتند و نه حتی در نزدیکی آن، اما قسم می‌خورند صالح گناهکار است. در سال ۱۳۹۱، هنگامی که صالح ۱۶ سال داشت و در مزرعه‌ای در بوشهر مشغول به کار بود، یکی از همکارانش هنگام شستشو به درون چاهی که حفاظ درستی نداشت سقوط کرد و جان خود را از دست داد. خانواده متوفی از صاحب مزرعه شکایت کردند اما شانزده ماه بعد، اتهام قتل به صالح وارد شد و بر خلاف قانون، پرونده از محل وقوع حادثه به حوزه قضایی شهرستان فسا واقع در استان فارس که محل سکونت پدر و مادر متوفی است، منتقل گردید.²⁶

در خلال تحقیقات اولیه، صالح بدون حضور وکیل تحت بازجویی و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. در نخستین جلسه بازجویی که در اداره آگاهی انجام گرفت، برگه اعترافی اخذ شد که به خط صالح نبود و فقط امضای او را داشت. هنگامی که بازپرس این اشتباه را مشاهده کرد، به جای این که دستور تحقیق در این باب صادر کند، با سوء استفاده از سن کم و فقدان رشد فکری صالح، از او خواست که اعتراف را به خط خودش بنویسد. مقامات قضایی در هیچ مقطعی نه صالح را از خود مبنی بر برخوردارگی از وکیل مدافع، آگاه ساختند و نه وکیل تسخیری برایش تعیین نمودند. خانواده صالح به سختی توانستند وکیلی برای وی استخدام کنند، اما آن وکیل هم تا بعد از صدور کیفرخواست، موفق نشد به پرونده دسترسی یابد. صالح سپس از زندان نامه‌ای به دادگاه نوشت و طی آن اعتراف اولیه خود را پس گرفت. تنها شهادتی که اقرار کرده بود صالح متوفی را به درون چاه هل داده نیز اعتراف خود را پس گرفت و گفت که تحت



²⁵ <https://www.iranrights.org/library/document/1033>

²⁶ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)؛ ماده ۳۱۰ آیین دادرسی کیفری.

شکنجه این اظهارات را بیان کرده است. شعبه 3 دادگاه کیفری استان فارس هیچگونه ادله متقنی برای محکوم کردن صالح نیافت اما برای این که او را به مرگ محکوم نماید، به آیین قسامه و قسم خوردن خویشاوندان شاکی متوسل و در بهمن ماه سال ۱۳۹۶ حکم اعدام صادر گردید. دیوان عالی کشور نیز در پاییز این حکم را تایید کرد.²⁷

قوانین ایران با مقرر نمودن پرداخت دیه به خانواده مقتول در قبال گذشت آنها از قصاص نفس فرد مجرم، بار مالی و روحی سنگین بر دوش اطفال بز هکار و خانواده‌هایشان می‌گذارد. برای نمونه، امید رستمی چهار بار تا پای چوبه دار رفت و نهایتاً در روز ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۹۷ اعدام شد.

امید رستمی (متولد ۲۰ تیر ۱۳۷۵ در تهران) تحصیلات دوره راهنمایی داشت و در کارگاهی به کار ساخت در و پنجره آلومینیومی مشغول بود. در روز ۲۲ تیر ۱۳۹۱ دو روز پس از تولد ۱۶ سالگی‌اش، در جریان یک نزاع، فرد دیگری را به قتل رساند. پزشکی قانونی تشخیص داد که امید با توجه به سابقه کیفری‌اش به رشد و کمال عقلی رسیده و دادگاه نیز بر همین مبنا حکم قصاص نفس برای وی صادر کرد. تلاش‌های خانواده امید برای گرفتن رضایت خانواده مقتول بی‌نتیجه ماند. آنها در وهله اول درخواست مبلغ ۵ میلیارد تومان وجه‌المصلحه کردند، و سپس ۳ و ۲ میلیارد تومان، که برای چنین پرونده‌ای مبالغ فوق‌العاده هنگفتی به حساب می‌آمد. با دخالت قاضی پرونده، این مبلغ نهایتاً به ۷۰۰ میلیون تومان کاهش یافت. در وهله آخر، مبلغ وجه‌المصلحه به ۵۰۰ میلیون تومان تقلیل یافته بود. خانواده امید توانستند با وجود نداشتن استطاعت مالی، ۶۶۰ میلیون تومان تهیه کنند اما خانواده مقتول رضایت ندادند.²⁸

این موارد استثنا نیستند. سال‌ها است صدها خانواده، قربانی آثار و عواقب قوانین و رویه‌های توجیه‌ناپذیری بوده‌اند که چهل سال است اطفال بز هکار را به دار می‌کشند؛ این خانواده‌ها زجر کشیده‌اند و هنوز زجر می‌کشند. علی‌رغم تغییرات ایجاد شده در قوانین و رویه‌ها در طول این سال‌ها، ایران کماکان در صدر کشورهایی است که کودکان بز هکار را اعدام می‌کند و استدلال مقامات این کشور در خصوص این اعدام‌ها مبنی بر این که قوانین ایران در فرهنگ و مذهب آن ریشه دارد، نه متقاعد کننده و قابل قبول است و نه ریشه در واقعیات موجود دارد.



²⁷ برای اطلاعات بیشتر درباره قسامه در قوانین ایران، نگاه کنید به خبرنامه بنیاد برومند در آدرس زیر:

<https://www.iranrights.org/fa/newsletter/issue/88>

²⁸ مصاحبه بنیاد برومند با مادر امید رستمی، آذر ماه ۱۳۹۷. سرگذشت امید رستمی در یادبود امید در آدرس زیر موجود است:

<https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8254/omid-rostami>

نظام عدالت کیفری کودکان در ایران قرن بیستم

کودکان در قوانین پیش از انقلاب

قوانین فعلی در خصوص مسئولیت کیفری کودکان، هیچ گونه مبنایی در آداب و سنن ایرانی نداشته و چندین دهه است که توجیهات نظام فعلی حاکم بر ایران در این باب، در داخل کشور محل مناقشه و اختلاف نظر است. اعدام مجرمان کودک در ایران مدرن، به انقلاب سال ۱۳۵۷ بر می‌گردد. قانون مجازات عمومی ایران مورخ سال ۱۳۰۴ خورشیدی،²⁹ هر فرد زیر ۱۸ سال سن را «طفل» توصیف کرده، تفاوتی بین دختر و پسر قائل نشده و اطفال زیر ۱۲ سال را فاقد هرگونه مسئولیت کیفری می‌دانست. مجازات‌هایی که برای اطفال در مواد جداگانه قانون مجازات (مواد ۳۴ و ۳۵) مقرر شده بود بسیار خفیف‌تر از مجازات‌های بزرگسالان و به تناسب با سن اطفال، متفاوت بوده است. این قانون، برای اطفال، مجازات اعدام پیش‌بینی نکرده بود و حداکثر مجازات برای افرادی که به ارتکاب جرم مشمول مجازات اعدام، گناهکار شناخته می‌شدند را به پنج سال حبس در دارالتأدیب محدود کرده بود. به موجب قانون اساسی، قانون مذکور به تأیید و امضای آیت‌الله سیدحسن مدرس نیز رسید، روحانی مورد احترام آیت‌الله خمینی،³⁰ رهبر جمهوری اسلامی و کسی که به شدت به جدایی دین از سیاست اعتقاد داشت.³¹ در تاریخ ۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۳، مجلس ماده واحده‌ای را به تصویب رساند که سن بلوغ را برای پسران و دختران در کلیه موارد، از جمله در معاملات و عقود و ایقاعات به استثنای ازدواج و طلاق، ۱۸ سال اعلام کرد. محاکم، ادارات دولتی، و دفاتر اسناد رسمی مکلف شدند تمامی افرادی که به سن ۱۸ سال نرسیده بودند را «غیر رشید» بشناسند مگر این که رشد آنها از قبل در دادگاه اثبات شده باشد.



تغییرات در قوانین طی سال‌های بعد، تاثیری بر سن قانونی رشد نگذاشت و دختران و پسران زیر ۱۸ سال، کماکان کودک محسوب می‌شدند. در آبان ماه سال ۱۳۳۸ مجلس ایران قانونی جهت تشکیل دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به جرائم ارتكابی اطفال قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال را در کلیه استان‌ها تصویب نمود.³² به منظور حفاظت از اطفال بز هکار، این قانون تضمین‌هایی بر مبنای وضعیت‌شان (در بازداشت به سر می‌بردند، در بازپروری بودند، یا در زندان) برای آنها ایجاد کرد

و اطفال بالای ۱۵ سال را از کوچک‌ترها جدا نمود. این قانون رهنمودهایی نیز درباره انتخاب قضات ارائه داد و آنها را ملزم کرد هر سه ماه یک بار به مراکز نگهداری اطفال بز هکار سرکشی کنند. ضمناً حبس اطفال را به حداکثر پنج سال محدود کرده و حداقل دو سال

²⁹ <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91023>

³⁰ آیت‌الله خمینی: «مدرس زنده است تا تاریخ زنده است.» ع. مدرسی، «مدرس، نایب‌های از جهان اسلام»، کیهان فرهنگی، آذر ۱۳۶۴. نقل قول در «خمینیسم، مقالاتی درباره جمهوری اسلامی» پرواند ابراهامیان، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، ۱۹۹۳.

³¹ Ervand Abrahamian in "Khomeinism, Essays on the Islamic Republic" University of California Press, 1993
مدرس از یک خانواده روحانی در شهر اردکان بود و در محضر روحانیون برجسته نجف تلمذ کرده بود و در اصفهان حقوق و الهیات تدریس می‌کرد. او از انقلاب مشروطیت طرفداری کرد و ریاست انجمن ولایتی اصفهان را عهده‌دار شد. در دولت ملی مقاومت که در خلال جنگ جهانی اول به منظور مخالفت با اشغال ایران از سوی قوای روس و انگلیس تشکیل شده بود، سمت وزیر عدلیه را بر عهده داشت. «خمینیسم، مقالاتی درباره جمهوری اسلامی» پرواند ابراهامیان، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، 1993.

³² Ervand Abrahamian in "Khomeinism, Essays on the Islamic Republic" University of California Press, 1993
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94806>

حبس در مراکز اصلاح و تربیت (بازپروری) مقرر کرد برای اطفالی که به اتهام ارتکاب جرائم مشمول مجازات اعدام یا حبس ابد، مجرم شناخته شده بودند.

در سال ۱۳۵۲، قانونگذاران ایران، قانون مجازات جدیدی³³ به تصویب رساندند که این قانون هم افراد زیر ۱۸ سال را طفل تلقی کرده و برای کودکان زیر ۱۲ سال سن، هیچ گونه مسئولیت کیفری قائل نشده بود. ماده ۳۳ مقرر می‌نمود که به جرائم اطفال، طبق قانون در دادگاه اطفال بزهدار³⁴ رسیدگی خواهد شد. همچون قانونگذاران سال ۱۳۰۴، قانونگذاران سال ۱۳۵۲ نیز مجازات اعدام را برای اطفال بزهدار مقرر نکرده و مدت حبس را نیز برای آنها محدود نگاه داشتند. با این حال، در مورد اطفال بین سنین ۱۵ تا ۱۸ که جرم مشمول مجازات اعدام مرتکب می‌شدند، قانون حداقل دو سال و حداکثر هشت سال حبس در نظر گرفت.

قوانین پس از انقلاب ۱۳۵۷

تحولات سال ۱۳۵۷ که منجر به سقوط نظام شاهنشاهی و ظهور جمهوری اسلامی گردید، تاثیر عمیقی بر دستگاه قضایی ایران بر جای نهاد. تغییرات شگرف در قوانین و نهادها باعث شد مجازات‌های شدید و سخت، تبعیض، و تنبیهات بدنی مقرر و آراء قضایی خودسرانه و شتابزده صادر شود. این دگرگونی‌ها برای اطفالی که وضعیتشان طبق قانون از طفل به بزرگسال تغییر یافته بود، پیامدهای اسفباری به همراه داشت.

قانون مجازات جمهوری اسلامی، افرادی که به موجب شرع اسلام به سن بلوغ رسیده‌اند را مشمول مجازات اعدام می‌نماید. سن مذکور طبق اصلاحیه‌ای که در سال ۱۳۶۱ در قانون مدنی (ماده ۱۲۱۰) ایجاد شد، از ۱۸ سال به ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران، کاهش یافت.³⁵



ماده ۱۲۱۰: هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱: سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.
تبصره ۲: اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

این تغییرات البته با مخالفت‌های زیادی مواجه شد. سال‌ها است که حقوقدانان، وکلا، و دیگران نسبت به تقلیل سن رشد از ۱۸ سالگی به آغاز بلوغ، اعتراض کرده و نگرانی‌های خود را در مورد پیامدهای تعیین مسئولیت [کیفری] برای دختران و پسران از یک سن بلوغ دلبخواهی، و نیز درباره ابهامات و تناقضات در قانون (از جمله در خود متن ماده ۱۲۱۰، که به نظر می‌رسد تبصره ۲ با مفاد متن در تناقض است)، ابراز نموده‌اند.

³³https://mashruteh.org/wiki/index.php?title=%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86_%D9%85%D8%AC%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%AA_%D8%B9%D9%85%D9%88%D9%85%D8%8C_%DB%B1%DB%B3%DB%B5%DB%B2

³⁴<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94806>

³⁵ مواد ذریبط قانون مجازات و قانون مدنی ذکر شود. ۹ سال قمری برابر است با هشت سال و نه ماه و پانزده سال قمری برای پسران برابر است با ۱۴ سال و هفت ماه [خورشیدی].

این ابهامات همچنین باعث سردرگمی قضات گردید چرا که با تفاسیر متناقض از قوانین و آراء صادره مواجه بودند. در نتیجه، در سال ۱۳۶۳، دیوان عالی کشور رای صادر نمود مبنی بر این که افرادی که طبق ماده ۱۲۱۰، به سن بلوغ می‌رسند می‌توانند درباره زندگی خود تصمیم‌گیری نمایند مگر در امور مالی که مستلزم قیم می‌باشند، مگر این که رشد فرد، ثابت شده باشد.³⁶

رای دیوان عالی به اعتراضات حقوقدانان و متخصصان خاتمه نداد: آنها کماکان استدلال می‌کنند که باید سن رشد را ترجیحاً سن ۱۸ سالگی تعیین نمود. آنها با اشاره به درک متفاوت، مبهم و غیرواقعیانه منابع فقهی از رشد و بلوغ اطفال استناد می‌نمایند و بر اهمیت معیاری روشن و مبتنی بر واقعیت و شواهد تاکید می‌ورزند.

اصلاح قوانین پس از انقلاب، که مورد اعتراض قرار گرفت

سن بلوغ فکری، موضوع مقاله‌های علمی و بحث‌های بسیاری بوده است که تصمیم خودسرانه قانونگذار را در تعیین سن بلوغ بر مبنای منابع اسلامی، قوانین بین‌المللی، و علم جرم‌شناسی، به پرسش می‌کشند.³⁷ ناصر کاتوزیان، استاد برجسته حقوق مدنی و یکی از حقوق‌دانان بنام ایران، مبنای منطقی قوانینی را به چالش می‌کشد که به دختر ۹ ساله اجازه می‌دهد در مورد مسیر زندگی‌اش، از جمله ازدواج یا ادامه تحصیل، تصمیمات تعیین کننده بگیرد، در حالی که او را از تصمیم‌گیری در باب مسائل مالی خود محروم می‌کند.³⁸



در سال‌های آغازین دهه ۲۰۰۰ میلادی (دهه ۱۳۸۰ شمسی)، با بازشدن نسبی فضای سیاسی، فعالان مدنی، مدافعان ایرانی حقوق بشر، و روزنامه نگارانی که با جرایم مستوجب اعدام آشنا بودند، با استفاده از آزادی نسبی بیان و فعالیت اعتراض خود را به قوانین و رویه‌های حاکم بر رفتار با کودکان بزهکار، ابراز داشتند. در سمیناری درباره مجازات اعدام برای کودکان بزهکار که از سوی کانون مدافعان حقوق بشر در تاریخ ۱۷ آذر ماه ۱۳۸۷ در تهران برگزار

³⁶ فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۲۱۳ الی ۲۳۰، خسرو عباسی داکانی، «اهلیت و حجر و سن رشد در قانون مدنی ایران پس از اصلاحات سال ۱۳۶۱ (قسمت سوم)» ماهنامه کانون، زمستان ۱۳۸۲.

<http://ensani.ir/fa/article/158639/1361>

³⁷ <https://www.isna.ir/news/8209-09265/>, December 2003;

https://jcl.ut.ac.ir/article_36313_f7cb0b0928101f789d2614b35ce7eab1.pdf, Fall-winter 2018/2014;

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1334380>, January 2007

³⁸ خسرو عباسی داکانی، اهلیت و حجر و سن رشد در قانون مدنی ایران پس از اصلاحات سال ۱۳۶۱ (قسمت سوم)، قانون، ۱۳۸۲.

<http://ensani.ir/fa/article/158639/1361>

شد، گروه متنوعی متشکل از کارشناسان به بحث‌های عمیقی در این زمینه دامن زدند، و با طرح دیدگاه‌های تاریخی، حقوقی، علوم انسانی، و دینی، ادله رسمی حاکم بر وضعیت حقوقی صغار را به پرسش کشیدند.

شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح که دیری است سرسختانه از حقوق کودکان دفاع می‌کند، عذر و بهانه مقامات ایران را در نادیده گرفتن تلاش مدافعان حقوق بشر برای جلوگیری از اعدام کودکان بزهکار رد کرد و گفت:

«علم می‌گوید مغز انسان و قوای تفکر در او تا قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال کامل نمی‌شود. در همه جای دنیا پذیرفته شده است و در کنوانسیون حقوق کودک هم آمده است که برای کسانی که کمتر از ۱۸ سال جرم مرتکب شده‌اند حکم اعدام صادر نشود... هر زمان به اعدام کودکان اعتراض کنیم، می‌گویید می‌خواهید از غرب الگوبرداری کنید...»

ما از شریعت مقدس اسلام سخن می‌گوییم، از هویت ایرانی حرف می‌زنیم... در ذیل قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ [که مجلس شورای ملی آن را تصویب کرد] امضای شهید مدرس است که مطابقت این قانون را با اسلام تایید کرده است... [در آن زمان] بالاترین و شدیدترین مجازات برای فردی که زیر ۱۸ سال داشته است، پنج سال حبس بوده است... ما از غرب الگوبرداری نمی‌کنیم. ما می‌گوییم از قانونی که مدرس تایید کرده پیروی کنید. ما را به قانون ۸۰ سال قبل برگردانید».³⁹

یکی از دیگر سخنرانان این سمینار، آسیه امینی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان بود که درباره پرونده‌های کودکان بزهکار محکوم به اعدام گزارشی ارائه کرد و به روند مخدوش دادرسی در پرونده‌های جزایی و غیرجزایی، اشاره نمود. وی همچنین فقدان کلی شفافیت و غیرقابل اعتماد بودن آمار کودکان محکوم به اعدام را خاطر نشان ساخت:

«به عنوان مثال عاطفه سهاله⁴⁰ در سال ۸۳، در شهرستان نکا اعدام شد. عاطفه با اینکه کتبا درخواست کرده بود که به علت مبتلا بودن به جنون ادواری و حتی بستری شدن در بیمارستانی در مشهد، تحت بررسی پزشکی قانونی قرار بگیرد، بدون اینکه گزارشی از پزشکی قانونی در پرونده او دیده شود، در مدت کوتاهی (دو ماه و ده روز!) پس از دستگیری اعدام شد. او شاکی خصوصی نداشت. قصاص و حق خصوصی در کار نبود. جرمش فحشا اعلام شد و اعتراض به زنا بعد از سه بار خوردن. در جواز دفن و در رسانه‌ها اعلام شد که سنش ۲۲ سال بوده است. در حالی که اینجانب در نخستین سفرم به نکا شناسنامه او را یافتیم که نشان از ۱۶ سالگی‌اش داشت. در پای اجرای حکم او نه وکیلی حضور داشت و نه به خانواده‌اش اطلاع داده شده بود. و همه آنچه بر این دختر رفت «چرا»ی بزرگی است که با بسته شدن پرونده شکایت پدرش از قاضی صادر کننده و اجرا کننده حکم، همچنان بی‌پاسخ مانده است.»

ملاحظات و مشاهدات امینی از روند دادرسی پرونده‌های اطفالی که در درون دستگاه قضایی گرفتار شده‌اند، نمایانگر نقض فاحش آیین دادرسی و رعایت الزامات قانونی و تشریفات دادرسی بود:

«[ما شاهد] نداشتن وکیل در مراحل تحقیق، جهل به قانون و نداشتن درک درست از معانی به دلیل کم بودن تجربه، تحت فشار قرار دادن افراد کم سن و سالی که به راحتی برای فرار از این فشار به هر اقراری تن می‌دهند، [هستیم]. به عنوان نمونه علی مهین‌ترابی نوجوان ۱۶ ساله‌ای که با حکم اعدام هفت سال است که در زندان، در فاصله مرگ و زندگی نفس می‌کشد. [حکم اعدام وی بر مبنای] اقرارهایی صادر شده که علیه خودش کرده است که حتی با واقعیت ثبت شده توسط پزشکی قانونی تطبیق ندارد.»

«در يك سال و نیم گذشته آمار زیادی از محکومان به اعدام در زندان‌های کشور منتشر شده است. آمار این افراد از ۷۰ تا ۱۵۰ در تغییر بوده است. اما مهم‌تر از این ارقام متفاوت این است که هیچ يك از این آمارها دقیق و روشن نیست و تا زمانی

³⁹ <http://www.humanrights-ir.org/detail/110>

⁴⁰ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-3134/atefeh-sahaleh-rajabi>

که درهای اطلاعات به روی محققان، روزنامه‌نگاران و حقوقدانان گشوده نشود نه می‌توان تحلیل دقیقی از وضعیت ارتکاب جرم تا مرحله مجازات ارائه کرد و نه مهمتر از همه می‌توان از تعداد این افراد برای کمک و دفاع از آنها مطلع شد.»

سخنرانی دیگر، صدیقه و سمدی، حقوقدان و دانش‌آموخته فقه، مبانی دینی اعدام کودکان بزهکار را زیر سوال برد. وی به فقدان اجماع در میان فقها در این باب اشاره کرد و استدلال نمود:

«چه کسی طفل است؟ و چه کسی از این دوران طفولیت بیرون آمده است؟ ... سن ۹ سال و

۱۵ سال از کجا آمده است که آقایان بر آن اصرار دارند. وقتی به منابع دست اول فقها

مراجعه می‌کنیم در روایات ما دو دسته روایت را می‌بینیم که در یک دسته به همین سن

اشاره شده که این دسته روایت بسیار مختلف است و سن واحدی برای آن تعریف نشده است.

[در] دسته دیگر [فقط] «علائم بلوغ» عنوان شده است... ما می‌بینیم که اشارات خیلی

صریحی به این مسئله شد که آیا تشخیص سن تکلیف و سن بلوغ یک موضوع شرعی است.

خود فقه می‌گوید نه، تشخیص سن تکلیف، یک موضوع عرفی و طبیعی است. آیا فقط بلوغ

جسمی کافی است برای آنکه فرد مکلف شناخته شود؟ باز هم به منابع فقهی مراجعه می‌کنیم،

می‌بینیم نه کافی نیست... وقتی یک فرد زیر ۱۸ سال نمی‌توان گواهی‌نامه بگیرد، نمی‌تواند حساب بانکی مستقل باز کند،

نمی‌تواند گذرنامه بگیرد، چگونه چنین شخصی می‌تواند مسوولیت جرائم خود را بر عهده بگیرد. آقایان در تشخیص سن رشد

مشکل دارند و تا وقتی چنین مشکلی باقی است اینگونه مجازات‌ها باید متوقف شود، چون خلاف شرع است.»



نسرین ستوده، وکیل حقوق بشر و برنده جایزه ساخاروف نیز سخنانی ایراد کرد. خانم ستوده که از چندین کودک در معرض اعدام دفاع کرده، خواستار آن شد که بر عوامل بازدارنده اجتماعی و عناصر پیشگیری از وقوع جرم، تاکید بیشتری شود.

وی به پرونده فردی اشاره کرد که ۱۸ سال از عمر خود را به دلیل جرمی که در ۱۳ سالگی مرتکب شده، سپری کرده

است. او پرسید:

«آیا صدور حکم اعدام آنچنان که مسوولان قضایی ابراز می‌کنند، می‌تواند منجر به جرم‌زدایی شود؟ آیا در جوامعی که این

حکم وجود ندارد بیشتر از ما مرتکب قتل می‌شوند؟»



محمد اولیایی فرد



نسرین ستوده

سخنرانان سمینار سال ۱۳۸۷ و بسیاری دیگر، سال‌های مدیدی است که

در پرونده‌های اعدام از موکلان خود دفاع می‌کنند و این پرونده‌ها را

مستند می‌نمایند اما علی‌رغم تلاش مداومی که علیه اعدام کودکان به

عمل می‌آورند، مقامات تصمیم‌گیرنده در ایران حاضر نشده‌اند با جامعه

مدنی، وارد تعامل شوند و گفتگویی مبتنی بر شواهد و دلایل داشته

باشند، و در عوض به سرکوب کسانی می‌پردازند که آشکارا قوانین و

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی را نقد می‌کنند.



شیرین عبادی



صدیقه و سمدی

محمد اولیایی فرد، وکیل دادگستری، به دلیل اظهار نظر در مورد

موکلش بهنود شجاعی⁴¹ که در سن ۱۷ سالگی به قتل متهم شده بود،

نخست یک سال در حبس به سر برد و سپس بالاجبار راهی تبعید شد.

⁴¹ نگاه کنید به ویدیوی بنیاد برومند تحت عنوان «بهنود شجاعی، یک قربانی قانون»

وکیل اولیایی فرد، نسرین ستوده نیز در همان سال بازداشت شد⁴² و به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، و «عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر»، به زندان افتاد.⁴³ شیرین عبادی و آسیه امینی نیز به علت فعالیت‌هایشان و صراحت کلام، به تبعید اجباری رفتند. سخنران دیگر، صدیقه وسمقی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به پنج سال حبس محکوم شد، به ظاهر به دلیل کار در زمینه فقه اسلامی؛ او در سال ۱۳۹۰ برای تدریس در بخش مطالعات اسلامی دانشگاهی در آلمان به این کشور سفر کرد و در بازگشت به ایران بازداشت شد.⁴⁴

چهل سال پس از انقلاب و ۱۱ سال پس از برگزاری سمینار کانون مدافعان حقوق بشر، قوانین ایران در ارتباط با کودکان بزهدار و سن بلوغ فکری، کماکان با مخالفت جدی کارشناسان و دانشگاهیان مواجه است.⁴⁵ نظرات این گروه، یعنی دانشگاهیان، نسبتاً بیش از دیگران توسط مقامات تحمل می‌شود.

در تاریخ ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۶، تعدادی از استادان برجسته حقوق، وکلا، و فعالان حقوق کودک، به همراه یک قاضی از دیوان عالی کشور، برای گردهمایی ماهیانه خود در محل انجمن حمایت از حقوق کودکان حضور به هم رساندند تا به بررسی حقوقی و جرم‌شناختی اعدام کودکان در ایران بپردازند.⁴⁶ حاضران در این جلسه، قوانین موجود را غیرانسانی و ناکافی خواندند، و از فقدان دانش کافی قضات در زمینه‌های مرتبط با کودکان بزهدار سخن گفتند و بر موظف بودن جمهوری اسلامی به رعایت تعهدات بین‌المللی کشور تاکید نمودند. منابع موجود در قوانین و در فقه که به دستگاه قضایی اختیار می‌دهد کودک بزهدار را به مرگ محکوم کند، نیز مورد انتقاد قرار گرفت.



رئیس هیئت مدیره انجمن اشاره کرد که علیرغم وجود اسناد و رهنمودهای بین‌المللی و نیز ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ (که اجرای مقررات قصاص و حد برای افراد زیر ۱۸ سال سن را منوط به درک آنها از حرمت جرم و احراز رشد و کمال عقلی در زمان وقوع جرم می‌کند) احکام اعدام در مورد کودکان بزهدار کماکان صادر و اجرا می‌شود.

دکتر مجتبی فرحبخش، استاد دانشگاه و وکیل دادگستری که تا کنون از چندین فرد زیر ۱۸ سال در پرونده‌های قتل به رایگان دفاع کرده، بر ماهیت استثنایی مجازات اعدام تاکید کرد و وضعیت مجازات اعدام در ایران را «اسفناک» توصیف نمود. او استدلال کرد سال‌ها مسبوق به سابقه بودن این مجازات منسوخ، که مؤثر بودن آن هیچ مبنای علمی ندارد، به هیچ وجه اعتباری به این کیفر نمی‌بخشد.

«حیات مقصد اعلای حقوق است. همه حقوق فردی خالق این حیات هستند. این درحالیست که منشور حقوق شهروندی دولت معتقد است شهروندان از حق حیات برخوردارند مگر به موجب قانون. باید از نویسنده پرسید مگر این جمله هم گفتن دارد؟ این توهین به حیات است چراکه قانون نمی‌تواند به راحتی سلب حیات کند. باید نوشت مگر در شرایط استثنایی و اضطراری و در جایی که سایر مجازات‌ها جواب نمی‌دهد.»

و سرگذشت وی در یادبود امید:

<https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-/7591/behnud-shojai>

⁴² https://www.hrw.org/news/2011/08/29/human-rights-issues-regarding-islamic-republic-iran#_ftn48

⁴³ چند پرونده دیگر هم علیه نسرین ستوده تشکیل شده؛ او در حال حاضر به جرم دفاع از زنان مخالف حجاب اجباری در زندان به سر می‌برد.

<https://www.bbc.com/news/world-middle-east-12149201>

⁴⁴ <https://zeitoons.com/52164>

⁴⁵ مصاحبه خبرگزاری مهر ۱۱ شهریور ۱۳۹۳.

<http://www.mehrnews.com/news/2362678/>

⁴⁶ <http://new.irsprc.org/p-603-من-کودکا-حقوق-از-حمایت-انجمن-خبرنامه/>

فرحبخش در ادامه اظهار داشت، وقتی در قوانین نوبت به کودکان بزهکار می‌رسد، تضادهای موجود و اجرای خودسرانه آن، مؤید آن است که باید بر نیاز ایران به پیروی از تعهدات بین‌المللی‌اش، تأکید بیشتری شود:

«اما مساله رشد و کمال عقل مساله مهمی است که نباید آن را با ارجاع به ماده ۱۲۰ تفسیر کرد. رشد و کمال عقل از نظر مقنن این است که کودک اندازه فرد بزرگسال قدرت تمیز داشته باشد و به این معنا نیست که کودک ناقص العقل باشد. یعنی باید دید کودک به اندازه یک فرد بزرگسال سرد و گرم روزگار را چشیده است یا نه... نباید از کودک پرسید فلان چیز حرام است یا نه؟ بلکه باید از کودک پرسید نگاهت درباره مرگ و زندگی چیست؟ ارزش انسانی به چیست؟ باید درباره ارزش‌های اخلاقی از او پرسید... [در بسیاری موارد] اغلب روانپزشکان می‌گویند فردی که مرتکب جرم شده مشکل عقلی ندارد [اما مسئله این نیست]... همین که شبه ایجاد شود که شاید فرد کمال عقل ندارد همین [برای احراز مفاد ماده ۹۱] کفایت کرده و نیاز به اثبات ندارد با این وجود در زمان قضاوت به اندازه کافی به این موضوع توجه نمی‌شود... بیشتر قتل‌های کودکان و نوجوانان هیجانی و دفعی هستند. به همین دلیل در کانون اصلاح و تربیت می‌بینیم که این کودکان رفتار بدی از خود بروز نمی‌دهند. بنابراین باید بر روی پیش‌فرض‌هایی که ما را به سمت اعدام کودکان هدایت می‌کنند تجدیدنظر کنیم»

دکتر فرحبخش در خاتمه گفت از نقطه نظر حقوق کودک و قوانین بین‌المللی، مجازات اعدام هیچ گونه اعتباری ندارد: «ما وقتی به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته‌ایم باید به تعهداتمان عمل کنیم. آنها بخشی از نظام حقوقی ماست و حق شرط [reservation] ایران از منظر حقوقی باطل است. ایران اگر می‌خواهد حق شرط [reservation] بگذارد باید دقیق مشخص کند که در چه موادی بر اساس موازین شرعی و قانونی داخلی رفتار خواهد کرد»

عمادالدین باقی، جامعه‌شناس، اسلام‌شناس، مدافع حق حیات، و زندانی عقیدتی سابق، درباره خسارات جانبی سانسور سخن گفت، از جمله در خصوص فقدان منابع علمی روز و درک ضعیف قضات از مفهوم «جنون‌آنی». باقی خاطر نشان ساخت که ایران در زمره کشورهای مسلمانانی است که به لحاظ اعدام کودکان در اقلیت مطلق‌اند. وی همچنین به تحقیقات خود در کتابی که در این باب به رشته تحریر در آورده و مجوز چاپ نگرفته بود نیز اشاره کرد:

«در این کتاب ۱۴ قاعده فقهی و حقوقی که بر ممنوعیت و حرمت اعدام کودکان زیر ۱۸ سال دلالت می‌کرد ذکر شده است. بر اساس تحقیقاتی که داشتم به طور کلی معتقدم تفکر سنتی ما در مورد اعدام به طور بنیادی نادرست است از طرفی مباحثی مثل «حجیت و عرف» هم به ما می‌گوید وقتی یک مساله‌ای در میان اغلب مسلمانان دنیا دیدگاه مشترکی دارد که قطعاً در بین آنها مومنین و مجتهدینی هم وجود دارند، این مساله حجیت دارد... در قرآن هم برای سن بلوغ هیچ عددی مشخص نشده است. در قرآن وقتی بحث از بلوغ می‌شود [حداقل بلوغ سنی مشخص نشده اما] برای حداکثر بلوغ از سن ۴۰ سال نام برده شده است»

دکتر محمد فرجی‌ها، جرم‌شناس و استاد دانشگاه، به مطالعاتی اشاره کرد که نشان می‌دهد «کشورهایی که بالاترین میزان مجازات‌ها و زندانیان را دارند ناامن‌ترین کشورها هستند». وی با اشاره به شیوه‌های قضایی مسئله‌دار، بر رویکرد «عدالت ترمیمی» در مواجهه با بزهکاری کودکان تأکید کرد:

«در حال حاضر در کشور ما دادگاه مربوط به جرایم اطفال وجود دارد، اما تفاوت محتوایی در نحوه اداره جلسه این دادگاه و همچنین درک روانشناسانه از کودک و فضایی که در آن به سر می‌برد، وجود ندارد. حتی بعضی از قضات، قضاوت در دادگاه اطفال را تحقیر کننده می‌دانند.»

فرجی‌ها در ادامه افزود، قصاص یا مجازات چشم در برابر چشم، باعث صدور احکام تبعیض‌آمیز می‌شود:

«اگرچه اطفال طبقه مرفه هم مرتکب جرم می‌شوند اما توانایی اجتماعی و اقتصادی خانواده، داشتن وکلای خوب و ذهنیت قاضی مبنی بر آنکه آنان در صورت آزادی، به دلیل نظارت خانواده دوباره مرتکب جرم نمی‌شوند، وضعیت آنان را متفاوت می‌کند. این در حالی است که بیشتر قضات فکر می‌کنند کودکان فقیر بعد از آزادی باز هم مرتکب جرم خواهند شد.»

فرجی‌ها گفت: «رشد عقلی شاخص و مرجع تشخیص معینی ندارد» و «قضاتی که در یک روند دادرسی شتابزده سعی می‌کنند نظرات خود را تحمیل کنند، فقط موانع دیگری بر سر راه نجات جان کودکان قرار می‌دهند».

وی افزود: «اگر نظامی با ضمانت اجرای مناسب داشتیم بخشی از مشکل حل می‌شد. برای مثال با درجه‌بندی قتل‌ها، می‌توانستیم قتل‌های عاطفی یا هیجانی را مشمول اعدام نکنیم. در این شرایط تفسیر ماده ۹۱ می‌تواند به ما کمک و بخشی از خلأها را جبران کند... بسیاری از این کودکان مجرم یا وکیل ندارند و یا وکلای تسخیری آنان علاقه کافی به پیگیری این پرونده‌ها را ندارند... عدالت ترمیمی، می‌خواهد خسارت‌های روحی و روانی بزه‌دیده را جبران کند... گاهی دیه‌های چند برابر تبدیل به یک بازار می‌شود. اما در فرآیند عدالت ترمیمی قرار است افراد با گفتگو به آرامش برسند... فرآیند ترمیمی زمان بر است و سیستم قضایی نباید طوری باشد که در انتهای ماه یک قاضی که اندیشه‌های ترمیمی دارد بازخواست شود که چرا موجودی پرونده‌ها با خروجی آن‌ها هماهنگ نیست».

از همه مهمتر اینکه شرکت‌کنندگان در جلسه سال ۱۳۹۶، مسئله اصلی بحث حقوق کودک در ایران را به روشنی مطرح کردند: اگر قانونگذاران و مقامات ایرانی واقعا می‌خواستند مجازات‌هایی مقرر کنند که هدف آن بازدارندگی و پیشگیری از وقوع جرم و برقراری عدالت بود، می‌توانستند هر وقت که مایل‌اند، از تحولات و پژوهش‌های حقوقی و علمی مکفی استفاده نمایند. واقعیت این است که اظهارات تنها عضو دستگاه قضایی حاضر در جلسه، یعنی رضا فرج‌اللهی، قاضی دیوان کشور (رئیس شعبه ۳۲ دیوان که به تعداد زیادی از پرونده‌های قتل منتسب به افراد زیر ۱۸ سال رسیدگی کرده) نمایانگر شکافی عمیق در دیدگاه‌ها و برنامه‌ها بود.

قاضی فرج‌اللهی نخست با بیان اینکه کشور های اروپایی و ایالات متحد آمریکا نیز همانند ایران، احکام اعدام و زندان صادر می‌کنند، بحث را از نظام عدالت کیفری اطفال در ایران، منحرف کرد. وی با استناد به کلیاتی درباره قوانین ایران، نظیر ماده ۹۱ در مورد حدود صلاحیت شورای نگهبان، چنین گفت:

«شرایط مسئولیت کیفری شامل بلوغ، اختیار و عقل است... ماده ۹۱ باید در ارتباط با ماده ۱۲۰ بررسی شود. اگر مرتکب حرمت عمل را ندارد یا ماهیت آن را تشخیص ندهد یا فاقد رشد و کمال عقلی باشد به تشخیص پزشک قانونی از حد یا قصاص معاف می‌شود... وقتی قاضی از نوجوان متهم به قتل می‌پرسد که شما می‌دانستید که این عمل قتل است و او پاسخ می‌دهد بله و مجازات آن را هم می‌داند دیگر چه شبهه‌ای می‌تواند در رای قاضی وجود داشته باشد که برخی، قضات را به بی‌دقتی متهم می‌کنند»

قاضی فرج‌اللهی به کاستی‌ها و معضلات موجود در نظام عدالت کیفری کشور اذعان داشت اما ارتکاب جرایم توسط نوجوانان را ناشی از عناصر بیرونی دانست و تاکید کرد که راه حل این نیست که مجازات اعدام در مورد کودکان حذف شود، بلکه باید تعلیمات و آموزش دینی را هرچه بیشتر تقویت کرد و به آنها ارائه داد.⁴⁷

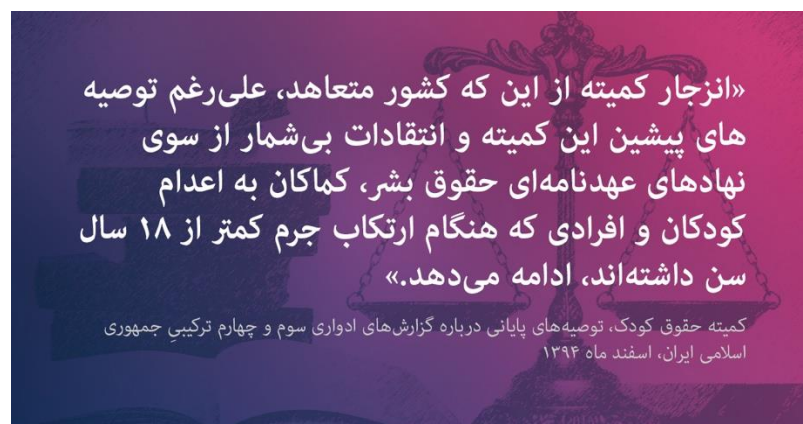
هزینه انسانی کوتاهی جمهوری اسلامی در سازگار نمودن قوانین جزایی کشور با اصول و قوانین بین‌المللی، بسیار سنگین بوده است و چهار دهه پس از دگرگونی اساسی نظام قضایی، دانشگاهیان، حقوق‌دانان و وکلا کماکان با قوانینی که کودکان

⁴⁷ «البته باید با اجتهاد پویا بسیاری از معضلاتی که بر سر راه عدالت کیفری ماست برداشته شود. برای اینکه ما از یک طرف با موازین فقهی و شرعی مواجهیم و از طرف دیگر با تحولات جرم‌شناختی که بیشتر واقعیات اجتماعی هستند. در حال حاضر کمتر جوانی در جامعه است که همراه خود چاقو حمل نکند. چرا که تاثیر فیلم‌های تلویزیونی و فیلم‌های پلیسی بر جوانان بسیار زیاد است. آموزش و پرورش هم یکی از مقصران است. در خانواده‌هایی که تربیت درست و مذهبی دارند میزان وقوع جرم کمتر است. میزان جرائم خشونت‌آمیز و جرائم خلاف اخلاق در آنهایی که پایبندی بیشتری به موازین اخلاقی، فرهنگی و مذهبی دارند کمتر است.»

را به سان بزرگسالان مجازات می‌کنند، مبارزه می‌نمایند. تلاش آنها با توجه به فشار جامعه جهانی بر جمهوری اسلامی ایران، باعث ایجاد تغییراتی شده است، اما این تغییرات کافی نیست و به نحو نامناسبی نیز اجرا می‌شود.

اصلاح قوانین و معضلات پایدار

سال‌ها تلاش در داخل و خارج ایران در جهت لغو مجازات اعدام در مورد کودکان، منجر به اصلاحاتی در آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات در موارد مربوط به کودکان شده است. قوانین اصلاحی، حمایت‌های بیشتری برای کودکان مقرر می‌دارند، اما تعهدات ایران به قوانین بین‌المللی را تضمین نمی‌کنند و محاکم همچنان برای افرادی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند، احکام اعدام صادر می‌کنند.



قانون مجازات اسلامی مورخ سال ۱۳۹۲، تعداد جرایم مشمول مجازات اعدام برای کودکان را با حذف اعدام تعزیری،⁴⁸ کاهش داده است. با این حال، به موجب این قانون، پسران ۱۵ سال به بالا و دختران ۹ سال به بالایی که به اتهام ارتکاب جرایم مشمول قصاص و یا حد (از جمله قتل و تجاوز

به عنف) مجرم شناخته شده‌اند، کماکان به اعدام یا سایر مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی همچون شلاق محکوم می‌شوند.

افزون بر این، قانون اصلاحی، به قضات اختیار داده کودکان بزهکار را از مجازات اعدام معاف کنند. به موجب ماده ۹۱ قانون مجازات، در جرایم مستوجب حد یا قصاص، هنگامی که کودک بزهکار ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکند و یا در «رشد و کمال عقل» وی شبهه وجود داشته باشد، قضات اختیار دارند مجازات‌های جایگزین تعیین نمایند. در دی‌ماه سال ۱۳۹۳، رای وحدت رویه‌ای صادر شد که محاکم را به استماع دادخواست‌های تجدید نظر در آرای که کودک بزهکار را پیش از تصویب قانون جدید به اعدام محکوم کرده بود، ملزم می‌کرد. اما شرط تقدیم دادخواست برای کودکانی که در انتظار اعدام به سر می‌برند بالاخص مشکل‌آفرین است چرا که ممکن است از حق تجدید نظر آگاه نباشند یا اینکه بضاعت مالی لازم را برای استخدام وکیل نداشته باشند.

ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۴، شعب اطفال و نوجوانان را در دادگاه‌های کیفری استان (که دادگاه کیفری یک نامیده می‌شوند) تاسیس کرد. این شعب در رسیدگی به جرایم مشمول اعدام که توسط کودکان و نوجوانان صورت

⁴⁸ طبق قانون مجازات اسلامی ایران، جرایم به چهار دسته تقسیم شده‌اند: حدود، قصاص، دیات، و تعزیرات. جرایم حدی جرایمی هستند که شرع برای آن مجازات‌های الزامی تعیین کرده، از جمله زنا، شرب خمر، و سرقت. جرایم مشمول قصاص که شامل قتل و ایراد جرح است، مشمول مقابله به مثل می‌شوند. جرایم تعزیری آن دسته از جرایمی‌اند که در شرع مجازات مشخصی برای آن در نظر گرفته نشده و قانونگذاران هر عصری اختیار دارند مجازات‌های مقتضی وضع کنند. دیات اشاره دارد به غرامتی که باید به قربانیان ضرب و جرح یا خانواده مقتول پرداخت شود.

⁴⁹ <https://www.iranrights.org/fa/library/document/3430>

می‌گیرد، از جمله در موارد قتل، محاربه و افساد فی الارض، صلاحیت دارند. به موجب ماده ۳۰۴، به سایر جرایم افراد کمتر از ۱۸ سال ارتکاب در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. تبصره ۲ ماده ۳۱۵ مقرر می‌دارد که حضور مشاور «که نظر وی مشورتی است» و دارای تخصص در زمینه‌هایی همچون روانشناسی، جرم شناسی، و مددکاری اجتماعی است، الزامی است.⁵⁰

علی‌رغم این موفقیت‌های ظاهری برای عدالت کیفری نوجوانان، از زمان اجرای قانون مجازات جدید، درخواست‌های اعاده دادرسی به گونه‌ای بی‌ضابطه از سوی قضات پذیرفته و یا رد شده‌اند. در پرونده ابوالفضل چزانی شراهی، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در آبان ماه ۱۳۹۴ درخواست اعاده دادرسی وی را رد کرد و نامبرده علی‌رغم ادعایش مبنی بر اینکه در زمان وقوع جرم از رشد عقلی برخوردار نبوده، در تاریخ ۶ تیر ۱۳۹۷ اعدام شد.⁵¹ افزون بر این، متهمان پرونده‌های قصاص همچنان قربانی تبعیض و محرومیت‌های گوناگون‌اند؛ برای نمونه، خانواده مقتول (اولیای دم) اختیار آن را دارند که خواهان قصاص باشند، گذشت کنند، یا اینکه دیه مطالبه کنند. در چنین شرایطی، متهمان عملاً از حق درخواست عفو، بخشودگی، یا تخفیف مجازات از سوی حکومت، محروم می‌شوند؛ حتی که طبق قوانین بین‌الملل الزام‌آور است.

حقوق کودکان بزه‌کار مبنی بر برخورداری از محاکمه منصفانه کماکان به روش‌های مختلف، نقض می‌شود. حق برخورداری از وکیل مدافع دلخواه خود و حق حضور وکیل، هر وکیلی [اعم از انتخابی یا تسخیری] در جلسات بازجویی، از این زمره‌اند. ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۴ به متهم اجازه می‌دهد «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، تقاضای حضور وکیل نماید». با این حال، تبصره این ماده، مفاد آن را از شمول افرادی که متهم به ارتکاب برخی جرایم شده‌اند، خارج می‌سازد. افزون بر این، درست مدت کوتاهی پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون در خرداد ماه سال ۱۳۹۴، اصلاحات واپس‌گرایانه‌ای در آن انجام شد و در نتیجه، ماده‌ای در نسخه اولیه حذف گردید. این ماده اشعار می‌داشت چنانچه حق متهم به برخورداری از وکیل نقض شود یا اینکه متهم از این حق مطلع نگردد، کلیه تحقیقات از درجه اعتبار ساقط است. به همین جهت و به علت فقدان تضمین‌های لازم، محاکم همچنان بر ادله‌ای که بدون حضور وکیل و در خلال تحقیقات اولیه جمع‌آوری شده، استناد می‌کنند. طبق گزارش‌ها، در بسیاری موارد، متهمان برای نخستین بار وکیل خود را در روز دادگاه ملاقات می‌کنند. عدم رعایت الزامات قانونی، با اعمال محدودیت و اذیت و آزار و سرکوب وکلایی که جسورانه از موکل خود دفاع می‌کنند، تشدید شده است.⁵²

دستگاه قضایی پس از انقلاب، نسبت به وکلا بدگمان است و توانایی آنان را در انجام وظایف خود به شدت محدود می‌کند. با تعطیل شدن کانون وکلا در سال ۱۳۵۹ و پاکسازی‌هایی که در سال‌های متعاقب آن صورت گرفت، حرفه وکالت به شدت تضعیف شد. کانون وکلا مجدداً در سال ۱۳۶۹ دایر گردید، و با اینکه تحت نظارت و کنترل رئیس قوه قضاییه بود، با این حال، هیئت مدیره آن تا سال ۱۳۷۶ تشکیل نشد.⁵³ علی‌رغم پیشرفت‌هایی چند، امروزه نقش اصلی وکلای مدافع – یعنی حفاظت از حقوق متهمان – نه در قانون و نه در عمل به رسمیت شناخته نشده است، و از ارزش و اقتدار وکلا، همچنان

⁵⁰ ماده ۴۱۰. «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است.» (ماده ۲۹۸). «در صورت مونت بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.» (تبصره ۲ ماده ۴۱۰).

⁵¹ <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-8261/abolfazl-chazani-sharahi>

⁵² برای نمونه نگاه کنید به مورد پیام درفشان که به دلیل صحبت با رسانه‌ها در باره پرونده موکلش به «تبلیغ علیه نظام» متهم شد: <https://www.iranrights.org/fa/library/document/3574>

همچنین نگاه کنید به مصاحبه با شیرین عبادی در باره بازداشتش:

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3598>

⁵³ سرکوب وکلایی که با نقض الزامات قانونی و تشریفات دادرسی مبارزه می‌کنند (از جمله با رسانه‌ای و عمومی‌کردن این نقض‌ها) عمل بازدارنده‌ای است برای بسیاری از وکلایی که از طریق دستگاه قضایی نمی‌توانند به عدالت برای موکلشان دست یابند.

<https://www.iranrights.org/fa/projects/timeline>

همچنین رجوع شود به

The Life of the Law in the Islamic Republic of Iran Reza Banakar & Keyvan Ziaee:
<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00210862.2018.1467266>

کاسته می‌شود. همگام با این رویه، حمایت از دفاع رایگان از موکلان [بی بضاعت یا کم بضاعت]، تقریباً وجود خارجی ندارد. این حمایت نکردن‌ها عواقب وخیمی برای کودکان بزهکاری داشته که با مجازات اعدام مواجهند و دفاع رایگان اغلب تنها راه نجات آنها است.

در نظام قضایی ایران، نهادی تحت عنوان «مدافع عمومی» (public defender) [دفتری متشکل از وکلایی که به هزینه دولت، به رایگان از متهمان دفاع کنند] وجود ندارد و مقرراتی که سابقاً وکیل در اختیار افراد بی‌بضاعت می‌گذاشت، عمدتاً منسوخ شده‌اند. در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۵، قانونی تصویب شد⁵⁴ که به موجب آن، صندوقی برای تامین بودجه مدافعان عمومی، مقرر می‌شد. ماده ۱۰ این قانون، دولت را موظف می‌کرد که در بودجه سالانه خود مبالغی را برای دفاع رایگان در نظر بگیرد و آن را به کانون وکلای دادگستری جهت پرداخت حق الوکاله وکلا منتقل نماید. پس از انقلاب ۱۳۵۷، این ماده کاملاً نادیده گرفته شد. بر اساس اظهارات عیسی امینی، رئیس کانون وکلا، با اینکه در اواسط دهه ۸۰، صندوقی عمومی برای وکلای رایگان در نظر گرفته شد، اما هنوز بودجه آن تامین نشده است.⁵⁵ در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۷ منتشر شد، دکتر علی نجفی توانا، رئیس سابق کانون وکلا اظهار داشت وکلا نه تنها در انجام وظایف خود با موانع متعدد روبرو بوده‌اند بلکه هرگز از هیچ نوع بودجه عمومی نیز برخوردار نشده‌اند. در ۱۲ سال اخیر، قوه قضاییه حتی مبلغ ناچیز و تعیین شده دویست هزار تومان برای هر پرونده را هم پرداخت نکرده است. این مبلغ، که برای وکلا رقمی برخوردارنده است، حتی مخرج ۱۰ تا ۲۰ بار رفت و آمد وکلا به دادگاه را نیز که به طور متوسط برای هر پرونده‌ای متحمل می‌شوند برآورده نمی‌سازد.⁵⁶

عدم تامین منابع مالی، علاوه بر احترام نگذاشتن مقامات به حق دفاع، متهمانی که با مجازات اعدام مواجه هستند را در وضعیت بسیار خطرناکی قرار می‌دهد. به گفته عبدالصمد خرمشاهی، وکیل پایه یک دادگستری، محدودیت‌هایی که برای حضور وکلا در مرحله تحقیقات ایجاد می‌شود، دور باطلی از مسامحه و اهمال در محاکم به وجود می‌آورد:

«متأسفانه آنچه در اغلب پرونده‌هایی که ... وکیل تسخیری تعیین می‌شود وکلایی هستند که فاقد تجربه هستند و به دلیل اینکه حق الوکاله آنچنانی به آنها داده نمی‌شود علاقه چندانی به دفاع از این گروه از موکلین ندارند. بنابراین صرفاً به صورت صوری و فرمایشی در دادگاه حضور می‌یابند. کما اینکه در پرونده‌های قتل می‌بینیم که وکیل تسخیری حتی یکبار هم پرونده را نخوانده است که قطعاً تبعاتی هم دارد. بر فرض مثال متهمی تحت فشار پلیس و دادگاه و یا بنا به دلایلی دیگر به قتل اعتراف می‌کند و از سویی دیگر چون وکیل تسخیری، پرونده را نخوانده است اشراف کامل پیدا نمی‌کند و نمی‌تواند بخوبی از وی دفاع کند، در نتیجه باعث می‌شود که یک بی‌گناه بالای چوبه دار برود. اغلب پرونده‌های تسخیری متأسفانه وکلایی هستند که انجام این پرونده‌ها را یک نوع تکلیف می‌دانند ... چون از سوی دادگاه تعیین شده‌اند ... هیچ راهی هم برای نپذیرفتن آن ندارند مگر اینکه تحت شرایط خاصی قرار داشته باشند. بنابراین فکر می‌کنم این ساختار باید تغییر کند. حق الوکاله‌ای برای وکلای تسخیری در نظر گرفته شود تا انگیزه‌ای در وکیل ایجاد کند که با اشراف و دانش و آگاهی بیشتری از موکلش دفاع کند.»⁵⁷

خرمشاهی اظهار داشت که به نظر وی، پرونده‌های اعدام باید به وکلایی داده شود که حداقل ده سال سابقه وکالت داشته باشند و به گونه‌ای مقتضی، حق الوکاله دریافت نمایند. متأسفانه هم وکلای باتجربه و هم وکلای کم‌تجربه سعی می‌کنند از زیر بار پرونده‌های جزایی شانه خالی کنند، چرا که باید موانع و مخرج زیادی را در کلانتری، دادسرا و دادگاه متحمل شوند.

⁵⁴ http://hamivakil.ir/DYN/12/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86_%D8%B5%D9%86%D8%AF%D9%88%D9%82

⁵⁵ مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا، ۱۳ مهر ماه ۱۳۹۷؛

<http://www.irma.ir/fa/News/83122225>

⁵⁶ حمیده گودرزی: «دفاع بدون انگیزه در پرونده‌های تسخیری»، ایران آنلاین، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۷؛

<http://www.ion.ir/news/449419/>

⁵⁷ همان.

وکلا دادگستری می‌گویند پرونده‌های جزایی «از لحاظ روحی، پرتنش و از لحاظ جسمانی پرزحمت و طاقت فرسا هستند» چرا که «مقاماتی که تحقیقات قبل از محاکمه را انجام می‌دهند، نگرشی منفی نسبت به وکلای مدافع دارند، و علی‌رغم اصلاحات اخیر در آیین دادرسی کیفری، همچنان حق متهم به برخورداری از وکیل را نادیده می‌گیرند.»⁵⁸

به موجب قانون، اتهام افراد بازداشت شده باید ظرف مدت ۲۴ ساعت از زمان دستگیری، به آنها اعلام شود و هنگام تفهیم اتهام، حضور یک وکیل الزامی است. با این حال، مقامات این الزامات را بدون هیچ‌واهمه‌ای از مجازات، به استهزا می‌گیرند. عطاالله رودگر به مدت بیست سال کار قضایی کرده که پنج سال از آن را بازپرس ویژه قتل بوده است. او می‌گوید:

«آیین دادرسی کیفری می‌گوید تحقیقات جرایمی که مجازات آنها سلب حیات یا حبس ابد است باید با حضور وکیل متهم صورت بگیرد. یعنی به محض اینکه فردی تحت نظر قرار می‌گیرد باید وکیلی برای او حاضر باشد و هیچ تفهیم اتهامی بدون حضور وکیل صورت نمی‌گیرد اما راهکار اجرایی برای این قانون پیش‌بینی نشده است. وکلا در دفاترشان هستند، ارتباط کانون وکلا با دادگستری هم سخت است. برای تعیین وکیل تسخیری باید مکاتباتی با کانون وکلا انجام شود که زمان بر است ... رویه قضایی ... حقوق جامعه و حقوق بزه دیده ... را به حقوق متهم ترجیح می‌دهد.»⁵⁹

افسران نیروی انتظامی‌ای که گزارشگران تحقیق ایسنا با آنها مصاحبه کرده بودند اذعان داشتند به اینکه در زمان تحقیق از فرد بازداشت شده، وکیلی در کار نیست. وکلا می‌توانند با دستور و اجازه قبلی در آگاهی حضور داشته باشند اما حق ندارند «مزاحم» روند تحقیقات بشوند. به گفته یک افسر پلیس که ترجیح داد هویتش فاش نشود:

«وکیل می‌تواند به متهم یاد بدهد که حرفی نزند یا طوری حرف بزند که روند تحقیقات را با مشکل رو به رو کند. پلیس نمی‌تواند اجازه دهد تحقیقات به این دلایل با مشکل رو به رو شود.»⁶⁰

گزارش ایسنا خاطر نشان می‌سازد که اکثر ماموران پلیس، بازپرس‌ها، و قضات، بر این عقیده‌اند که اعترافات باید قبل از جمع‌آوری ادله اخذ شود. و در اکثر موارد، اعتراف در مراحل اولیه بدون حضور وکیل مدافع و پیش از اینکه هیچ‌گونه مدرکی جمع‌آوری شده باشد، اخذ می‌گردد. ماموران پلیس گفتند مدت زمان بازداشت پیش از ملاقات با وکیل گاه می‌تواند تا یک ماه طول بکشد. برخی وکلا در این مورد به ایسنا گفته‌اند دعوت از وکیل تسخیری می‌تواند بین یک هفته تا ۱۰ روز بعد از بازداشت به طول بیانجامد. یک وکیل تسخیری به ایسنا گفت موکلش شش ماه است که در انفرادی به سر می‌برد و هنوز هم حق دسترسی به وکیل را ندارد.

در ایران برای تحقیق و رسیدگی به شکایت کودک و بزرگسالی که با خطر اعدام ناموجهی مواجه است، نهاد حقوق بشری مستقلی برای رسیدگی به شکایات وجود ندارد.

تناقضات موجود در قوانین

اگرچه اصلاحات انجام گرفته برخی تضمین‌های قانونی را در مورد کودکان بزه‌کار بیشتر کرده اما هنوز به هیچ‌عنوان تعهدات ایران به قوانین بین‌المللی حقوق بشر را برآورده نمی‌سازد. برای نمونه، قانون مجازات اسلامی، سن مسئولیت کیفری را ۱۵ سال برای پسران و ۹ سال برای دختران مقرر کرده، که در تضاد کامل با کنوانسیون حقوق کودک است و به

⁵⁸ Reza Banakar & Keyvan Ziaee: *The Life of the Law in the Islamic Republic of Iran* <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00210862.2018.1467266>

⁵⁹ «اگر به اتهام قتل بازداشت شوید و پول نداشته باشید»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۶، <https://www.isna.ir/news/96111106756>

⁶⁰ همان.

ایران اجازه می‌دهد افراد زیر ۱۸ سال را به اعدام محکوم نماید. افزون بر این، با اتخاذ دو شیوه کاملاً مجزای تعیین مجازات، یعنی جرایم تعزیری و جرایم مشمول حد و قصاص، قانون مجازات دچار تناقضاتی بس جدی است که نمی‌توان نادیده گرفت.



به موجب مواد ۸۸ و ۸۹ قانون سال ۱۳۹۲، کودکانی که به اتهام ارتکاب جرایم تعزیری مجرم شناخته می‌شوند، به سه گروه سنی مجزا تقسیم شده‌اند: از ۹ تا ۱۲ سال، از ۱۲ تا ۱۵ سال، و از ۱۵ تا ۱۸ سال. مجازات سپس با توجه به سن متهم و

اینکه در کدام گروه سنی است و نیز ماهیت جرم ارتكابی، طبق معیاری که در ماده ۹۱ مقرر گردیده، تعیین می‌شود. به موجب این مقررات، کودکان زیر ۱۲ سال را نمی‌توان به حبس محکوم کرد؛ حداکثر مجازاتی که برای کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال در نظر گرفته شده، یک سال در کانون اصلاح و تربیت است. کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن را که به اتهام ارتکاب برخی جرایم تعزیری مجرم شناخته شده‌اند می‌توان به حداکثر ۵ سال حبس در کانون اصلاح و تربیت محکوم کرد.⁶¹

قانون مجازات اسلامی با اعمال رویه‌ای که میزان مجازات را بسته به سن بزه‌کاران تعیین می‌کند، تلوخا عدم رشد و بلوغ فکری کودکان را می‌پذیرد و تایید می‌نماید. بدین ترتیب، هنگامی که همه متهمان جرایم مشمول حد و قصاص را به یک چوب می‌رانند، در واقع دچار تناقض می‌شود: هنگامی که دختران به ۹ سالگی و پسران به سن ۱۵ سالگی می‌رسند، مسئولیت کیفری آنان همانند بزرگسالان محاسبه می‌شود و آنها را در معرض مجازات‌های شدید از جمله اعدام قرار می‌دهد. همان گونه که در بالا گفته شد، ماده ۹۱ قانون مجازات به قضات این اختیار را می‌دهد در صورتی که تشخیص دهند کودک بزه‌کار در زمان ارتکاب جرم، فاقد «رشد و کمال عقلی» بوده، مجازات جایگزین تعیین نمایند.

با این حال، مقامات ایران هنوز نتوانسته‌اند در مورد این تناقض ذاتی توضیح دهند: چگونه است که در جرایم مشمول حد و قصاص، فرض را بر این می‌گذارند که کودک به سن رشد عقلی کامل رسیده ولی در مورد جرایم تعزیری عکس آن را مفروض می‌دارند.

تناقضات ذاتی دیگر در رویکرد ایران نسبت به «رشد و کمال عقلی» قانونی را می‌توان در اصلاحات سال ۱۳۹۶ قانون مبارزه با مواد مخدر یافت. این قانون، مجرماتی را که «از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشند» به اعدام محکوم می‌کند.⁶² فقهای جمهوری اسلامی که مسئولیت بررسی قوانین [و انطباق آن با شرع اسلام] را بر عهده دارند، با تصویب این اصلاحیه، رویه جدید و مهمی را در پیش گرفته‌اند: با جای دادن صغار و «مجانین» در یک گروه، آنها آسیب‌پذیری و مسئولیت اخلاقی تقلیل یافته افراد زیر ۱۸ سال را پذیرفته و تایید کرده‌اند. افزون بر این، برای هر فردی که در ارتکاب جرمی مرتبط با مواد مخدر از این آسیب‌پذیری سوءاستفاده نماید، مجازات اعدام تعیین کرده‌اند – که این خود ناقض حقوق بین‌الملل است – حتی اگر جرم مذکور، خود مشمول مجازات اعدام نباشد.

قوانین ایران در خصوص ازدواج هم تناقضات خود را دارد و همچون قوانین قصاص و حدود، با قوانین بین‌المللی حقوق بشر در تضاد است. این قوانین اجازه می‌دهند که دختر ۱۳ ساله (در کل) و حتی دختری ۹ ساله (با مجوز دادگاه) ازدواج

⁶¹ <https://www.iranrights.org/fa/library/document/3430>

⁶² متن کامل لایحه توسط بنیاد عبدالرحمن برومند به انگلیسی برگردانده شده است:

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3262>

کند، اما از گرفتن مهریه دختران متاهل زیر ۱۸ سال، بدون مجوز دادگاه یا ولی خود، ممانعت به عمل می‌آورد. این محدودیت نیز فرض را بر این می‌گذارد که افراد کمتر از ۱۸ سال، در تصمیم‌گیری در موضوعات مالی ناتوان اند مگر اینکه رشد عقلی آنها در دادگاه به اثبات برسد. همین رویه در قانون مدنی هم جاری است: طبق این قانون، افراد زیر ۱۸ سال، از داشتن حساب بانکی مستقل و برداشت از آن، عقد قرارداد، انجام تراکنش مالی، یا طرح دعوی در موضوعات مالی بدون اذن ولی یا رای دادگاه مبنی بر اثبات رشد آنها، منع شده‌اند.

مقامات ایران در گزارش سال ۱۳۹۲ خود به کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، به طیف گسترده‌ای از مقررات در قوانین مختلف اشاره کرده‌اند که در آن، «کودک به عنوان فرد زیر ۱۸ سال سن، تعریف شده است. این قوانین، قانون کار مورخ سال ۱۳۶۹ که سن اشتغال به مشاغل خطرناک را ۱۸ سال قید کرده، قانون استخدام کشوری مورخ سال ۱۳۴۵ که سن واجد شرایط استخدام رسمی در دولت را ۱۸ سال ذکر کرده، قانون گذرنامه مورخ سال ۱۳۵۲ و اصلاحات بعدی که اشعار می‌دارد افراد با داشتن ۱۸ سال سن می‌توانند درخواست گذرنامه کنند، و آیین نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی مورخ ۱۳۸۴ که کودک خیابانی را به عنوان «فردی کمتر از ۱۸ سال تمام که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد» شامل می‌شود.⁶³ قوانین دیگری که ۱۸ سال سن را به عنوان سنی که افراد برخی حقوق و مسئولیت‌ها را کسب می‌کنند، شامل قانون صدور گواهینامه رانندگی می‌شود که اشعار می‌دارد افراد زیر ۱۸ سال سن نمی‌توانند گواهینامه رانندگی درخواست کنند»⁶⁴

اگرچه در خلال ده سال گذشته، مقامات ایران گام‌هایی به سوی جانداختن رعایت حقوق متهمان برداشته‌اند، هنوز کاستی‌های بسیاری در متن قوانین و در اجرای آن، به چشم می‌خورد. تلاش‌های داخلی و خارجی برای انعکاس دادن پرونده‌های خاص و ارائه استدلال‌های مختلف علیه اعدام کودکان، تا به اینجا منجر به کسب اطلاعات زیادی در این باب شده اما هنوز از این اطلاعات، در مذاکره و تعامل با مقامات ایرانی در خصوص حقوق بشر به شیوه‌ای بهینه، بهره‌برداری نشده است.

پاسخ جمهوری اسلامی ایران به منتقدان

چندین دهه است که جامعه بین‌المللی، از جمله نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، در خصوص معضلات عدیده قانونی در زمینه حقوق کودک، اطلاع‌رسانی می‌کنند و بر تعهدات جمهوری اسلامی ایران نسبت به قوانین بین‌المللی تاکید می‌ورزند. سن پایینی که برای «رشد عقلی» تعیین شده، فقدان رعایت الزامات قانونی و تشریفات دادرسی، و استفاده مشکل آفرین از مجازات اعدام، از جمله نگرانی‌هایی است که با مقامات ایرانی در میان گذاشته می‌شود. پاسخ ایران، اگر اساساً پاسخی داده باشند، کلی‌گویی‌هایی درباره ویژگی‌های فرهنگی و دینی بی‌منتطق است و طفره رفتن از ارائه جزئیات و آمار.

اعدام کودکان و نوجوانان، نقض معاهدات بین‌المللی حقوق بشر است که ایران به آنها پیوسته. به موجب قانون مدنی ایران،⁶⁵ عهدنامه‌های بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مجلس ایران بدون اعمال حق شرط در

⁶³ کمیته حقوق کودک، بررسی گزارش کشور های متعا هد، ارائه شده به موجب ماده ۴۴ کنوانسیون، گزارش‌های ادواری سوم و چهارم کشور های متعا هد با ضرب‌الاجل سال ۱۳۹۲. جمهوری اسلامی ایران، CRC/C/IRN/3-4, Para. 11

https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC%2fC%2fIRN%2f3-4&Lang=en

⁶⁴ <http://www.hvm.ir/lawdetailnews.aspx?id=47462>

⁶⁵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۰۷، ماده ۹

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97937> .

تاریخ ۳ تیر ماه ۱۳۵۴ تفهیز کرده، و کنوانسیون حقوق کودک، که مجلس در تاریخ ۱ اسفند ماه ۱۳۷۲ با یک شرط (تحفظ) تفهیز نموده، باید به مثابه قانون، در محاکم کشور، قابل اجرا باشند.

در قید و شرط مبهم جمهوری اسلامی برای الحاق به کنوانسیون حقوق کودک چنین آمده است: «... جمهوری اسلامی ایران به شرطی به کنوانسیون ملحق می‌شود که هر زمان و به هر علتی، چنانچه مفاد آن با قوانین مدنی یا با معیارهای اسلامی در تضاد باشد، جمهوری اسلامی ایران ملزم به پیروی از آن نباشد.»⁶⁶

این شرط برای کمیته حقوق کودک سازمان ملل قابل قبول نیست: «تفسیر محدود متون اسلامی توسط مقامات کشوری، مانع از آن می‌شود که [ملت ایران] از بسیاری از حقوق بشری که کنوانسیون ضامن آن‌هاست، بهره‌مند شوند.» کمیته قید و شرط گذاشتن جمهوری اسلامی ایران را «با هدف و موضوع کنوانسیون» ناسازگار می‌داند.⁶⁷ افزون بر این، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که بدون هیچ‌گونه قید و شرطی تفهیز شده، باید در محاکم کشور قابل اجرا باشد. هر دوی این معاهدات، حقوق کودکان، یعنی افراد زیر ۱۸ سال، و حقوق بشری آنان از جمله حق حیات را تضمین می‌کنند.

از دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی به این سو، گروه‌های حقوق بشری بین‌المللی و جامعه مدنی ایران، درباره سوءاستفاده از مجازات اعدام و نقض الزامات قانونی و تشریفات دادرسی در جمهوری اسلامی ایران، اطلاع‌رسانی کرده‌اند.⁶⁸ شکوفا شدن جامعه مدنی در داخل و خارج کشور، همراه با پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات ظرف دو دهه اخیر، باعث شده موارد اعدام به شکل روشمندتری مستند شود. اطلاع‌رسانی گسترده، موجه جلوه دادن اعدام کودکان و نوجوانان را در نزد مراجع بین‌المللی برای جمهوری اسلامی بیش از پیش دشوار ساخته است.

مقامات ایرانی علاقه چندانی به تعامل با نهادهای بین‌المللی حقوق بشر ندارند و به طور کلی از ورود این نهادها به داخل کشور جلوگیری کرده‌اند. با این حال، با دولت‌ها و نهادهای چند-ملیتی وارد مباحثات محدود در زمینه حقوق بشر می‌شوند. این نهادها شامل نهادهای سازمان ملل با ماموریت‌های ویژه‌اند که بارها و بارها نیاز به شفافیت و همچنین تعهدات ایران را به قوانین بین‌المللی یادآوری کرده‌اند.⁶⁹ در طول سالیان، مقامات ایران در تعاملات خود با نهادهای سازمان ملل، پاسخ‌های

⁶⁶ حسین رئیس، مشاور حقوقی مرکز اسناد حقوق بشر ایران، فوریه سال ۲۰۱۵، دسترسی اطفال به عدالت: جمهوری اسلامی ایران.

https://archive.crin.org/sites/default/files/iran_access_to_justice_sept2015.pdf

https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-11&chapter=4&lang=en

⁶⁷ ملاحظات پایانی کمیته حقوق کودک، ۷ تیر ماه ۱۳۷۹: «کمیته خاطر نشان می‌سازد اطلاعات ارائه شده توسط کشور متعاقد موید آن است که یک کارگروه دولتی به منظور بررسی انطباق‌پذیری قوانین موجود با مفاد کنوانسیون تشکیل شده است. با این حال کمیته نگرانی خود را از موسع و غیردقیق بودن ماهیت حق شرط کلی کشور متعاقد ابراز می‌دارد چرا که این حق شرط قابلیت آن را دارد که با بسیاری از مفاد کنوانسیون در تضاد باشد و نگرانی‌هایی در خصوص انطباق آن با هدف و منظور کنوانسیون نیز وجود دارد.» CRC/C/15/Add.123
^۴ برای دیدن مجموعه‌ای از انتشارات سازمان عفو بین‌الملل، رجوع شود به:

<https://www.iranrights.org/fa/library/collection/103/amnesty-international>

در گزارشی مورخ سال ۲۰۰۵ میلادی، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر نگرانی خود را از توسل به اعدام به عنوان مجازاتی برای کودکان ابراز داشت: «همه ساله کودکان در ایران اعدام می‌شوند: در سال ۲۰۰۴، ۲۵ فرد زیر ۱۸ سال سن (صغیر) به اعدام محکوم و دست کم دو تن از آنان اعدام شدند...»

⁶⁹ «باید به خاطر داشت که به موجب بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران به طور کامل به آن متعهد است، صغار زیر ۱۸ سال، صرف نظر از وخامت جرمی که مرتکب شده‌اند، از مجازات اعدام معاف‌اند.»

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/226/report-on-the-situation-of-human-rights-in-iran>

«اگرچه محدودیت‌های شدیدی متوجه گزارش‌دهی رسانه‌های ایرانی درباره اعدام‌ها بوده، اطلاعاتی در مورد اعدام ۳۹ نفر در بازه زمانی ۱۱ دی ماه ۱۳۷۲ تا ۲۳ تیر ماه ۱۳۷۳ به دست آمده است. این رقم کمتر از سال‌های گذشته است اما با توجه به سیاست سکوت در این باره [توسط جمهوری اسلامی] که در گزارش‌های قبل بدان اشاره شد، این کاهش را نمی‌توان این گونه تفسیر کرد که تعداد اعدام‌ها به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته. برای حصول اطمینان از واقعی بودن کاهش آمار اعدام، دسترسی آزادانه و باز و در محل به اطلاعات ضروری است. مادامی که مطبوعات نتوانند مجدداً به انتشار اطلاعات در باره تمامی اعدام‌ها بپردازند، ارزیابی صحیح آمار جمع‌آوری شده و یا سنجش صحت و سقم اینکه کاهش واقعی بوده، غیرممکن خواهد بود. تعدادی از موارد قابل توجه را در زیر ببینید.»

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/378/1994-un-commission-on-human-rightsreport-on-the-situation-of-human-rights-in-iran>

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/338/law-and-humanrights-in-the-islamic-republic-of-iran>

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/104/iran-breifing-1987>

متنوعی ارائه کرده‌اند: از سکوت کامل گرفته تا پاسخ‌های انحرافی و دلایل مذهبی، تا دشنام و یا وعده‌های انجام تغییرات در آینده. اما در عدم ارائه آمار و منع ورود نمایندگان این نهادها به داخل کشور، همواره ثابت‌قدم و استوار بوده‌اند.

گزارشگر اسبق ویژه سازمان ملل، رینالدو گالیندو پل در گزارش خود تحت عنوان «گزارش درباره حقوق بشر در ایران» مورخ ۲۶ دی ماه ۱۳۷۳، به دو نوجوان که در سال پیش از آن به اعدام محکوم شده بودند اشاره کرد. توضیحات بعدی گالیندو پل مؤید ناکافی بودن پاسخ ایران به پرسش‌های اوست:

«در خصوص فهرست ۷۸ نفره‌ای از زندانیان که در گزارش موقت نماینده ویژه به مجمع عمومی ارائه شد (4, 1A/49/5, para. 79) دولت ایران [تنها] درباره دو تن از این زندانیان، محمدباقر برزویی و منوچهر کریمزاده، اطلاعاتی ارائه کرده مبنی بر اینکه مورد عفو قرار گرفته و آزاد شده‌اند. (4, para. 79 1A/49/5)»

گزارشگر ویژه بعدی، موریس کوپیتورن، در گزارش موقت خود درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۱-۱۳۸۰، همچنین از فقدان آمار رسمی گلایه کرد. با اینکه مقامات ایرانی موافقت کرده بودند آمار رسمی درباره تعداد اعدام‌ها را به وی ارائه دهند، به گفته وی «هنوز هیچ‌گونه آماری به دست نماینده ویژه نرسیده است.»⁷⁰

با گذشت چند دهه، هنوز هم اطلاعات کلیدی درباره دستگاه قضایی ایران در دسترس نیست و موضع این کشور در مورد رعایت مفاد کنوانسیون حقوق کودک کماکان کلی و مبهم است. گزارش سال ۹۴-۱۳۹۳ فیلیپ آلستون، گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه، مشاهدات و ملاحظات همکارانش را انعکاس می‌دهد. او می‌گوید وقتی نوبت به کودکان بزهکار و مجازات اعدام می‌رسد، مقامات ایرانی تمایلی به پاسخگویی ندارند.

«افزون بر این، ما احتراماً خواستار فهرستی کامل و جامع و با قید جزئیات از افرادی هستیم که به دلیل ارتکاب جرم قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی به اعدام محکوم شده‌اند، حتی اگر این احکام هنوز به تایید دیوان عالی کشور نرسیده باشد. این درخواست‌ها قبلاً هم در مکاتبات گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه با آن دولت، مورخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۳ و ۱ اردیبهشت ۱۳۸۳، در مورد وضعیت حداقل ۳۰ زندانی زیر ۱۸ سال که علی‌الظاهر به اعدام محکوم شده و در مراکز نگهداری کودکان و نوجوانان در تهران و رجایی‌شهر به سر می‌بردند، قید شده بود. جای تاسف است که هنوز پاسخی به این درخواست‌ها دریافت نشده است.»⁷¹

فیلیپ آلستون پاسخ‌های محدود ایران را «همکارانه اما ناقص» خواند و گفت که مستقیماً به موضوع (یعنی محکوم کردن افراد به اعدام به دلیل ارتکاب جرم قبل از رسیدن به ۱۸ سال سن) نمی‌پردازند.

گزارشگر ویژه، رینالدو گالیندو پل، در گزارش خود درباره وضعیت حقوق بشر در ایران مورخ ۲۶ دی ماه ۱۳۷۳ به گزارش‌ها در مورد دو فرد زیر ۱۸ سال که در سال قبل مشمول مجازات اعدام شده بودند، استناد کرد. گالیندو پل در توصیه‌های پایانی خود تاکید کرد: «باید به خاطر داشت که به موجب بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران ملزم به رعایت آن است، صغار زیر ۱۸ سال، صرف نظر از جدی بودن جرمی که مرتکب شده‌اند، از مجازات اعدام معاف‌اند.»

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/296/report-on-the-situation-of-human-rights-in-the-islamic-republic-of-iran>

همچنین نگاه کنید به گزارش گزارشگر ویژه درباره اعدام کودکان بزهکار مورخ سال ۱۹۹۳ میلادی:

<https://www.hrw.org/report/2008/09/10/last-holdouts/ending-juvenile-death-penalty-iran-saudi-arabia-sudan-pakistan-and#>; <https://www.iranrights.org/library/document/2631>

⁷⁰ <https://www.iranrights.org/fa/library/document/393/1999-un-commission-on-human-rights-report-on-the-situation-of-human-rights-in-iran>

⁷¹ گزارش فیلیپ آلستون، گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی، شتابزده، یا خودسرانه، ۷ فروردین ماه ۱۳۸۵. خلاصه مواردی که به دولت‌ها مخابره شده و پاسخ‌های دریافتی.

https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_422.pdf

تعامل نماینده‌های جمهوری اسلامی ایران با کمیته کنوانسیون حقوق کودک (متشکل از کارشناسان حقوق بشر که از سراسر جهان به منظور بررسی پیروی یک کشور از مفاد کنوانسیون گردهم می‌آیند) نیز استیصال مشابهی در این کمیته ایجاد کرده است. مباحثی همچون حداقل سن رشد و نظام عدالت کیفری کودکان، موضوعاتی است که به کرات در تعاملات کمیته با فرستادگان ایران مطرح می‌شود. متعاقب جلساتی که با نمایندگان ایرانی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۹ برگزار شد، کمیته ملاحظات نهایی خود را در تاریخ ۷ تیر ماه همان سال منتشر ساخت.⁷² اگرچه کمیته دستاوردهای ایران را تحسین کرد - از جمله دسترسی فزاینده کودکان به آموزش، و پذیرش تعداد قابل ملاحظه‌ای پناهنده از جمله کودکان - اما همچنین خواستار آن بود که ایران در قبال گزارش‌دهی رسمی نیز پاسخگو باشد؛ کمیته گفت این گزارش‌دهی، فاقد «ارزیابی خودانتقادی از اعمال حقوق کودک در کشور» است و کودک را به عنوان «شخصی بهره‌مند از حقوق بشر»، در نظر نمی‌گیرد. کمیته همچنین تاکید کرد «خلاءهای قابل توجهی در اطلاعات مربوط به اقدامات کلی در زمینه‌های اجرا، اصول کلی، بالاخص عدم تبعیض و منافع اعلای کودک، حقوق مدنی، و آزادی‌ها و اقدامات حمایتی ویژه، وجود دارد.» کمیته ارزیابی خود را با این توصیه ادامه داد که «کشور متعهد در قوانین خود بازنگری کند به گونه‌ای که تعریف کودک و الزامات حداقل سن، با اصول و مقررات کنوانسیون منطبق شود، به ویژه با این دید که تبعیض جنسی قائل نشود و اجرای این اصول تضمین گردد.»

کمیته با بیان اینکه از اعدام کودکان بزهکار «به شدت برآشفته» است، خاطر نشان ساخت این مجازات با مفاد کنوانسیون در تعارض بوده و از کشور متعهد خواست «جهت توقف و الغای قانونی مجازات اعدام در موارد ارتکاب جرم توسط افراد زیر ۱۸ سال، اقدامات فوری به عمل آورد.»

در دی ماه سال ۱۳۸۳، کمیته مجدداً توصیه کرد که جمهوری اسلامی ایران «اقدامات لازم را جهت تعلیق فوری کلیه احکام اعدام در موارد ارتکاب جرم توسط افراد زیر ۱۸ سال به عمل آورد ... و به موجب ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، مجازات اعدام را [کلاً] به عنوان یک مجازات در مورد افرادی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند، ملغی نماید.»⁷³

کمیته در ملاحظات پایانی خود که در فروردین ماه سال ۱۳۸۴ منتشر شد خاطر نشان ساخت که ایران هنوز گزارشی درباره اینکه چه اقداماتی در پاسخ به ملاحظات پایانی مورخ سال ۱۳۷۹ آن کمیته به عمل آورده، ارائه نداده است.⁷⁴

در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران از طریق ستاد عالی حقوق بشر قوه قضاییه، در دفاع از سابقه حقوق بشری خود تهاجمی‌تر و در حمله به منتقدان، فعال‌تر بوده است. با این حال، هنوز آماري ارائه نمی‌شود، هنوز به ناظران بی‌طرف اجازه ورود به کشور داده نمی‌شود، و هیچ‌گونه توضیح قانع کننده‌ای هم از مقامات درباره امتناع آنان از پیروی از تعهدات بین‌المللی ایران در خصوص حق حیات، ارائه نمی‌گردد.

در روز ۲۵ آبان ماه ۱۳۹۰، دبیر کل ستاد حقوق بشر قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران که به تازگی به این مقام منتصب شده بود، به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، که در آن اعدام بدون رعایت الزامات قانونی و تشریفات دادرسی تقبیح شده بود، و اکنش نشان داد. محمدجواد لاریجانی اظهار داشت مجازات اعدام در بسیاری از کشورهای جهان به اجرا گذاشته می‌شود، بالاخص در ایالات متحد آمریکا، و اضافه کرد ایران این مجازات را

⁷²https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC%2FC%2F15%2FAdd.123&Lang=en ; <https://www.refworld.org/docid/3ae6afc520.html>

⁷³ کمیته، دومین گزارش ادواری جمهوری اسلامی ایران (CRC/C/104/Add.3) را در جلسات ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶ خود که در روز ۱ بهمن ماه ۱۳۸۳ برگزار شد (see CRC/C/SR.1015 and 1016)، بررسی نمود.

⁷⁴ «کمیته ابراز تاسف می‌کند از اینکه کشور متعهد اطلاعات لازم را در خصوص اقدامات بعدی خود در باره اکثر ملاحظات پایانی پیشین کمیته (CRC/C/15/Add.123)، پس از آنکه گزارش اولیه کشور متعهد (CRC/C/41/Add.5) را بررسی نموده بود، ارائه نکرده است، از جمله در خصوص قید و شرط (بند ۷)، تعریف کودک (بند ۲۰)، عدم تبعیض بر مبنای جنسیت (بند ۲۴) حق حیات (بندهای ۲۸ و ۳۰) و عدالت اطفال (بند ۵۴). کمیته خاطر نشان می‌سازد که بر بسیاری از نگرانی‌ها و توصیه‌ها مجدداً در ملاحظات پایانی حاضر، تاکید شده است.»

<http://undocs.org/en/CRC/C/15/Add.254>

برای جرایمی نظیر تجاوز به عنف، قتل، و جرایم مربوط به مواد مخدر در نظر گرفته است.⁷⁵ در روز ۲۲ اسفند ماه ۱۳۹۰، لاریجانی تلاش کرد اعتبار گزارشگر ویژه را مخدوش کند:

«گزارشگر ویژه عملاً به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. گزارشگر ویژه در گزارش خود، به جای اینکه از منابع معتبر و رسمی نقل قول کند و به روندها و الگوهای حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بپردازد، اصل انصاف را با نقل قول از منابع غیرمعتبر و مشکوک کنار گذاشته و جزئیاتی را قید کرده که اکثراً غلط و تحریف شده است.»⁷⁶

لاریجانی در سخنرانی ۴ فروردین ۱۳۹۳ خود، اصلاحات را بهانه‌ای برای مداخله غرب دانست و بدین ترتیب، چندین دهه تلاش ایرانیانی که با پیشینه‌های متفاوت علیه مجازات اعدام فعالیت کرده بودند را نادیده گرفت:

«اکنون مشخص است اتهاماتی که به جمهوری اسلامی می‌زنند کاملاً متوجه مبنای نظام و شرع مقدس بوده است. اصل حرف غربی‌ها این است که ما، ملت ایران و کلا مسلمانان، حق نداریم زندگی خود را بر اساس اسلام سامان دهیم. حال آنکه سلب این حق از ملت‌ها گذشته از اینکه یک تجاوز آشکار به استقلال کشورها است، یک خیانت بزرگ به جامعه بشری محسوب می‌شود زیرا تمدن‌های بشری با وجود این تنوعات رشد پیدا می‌کنند و همگی به تجربه مهم بشریت سرازیر می‌شوند.»⁷⁷

در خرداد ماه ۱۳۹۴، محمد جواد لاریجانی به منتقدانی که به تناقضات موجود در قوانین ایران اشاره کرده بودند پاسخ داد: «در صحنه بین‌المللی ما با کنوانسیون‌های حقوق کودک هیچ مشکلی نداریم اما قسمت اعدام افراد زیر ۱۸ سال هنوز بهانه‌ای برای تهاجم به ماست. معتقدم که موضعی که قوانین ما در این ارتباط دارند بسیار معقول‌تر است زیرا مبنای قانون ما مبتنی بر مسئله بلوغ است و مبنای قانونی ما مبنای قابل دفاعی است.»

«در ارتباط با همین مسئله قانون جدید آیین دادرسی کیفری اصل را بر این گذاشته که افراد زیر ۱۸ سال مجازات سنگین نشوند مگر اینکه قاضی تشخیص دهد. در مجموع کنوانسیون حقوق کودک، به کودک به عنوان یک مسئله بیولوژیک نگاه می‌کند در حالی که از نظر ما کودک یک مسئله اجتماعی است.»⁷⁸

در آبان‌ماه همان سال، کمیته حقوق کودک مجدداً نگرانی‌هایی درباره سن رشد و اعدام کودکان ابراز داشت.⁷⁹ فیلم جلسه کمیته با نمایندگان ایران فرصتی برای آگاهی از گفتگوهای بین‌المللی با این نمایندگان به دست می‌دهد، چرا که این نوع جلسه‌ها، عموماً پشت درهای بسته برگزار می‌شود.

در این جلسه، رئیس کمیته به گزارش‌هایی در مورد اعدام دو کودک بزهکار در مهرماه ۱۳۹۴ اشاره کرد و تناقضات موجود را بین گزارش‌های منابع موثق و گزارش رسمی جمهوری اسلامی به کمیته خاطر نشان ساخت: «واضح است که ما گزارش شما را خوانده‌ایم؛ و در این گزارش گفته‌اید: «هیچ‌گونه حکم اعدامی برای کودکان صادر نمی‌شود»... اطلاعات شما با اطلاعات منابع دیگر که از وجود ۱۶۰ کودک بزهکار در انتظار اعدام در زندان‌های ایران خبر می‌دهند در تضاد است. اگر مایلید می‌توانید اطلاعات این منابع را چالش بکشید.»

⁷⁵https://www.google.com/url?q=https://www.un.org/press/fr/2011/Conf111116-IRAN.doc.htm&sa=D&ust=1553394442694000&usg=AFQjCNEIrr5PhQ2jSCUJ9MWu_6B2rmZXzA

⁷⁶

https://www.google.com/url?q=https://www.refworld.org/cgi-bin/texis/vtx/rwmain/opendocpdf.pdf?reldoc%3Dy%26docid%3D4f644d6c2&sa=D&ust=1553394442695000&usg=AFQjCNHgYCwfh4DNI9ifKrtATQrD_I7Gw

⁷⁷ <https://www.iranrights.org/fa/library/document/2566>

⁷⁸ نظرانی که در همایش سراسری چشم انداز حقوق کودک در جمهوری اسلامی ایران ابراز شد و از سوی مرکز اطلاع‌رسانی شورای عالی حقوق بشر گزارش گردید.

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3043>

⁷⁹ <https://www.youtube.com/watch?v=18sCG9eP6Bc&feature=youtu.be>

نماینده ایران در پاسخ، تاکید کرد «در حال حاضر، در قانون رایج کشور، مجازات پیشگیرانه، یعنی اعدام وجود ندارد... [مجازات اعدام] برای افراد زیر ۱۸ سال به اجرا گذاشته نمی‌شود.»

دیگر اعضای کمیته که تلاش کردند گفتگو را به سمت برشمردن شواهد و مدارک بکشانند، موفقیت چندانی نیافتند: «هنگامی که به قانون مجازات اسلامی شما مورخ سال ۱۳۹۳ نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که این امکان برای قضات وجود دارد که مجازات اعدام افراد زیر ۱۸ سال را کاهش دهند، اما به نظر نمی‌رسد که قانون اعدام آنان را به صراحت منع کرده باشد. و من از آن چیزی که شما گفتید این گونه دریافتیم که مجازات اعدام تا زمانی که کودک به سن ۱۸ سالگی نرسیده، به اجرا در نمی‌آید. اما چنانچه کودکی مرتکب فعلی شده باشد که به نظر شما مستوجب مجازات اعدام است، صبر می‌کنید که به ۱۸ سالگی برسد تا او را اعدام کنید.»

پاسخی که داده شد، همان است که مقامات ایرانی به طور معمول برای توجیه اعدام کودکان و نوجوانان متهم به قتل، و مبرا ساختن حکومت از هر گونه مسئولیت، ارائه می‌کنند:

«...[به موجب] سن مسئولیت کیفری و دست‌بندی‌ای که قانونگذار ما انجام داده بود، در صورتی که [کودکی] بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی مرتکب قتل شود، محکوم به قصاص می‌گردد. این حق اولیای دم است که گذشت و عفو کنند یا قصاص را به اجرا در آورند. بنابراین، این طور نیست که آنها را تا ۱۸ سالگی نگهداریم و وقتی ۱۸ سالشان شد اعدام کنیم. خیر، چنین چیزی در قوانین ما وجود ندارد.»

نماینده ایران در پاسخ به سوال یکی از دیگر اعضای کمیته درباره سن پایین رشد و پیماد آن، که همانا رفتار مشابه با کودک و بزرگسال است، گفت: «[این تغییرات] را نمی‌توان یک شبه انجام داد. این کاری نیست که بتوان به راحتی انجام داد. زمان می‌برد. روندی است زمان بر.»

این پاسخ آخر برای یکی از اعضای کمیته که ده سال قبل هم در ارزیابی ایران شرکت کرده بود قانع کننده نبود؛ وی اظهار داشت: «ظرف این مدت [ده سال] من دیده‌ام در کشور شما چه اتفاقاتی افتاده است و فکر می‌کنم که ما اساساً برگشته‌ایم به همان سوالات و مسائلی که در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) مطرح کرده بودیم.»⁸⁰

استیصال اعضای کمیته در ملاحظات پایانی آنها، مورخ ۲۴ اسفند ماه ۱۳۹۴ به خوبی مشهود است:

«این قوانین با معیارهای عدالت کیفری نوجوانان و اسناد بین‌المللی حقوق بشر که جمهوری اسلامی ایران نیز موظف به رعایت آن‌هاست مغایرت دارد؛ اصول و اسنادی که اعدام افراد را که در زمان ارتکاب جرم (صرف نظر از شرایط و ماهیت آن جرم) زیر ۱۸ سال داشته‌اند به صراحت منع کرده‌اند. علی‌رغم تلاش‌های کمیسیون آستی و تعیین گروه ویژه برای جلوگیری از سلب حق حیات، تحت نظارت کمیته حفاظت از حقوق کودک و نوجوان، هیچ‌گونه پیشرفتی در اجرای توصیه‌های مکرر دبیر کل، کمیسر عالی، افراد دارای ماموریت ویژه [همچون گزارشگران ویژه]، و اخیراً کمیته حقوق کودک، حاصل نشده است.»⁸¹

کمیته بر درخواست‌های پیشین خود از ایران مبنی بر بازنگری در قوانین خود و توقف احکام موجود در مورد کودکان بزهکاری که در انتظار اعدام به سر می‌برند، تاکید کرد [و از مقامات کشور خواست]:

«الف) به اعدام کودکان و افرادی که هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، پایان دهند؛

⁸⁰ همان.

⁸¹ ملاحظات پایانی در باره گزارش‌های ادواری سوم و چهارم جمهوری اسلامی ایران.

ب) تدابیر قانونی جهت الغای حکم اعدام افرادی اتخاذ کنند که هنگام ارتکاب جرایم مشمول حد یا قصاص، زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، امری که هم‌اکنون نیز در قانون مجازات اسلامی موجود است، و چیزی را در اختیار و صلاحدید قضات و محاکم نگذارند؛

• (پ) احکام اعدام کلیه افراد را که هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند و هم‌اکنون در انتظار اعدام به سر می‌برند تخفیف دهند.⁸²

این توصیه‌ها⁸³ نیز همچون بیانیه‌ها و توصیه‌های متعدد قبلی⁸⁴ که توسط نمایندگان ویژه حقوق بشر در ایران و دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه گشته، یکسره نادیده گرفته شده است. نمایندگان جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر «منطق بسیار قوی» قصاص و قانون مقابله به مثل (چشم در برابر چشم)، با انتقاد از گزارشگران و نمایندگان ویژه، و بحث و مخالفت با ادله‌ای که در گزارش‌های خود آورده‌اند، به دفاع از قوانین و رویه‌های خود ادامه می‌دهند.⁸⁵ مقامات ایرانی در ادامه سیاست‌های خود در دهه‌های گذشته، به مخالفت با آمار سازمان ملل می‌پردازند بدون آنکه آمار رسمی خود را ارائه کنند؛ به نهادهای تحقیقاتی مستقل، اجازه ورود به کشور نمی‌دهند. نه استدلال‌هایشان در توجیح سن پایین رشد قانع‌کننده است و نه مشخص می‌کنند کدام مواد کنوانسیون حقوق کودک با اصول اسلامی مغایرت دارد.



لفظی‌های نمایندگان جمهوری اسلامی در ابراز ناتوانی در تغییر دادن قوانینی که ریشه در مذهب و سنت دارند، برخلاف واقعیات است. در اغلب کشورهای دارای اکثریت مسلمان، کودکان به اعدام محکوم نمی‌شوند، و پژوهش‌های متعدد درباره این کشورها مؤید آن است که بالا بردن سن رشد، هم شدنی است و هم ضروری. ایران نه تنها متعهد به اجرای تعهدات خود به موجب معاهدات بین‌المللی است (که ضمناً در مورد تعریف کودک کاملاً صریح و روشن هستند)،

⁸² همان. «کمیت»، رای وحدت رویه شماره ۷۳۷ دیوان عالی کشور (۱۳۹۳) و ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مورخ ۱۳۹۲ را مد نظر قرار می‌دهد. به موجب این مقررات، امکان اعاده دادرسی و معافیت کودکان زیر ۱۸ سال از مجازات اعدام حدی و قصاص، تحت شرایط خاص، وجود دارد و «در صورتی که ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، با توجه به سن آنان» مجازات جایگزین تعیین می‌گردد. اما با این حال، کمیته ابراز نگرانی می‌کند از اینکه این معافیت‌ها در اختیار و صلاحدید کامل قضات است که می‌توانند اما ملزم نیستند خواستار ارزیابی پزشکی قانونی شوند، و اینکه متعاقب دادرسی مجدد، چندین نفر دوباره به اعدام محکوم شده‌اند. همچنین نگاه کنید به کمیته حقوق بشر، فهرست مسائل مرتبط با گزارش‌های ادواری سوم و چهارم جمهوری اسلامی ایران، ۲۴ تیر ماه ۱۳۹۴.

https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC%2fC%2fIRN%2fQ%2f3-4&Lang=en

⁸³ «کسانی که زیر سن ۱۸ سال مرتکب جرم شده‌اند در شرایط خاص و با تشخیص قاضی پس از رسیدن به سن قانونی اعدام می‌شوند. قصاص حق حکومت نیست بلکه حق شهروندان است و نقش حکومت در موضوع قصاص عفو و گذشت اولیا دم است. حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد نظام اسلامی در گسترش فرهنگ عفو و گذشت موفق بوده اما قصاص منطق بسیار قوی دارد.» ۱۴ مرداد ۱۳۹۵، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه.

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3009>

⁸⁴ <https://www.iranrights.org/fa/library/document/3471>;

<https://ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=21093&LangID=E>;

<https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=23279&LangID=E>;

<https://www.jurist.org/news/2019/02/un-rights-experts-urge-iran-to-halt-execution-of-childhood-offender>;

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3534>

⁸⁵ لاریجانی در پاسخ به این گزارش فقط به رد گزارش رحمان بسنده کرد و آن را «بی‌اساس» و «غیرواقع بینانه» خواند. در انعکاس سخنان لاریجانی، بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز گفت ایران معتقد است تمدید حکم گزارشگر ویژه برای یک سال دیگر «غیرقابل توجیه و غیرضروری» است. قاسمی این بار هم ادله‌ای در اثبات بی‌ربطی یا غیرمنصفانه بودن گزارش رحمان، ارائه نکرد. گزارش رادیو فردا از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۷.

<https://en.radiofarda.com/a/iran-responds-to-unrapporteur-on-human-rights-29800606.html>

بلکه خود، قوانینی تدوین کرده که با مواضع کنوانسیون حقوق کودک، کارشناسان و وکلا، همخوان است، از جمله اصلاحیه اخیر قانون مبارزه با مواد مخدر که به تصویب شورای نگهبان نیز رسیده است. پژوهش‌های علمی در زمینه رشد مغز و توانایی نوجوانان در توان ارزیابی خطر و همچنین واکنش‌های عاطفی آنان، اعتقاد به این امر را تقویت می‌کند که افراد زیر ۱۸ سال از میزان رشد و بلوغ فکری بزرگسالان برخوردار نیستند و نباید آنان را همچون بزرگسالان مجازات کرد.

پژوهش‌های علمی

پژوهش‌های علمی اخیر که چکیده آن در مقاله‌ای به قلم دکتر رابرت گریفیث،⁸⁶ استاد دانشگاه میشیگان غربی، و برای بنیاد عبدالرحمن برومند گردآوری شده (نگاه کنید به پیوست)، نمایانگر تفاوت‌های عمده عصب‌شناختی و رفتارشناختی بین کودکان و بزرگسالان است که تبعات و اهمیت حقوقی آن آشکار است. این تفاوت‌ها مؤید معتبر بودن مفهوم مجرمیت و تقلیل مسئولیت برای کودکان است، چون مبتنی بر دلایل بیولوژیک جهانشمولی است که نمی‌توان با توسل به فرهنگ و سن، آن را رد یا انکار کرد.

واقعیات و شواهدی که در علم اعصاب به تجربه به دست آمده، اثبات می‌کند که ساختارهای مغز انسان در پیوند با قوه داوری و تشخیص، انگیزش، اعتدال در عواطف، و ثبات شخصیت، حداقل تا ۱۸ سالگی، عمیقاً دستخوش تغییر می‌شوند. در نخستین سال حیات، مسیرهای عصبی (Neural pathways) تکثیر می‌شوند و توانایی یادگیری بیشتری به کودکان می‌دهند. در روند هرس سیناپسی، این مسیرها به مرور به مجموعه کوچکتر و با ثبات‌تری تبدیل می‌شوند و در نتیجه، به مرور زمان، شخصیت منسجم‌تری شکل می‌گیرد که کنترل بیشتری بر رفتار و کردار خود دارد.⁸⁷ در دوران بلوغ و نوجوانی، قشر ماقبل پیشانی مغز (قسمتی از مغز که کنترل اقدام‌های آنی و کارکردهای عملی پیشرفته در آن جریان دارد) دستخوش تغییرات قابل ملاحظه‌ای می‌شود چرا که میلین‌سازی (myelination) (نوعی پوشش عصبی که به انتقال و ارتباط عصبی منظم‌تر و کارا تر منجر می‌شود) افزایش می‌یابد.⁸⁸ مسیرهایی که به آمیگدال (ساختاری در عمق مغز که نقش مهمی در عملکرد عاطفی ایفا می‌کند) می‌روند، طی سه دهه نخست حیات، رشد می‌کند و این رشد، با واکنش‌های احساسی صرف، رابطه معکوس دارد؛ نتیجه آنکه کودکان و نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان، بی‌ثباتی احساسی بیشتر و کنترل کمتری از خود نشان می‌دهند.⁸⁹ پژوهشی بر روی بیماران عصبی آسیب‌دیده در بخش میانی قشر ماقبل پیشانی مغز، که نزدیک است به وضعیت رشد مغز و اعصاب در کودکان و نوجوانان، نشان داد که این افراد گرایش بیشتری به قضاوت‌های اخلاقی خودمحورانه دارند، و این امر می‌تواند مؤید آن باشد که نوجوانان ممکن است رفتارهای جامعه‌ستیز و خودخواهانه از خود بروز دهند که بعدها می‌توانند پشت سر بگذارند.⁹⁰

پژوهش‌هایی که در رشته روانشناسی رفتاری صورت گرفته، مکمل نتیجه‌گیری‌های فوق است: یک تحقیق نشان داد هنگامی که نوجوانان مشغول بازی اتومبیل‌رانی با همسن و سالان خود هستند، بیشتر دست به کارها و رفتارهای خطرناک می‌زنند تا وقتی که تنها هستند.⁹¹ واکاوی یک تحقیق دیگر، ثابت و تایید کرد که در مقایسه با بزرگسالان، نوجوانان، صرف نظر از جنسیت و قومیت، آینده‌نگری کمتری دارند و کمتر به فکر پیامدهای اعمال خود هستند.⁹² دیگر پژوهشگران به این

⁸⁶ دکتر گریفیث دارای پروانه روانشناسی ارزیابی از سوی مجمع آمریکایی روانشناسی ارزیابی است و به عنوان یک روانشناس بالینی ارشد، در محیط‌های مسکونی، زندان، و بیمارستانی فعالیت داشته است. او در دانشگاه میشیگان غربی به تدریس دروس ارزیابی شخصیت، ارزیابی ذهنی، ارتباط مغز و رفتار، و روانشناسی قانونی، اشتغال دارد. بنیاد عبدالرحمن برومند از برنامه مسئولیت علمی، حقوق بشر، و قانون جامعه آمریکایی پیشرفت علم، از کمک‌های دکتر گریفیث، قدردانی می‌کند.

⁸⁷ Huttenlocher (2002)

⁸⁸ Blakemore and Choudury (2006)

⁸⁹ Swartz et al (2014)

⁹⁰ Bradley et al (2014)

⁹¹ Defoe et al (2015)

⁹² Kamban and Thompson (2009) reviewing Steinberg (2008)

نتیجه رسیدند که احتمال اینکه کودک بین ۱۱ تا ۱۳ سالگی، در توانایی درک تصمیم‌گیری حقوقی، «به شدت دچار نقص و اختلال» باشد، سه برابر بیشتر از جوان بزرگسال و دو برابر بیشتر از کودک ۱۴ تا ۱۵ ساله است. این واقعیت مؤید آن است که به خصوص در دادرسی‌ها، کودکان درک مناسبی از اوضاع و احوال و شرایط موجود ندارند، شرایطی که ممکن است مرگ و زندگی آنان را رقم زند.⁹³

دکتر گریفیث همچنین روش‌هایی را بررسی می‌کند که نظام‌های قضایی در اقصا نقاط جهان به منظور وفق دادن خود با معیارهای علمی در مورد مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در پیش گرفته‌اند. مدل پیشرو و «ترمیمی» (restorative) در صدور حکم برای کودکان بزه‌کار، بر عواملی همچون ابراز پشیمانی، گذشت، تأثیر جرم بر قربانی و جامعه، و جبران خسارت، تأکید می‌کند. هدف این مدل، تقویت کنترل اخلاقی و اجتماعی است و سلامت جمعی را بر اقدامات تنبیهی، رجحان می‌دهد. نظام‌های قضایی نروژ، سوئد، و اتریش، از این مدل پیروی می‌کنند. به این شکل که کلیه متهمان زیر ۱۵ سال از تعقیب قضایی به هر شکلی مصون‌اند و دستگاه قضایی از برنامه‌هایی پشتیبانی می‌کند که جنبه اجتماعی دارد. در کانادا، جرایم خشونت‌آمیز جزئی، نظیر ایراد ضرب و جرح در مدارس نیز از راه برنامه‌های بیرون از دستگاه قضایی به مجازات می‌رسد؛ برنامه‌هایی با استراتژی ترمیمی، همچون نشست‌های گروهی [گفتگو در مورد عمل خلاف] و ارائه خدمات عام المنفعه [برای جبران عمل خلاف].

اطلاعاتی که بنیاد عبدالرحمن برومند درباره پرونده کودکان و نوجوانانی که به اعدام محکوم شده‌اند گردآورده، مؤید آن است که نتیجه‌گیری‌های پژوهش‌های یادشده در خصوص توان تصمیم‌گیری، تغییرات رفتاری و عصب‌شناختی، امکان تأثیرپذیری از همتایان، و بی‌ثباتی عواطف، در مورد کودکان و نوجوانان ایرانی مواجه با نظام عدالت کیفری موجود نیز صدق می‌کند. از اوایل سال ۲۰۰۹ تا کنون بنیاد برومند اعدام ۸۸ نوجوان را گزارش کرده که ادعا شده بود بزه‌کارند؛ از این میان، ۵۷ تن متهم به قتل شده بودند. این گزارش نیز با نتایج پژوهش‌های یادشده در زمینه نزاع‌های منجر به قتل که مملو از هیجان‌های عاطفی است، دقیقاً همان وضعیتی را به وجود می‌آورد که در آن، ذهن آدمی در برابر فشار و هیجان‌های جمعی، و کوتاه‌فکری آسیب‌پذیر است، و آمادگی دارد که دست به عملی وخیم و خطرناک بزند.⁹⁴

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

ایران امروز در مقام نخست اعدام‌کنندگان کودکان بزه‌کار و یکی از آخرین کشورهایی است که هنوز این رویه را ادامه می‌دهد. مقامات جمهوری اسلامی در دفاع از موضع خود، استدلال‌هایی ارائه می‌کنند که نه تنها هیچ مبنایی در سنن ایرانی ندارد، و منشاء فقهی آن مورد تردید است بلکه ذاتاً تبعیض‌آمیز، بلکه ناعادلانه بودن آن نیز از سوی دانشگاهیان و وکلا و حقوقدانان ایرانی تقبیح شده است. این استدلال‌ها به لحاظ تناقضات موجود در قوانین ایران به شدت تضعیف شده و افزون بر آن، علم و پیشرفت‌های علمی هم آن را کاملاً بی‌اعتبار ساخته است.

طی چهار دهه گذشته که قانونگذار جمهوری اسلامی سن رشد و بلوغ فکری در قانون مدنی را از ۱۸ سال به ۱۵ سال قمری برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران کاهش داده، نهادها و فعالان داخلی و بین‌المللی مستمراً مخالفت صریح و شدید خود را با رفتار یکسان با کودکان و بزرگسالان در امور جزائی، بیان نموده‌اند. استدلال‌های مقامات ایرانی در موجه جلوه دادن قوانین و رویه‌های متضاد با معیارهای بین‌المللی، پذیرفتنی نیست. علیرغم اظهارات نمایندگان جمهوری اسلامی،

⁹³ MacArthur as cited by Kamban and Thompson

⁹⁴ اتهامات هشت تن از میان ۸۸ نفر، جرایم جنسی بوده بدون اینکه منجر به قتل شود، و اتهام ۱۲ تن دیگر، جرایم مربوط به مواد مخدر بوده بدون آنکه قتلی در پی داشته باشد.

نظام عدالت کیفری اطفال در این کشور، در تاریخ ایران بی‌سابقه است. باید این نمایندگان را در محافل بین‌المللی به چالش کشید تا با واقعیات روبرو شوند، از یک‌گویی‌های تکراری خود دست بردارند، به تعهدات بین‌المللی خود عمل نمایند، و خود و قوانین خود را با نیازها و واقعیات کشور و ملت، هماهنگ کنند. برای ده‌ها کودک و نوجوان بزهکاری که در انتظار اعدام هستند، انجام این تغییرات فوریت دارد و اضطراری است.

کمیته حقوق کودک در تفسیر کلی شماره ۲۴ خود مورخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۸، بار دیگر بر اصول بنیادین عدالت برای کودکان تاکید؛ اصولی مبتنی بر اینکه «کودک هم در رشد جسمانی و هم در رشد روانی با بزرگسال متفاوت است» و «این تفاوت مبنای قبول تقلیل مجرمیت و لزوم ایجاد نظام قضایی جداگانه با رویکردی متفاوت و بررسی مورد به مورد است.» (ماده ۲). کمیته همچنین خاطر نشان ساخت «داده‌های مربوط به رشد و نمو آدمی و علم عصب‌شناسی نشان می‌دهد که مغز فرد نوجوان حتی پس از دوران نوجوانی نیز رشد می‌کند و بر برخی تصمیم‌گیری‌ها تاثیر می‌گذارد.» (ماده ۲۲) کمیته همچون گذشته، بر ممنوعیت قطعی مجازات اعدام در مورد کودکان بزهکار، تاکید کرده است:

تعداد معدودی از کشورهای متعاهد فرض را بر این گذاشته‌اند که [این ممنوعیت] صرفاً شامل افرادی می‌شود که در زمان اعدام کمتر از ۱۸ سال سن دارند. برخی از دیگر کشورها، اعدام را به رسیدن فرد به سن ۱۸ سالگی موکول می‌کنند. کمیته تاکید می‌کند که معیار صریح و قطعی، سن فرد در هنگام ارتکاب جرم است... کمیته از معدود کشورهای متعاهدی که هنوز مجازات اعدام را در مورد کلیه جرایم برای افراد زیر ۱۸ سال سن ملغی ننموده‌اند می‌خواهد به فوریت و بدون هیچ استثنایی، این کار را انجام دهند. مجازات اعدام برای هر فردی که هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته باید تخفیف یابد و به کیفری بدل شود که به طور کامل با مفاد کنوانسیون منطبق باشد. (مواد ۷۹-۸۰).

اظهارات کمیته مؤید فوریتی است برای تلاش در تضمین اینکه کودکان متهم به بزهکاری ادعایی در ایران از حمایت کامل حقوق بشری خود برخوردار شوند.

توصیه‌ها:

به مقامات جمهوری اسلامی ایران

- مجازات اعدام را با هدف الغای سریع آن، در کلیه موارد متوقف کنند.
- الغای مجازات اعدام در قانون مجازات اسلامی در مورد کلیه افرادی که در زمان ارتکاب جرایم مشمول حد یا قصاص، زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، بدون اینکه اختیاری در این باب برای دادگاه در نظر گرفته شود.
- قوانین را به گونه‌ای اصلاح کنند که تضمین شود کلیه افراد زیر ۱۸ سال، بدون استثنا، کودک محسوب شوند و از تمامی حقوقی که به موجب قوانین بین‌المللی به کودکان تعلق می‌گیرد، برخوردار گردند.
- پرونده محکومان در صف اعدام را بررسی کنند و فهرستی کامل از افرادی که هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند منتشر کنند و یا به سازمان ملل متحد ارائه نمایند.
- اقدامات لازم را جهت تضمین پیروی مقامات قضایی از ممنوعیت اعمال مجازات اعدام افرادی که هنگام ارتکاب جرم ادعایی زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، اتخاذ کنند.
- تخفیف مجازات در کلیه احکام اعدام برای متهمانی که هم اکنون در صف اعدام به سر می‌برند و هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند؛ این امر با معیارهای بین‌المللی عدالت برای کودکان همخوانی دارد.
- بازنگری در پرونده افرادی که در انتظار اعدام‌اند و رسیدگی مجدد و سیستماتیک به کلیه پرونده‌هایی که در آن، اعترافات متهمان، علیرغم ادعای آنان مبنی بر اجباری بودن این اعترافات، پذیرفته شده و نیز پرونده‌هایی که در آن، اعترافات طی بازجویی و بدون حضور وکیل اخذ شده است.

- تضمین شود که تحت هیچ عنوان، هیچ شهادت و اعتراف اجباری‌ای که از طریق شکنجه، رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز به دست آمده، به عنوان ادله و مدرک در دادگاه ارائه نشود، و درباره ادعاهای مبنی بر اعترافات و شهادت‌های اجباری، تحقیق مقتضی به عمل آید و عاملان آن، مجازات شوند و خسارات وارده جبران گردد.
- تضمین شود که کودکان در کلیه مراحل دادرسی، یعنی از آغاز رسیدگی، در طول تحقیقات، در آماده‌سازی و دفاع در دادگاه، تا طی شدن کلیه مراحل تجدید نظر، از معاضدت حقوقی یا دیگر کمک‌های مقتضی، مطابق با کنوانسیون حقوق کودک، برخوردار شوند.
- بحث عمومی و باز در مورد اعمال مجازات اعدام در ایران را میسر سازند، از جمله با تضمین آزادی بیان برای مدافعان حقوق بشر، وکلای دادگستری، و دیگر اعضای جامعه مدنی، بدون تهدید و ارباب.

به افراد فعال در حرفه پزشکی

همگام با توصیه‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به سازمان پزشکی قانونی ایران که در گزارش سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) وی به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه شد:

- راه و روش مشخصی [متدولوژی] را برای ارزیابی روحی و روانی مندرج در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی تهیه و منتشر کنند و شفافیت لازم را در خصوص هویت و تخصص افراد ذیربط تضمین نمایند.

به جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، و کشورهای متعاقد:

- در تعاملات دوجانبه با ایران، به مجازات اعدام برای کودکان بزهکار به عنوان موضوعی که در اولویت قرار دارد، بپردازند.
- با استفاده از بررسی ادواری جهانی (یو پی آر) و دیگر راه‌های موجود از مقامات ایرانی بخواهند اعدام کودکان بزهکار را متوقف کنند، از عدم اطلاعات درباره این اعدام‌ها خودداری کنند، و به گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران اجازه دهند از ایران دیدار کنند.
- علنا از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند مصوباتی وضع نمایند که مجازات اعدام را برای کودکان بزهکار در قانون مجازات اسلامی لغو کند و تضمین نماید که کلیه افراد زیر ۱۸ سال، بدون استثنا، کودک محسوب شوند و کلیه حقوقی که به موجب قوانین بین‌المللی به کودکان تعلق می‌گیرد، به آنان اعطا شود.

ضمیمه ۱

مروری بر روانشناسی کودک و نوجوان و مسئولیت کیفری

سفارش بنیاد عبدالرحمن برومند

مؤلف: دکتر رابرت گریفین

مسئولیت کیفری و بزهکاران نوجوان

مسئولیت کیفری، یا مجرمیت در ارتکاب بزه، و تعریف بین‌المللی و یکسانی در رابطه با سن ندارد. در ایالات متحد آمریکا، فرد می‌تواند در صورت احراز برخی شرایط، از مسئولیت کیفری میرا شود، شرطی که در همه ایالات یکسان نیست و در برخی اساساً وجود ندارد. برای نمونه، معیار «انستیتو آمریکایی حقوق» (American Law Institute) به این شکل عنوان شده است: «فرد، به لحاظ بیماری روانی یا معلولیت ذهنی، اساساً (substantial) فاقد توانایی (اهلیت) درک نادرست بودن رفتار خود است و یا قادر به انطباق رفتار خود با الزامات قانون نیست.» پکر (۲۰۰۹) معتقد است در این تعریف، دو عبارت بسیار مهم وجود دارد: «درک» و «نادرست بودن». در بزرگسالان، مفهوم اختلال می‌تواند دایر بر درک غیرقانونی بودن عمل و یا ناتوانی در انطباق رفتار باشد. واژه «اساساً» حاکی از این است که این نقصان به میزان قابل توجهی وجود دارد اما ناتوانی مطلق نیست. (پکر، ۲۰۰۹).

اتهامات را نیز می‌توان در سنین متفاوت متوجه افراد نمود. در ایالات متحد آمریکا، پایین‌ترین سن برای ایراد اتهام به فرد، سن هفت سالگی (در ایالت کارولینای شمالی) و بالاترین سن [برای متهم کردن فردی که هنوز به سن قانونی نرسیده]، ده سالگی (در ایالت ویسکانسین) است. باید خاطر نشان ساخت که این سن در نقاط مختلف جهان، متفاوت است. برای نمونه، در کشور پرو، سنی که می‌توان برای نخستین بار مسئولیت کیفری متوجه فرد کرد، هجده سالگی است، اما اگر زیر ۱۸ ساله باشد، "تخلف" (infraction) محسوب می‌شود و "تحت اقدامات اجتماعی - آموزشی قرار می‌گیرد که می‌تواند شامل محرومیت از آزادی نیز بشود". حدوداً همین ضوابط در برزیل نیز رایج است.

سپیریانی (۲۰۱۲) به تفاوت‌های بسیار گسترده در تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری در مناطق مختلف جهان، اشاره می‌کند. او می‌گوید «حداقل سن مسئولیت کیفری، لزوماً با سیاست کلی موجود در قبال بزهکاران نوجوان تعیین نمی‌شود.» برای نمونه، کشورهایی که سن بالاتری برای مسئولیت کیفری دارند، ممکن است به نوجوان اجازه اقامه دعوی در دادگاه را ندهند، چرا که [قانوناً] کیفرخواستی علیه آنها صادر نشده؛ اما رسیدگی به پرونده این نوجوانان زیر ۱۸ سال ممکن است به رویه‌های اداری بیرون از دستگاه قضایی محول شود که برخی نیز به ایجاد محدودیت در آزادی‌های فردی و سایر آزادی‌ها بینجامد، با اینکه هدف این رویه‌ها آموزشی عنوان شده است.

به لحاظ تاریخی، دادگاه‌ها در اقصا نقاط جهان، بیشتر «بهزیستی» نوجوانان را در نظر می‌گیرند تا اینکه بخواهند آنان را به روال معمول محاکمه کنند. سپیریانی (۲۰۱۲) می‌گوید در امریکا جایگزینی رمیافت بهزیستی محور با دادرسی قضایی، پی‌آمد رای دیوان عالی آمریکا در دهه ۱۹۶۰ میلادی بود، در پرونده‌هایی همچون *Kent v* ایالات متحد آمریکا

قانونگذاران نهایتاً ایده‌های خاصی را در مورد توانایی‌های کودکان و انتظارات جامعه در مورد رفتار مناسب آنان در یک سن خاص، در یک مقطع زمانی مشخص، و در چهارچوب اجتماعی - سیاسی - فرهنگی ویژه‌ای تلخیص و تجمیع می‌کنند. هنگامی که کودکان یا نوجوانان به آن سن می‌رسند، عهده دار مسئولیت کیفری اعمالشان می‌شوند، و دولت می‌تواند نخست به طور مشروع - با ارجاع به مفاهیم حقوقی - مجازات کیفری علیه آنها مقرر کند.

سن مسئولیت کیفری چگونه تعیین می‌شود؟ ظاهراً این امر تابع روندی اختیاری است. سبیریانی (۲۰۱۲) می‌نویسد:

دلمائز (۲۰۱۳) استدلال می‌کند که بلوغ فکری، عنصر اصلی حاکم بر تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری است؛ با این حال، قوانین هنوز به گونه‌ای که با پیشرفت‌های حاصله در پژوهش‌های عصب‌شناسی منطبق باشند، تدوین نشده‌اند. دلمائز همچنین خاطر نشان می‌سازد که ایده بلوغ فکری همیشه هم با سن منطبق نیست: «پارادوکسی که همواره مورد بحث قرار می‌گیرد این است که بز هکار بزرگسالی که به لحاظ معلولیت ذهنی در حد یک کودک ده ساله است، می‌تواند از دفاعی متناسب با این وضعیت برخوردار گردد اما کودک ده ساله خاطی، به احتمال زیاد، از چنین امتیازی برخوردار نیست.» (دلمائز، ۲۰۱۳).

در مجموع، مسئولیت کیفری کلاً مؤید این است که در زمان ارتکاب جرم، متهم فاقد توانایی ذهنی جهت تشخیص سره از ناسره بوده است. نداشتن مسئولیت کیفری بدین معنا است که فرد در زمان ارتکاب جرم، دارای وضعیت روحی‌ای بوده که منجر به کاستی یا اختلال قابل توجهی در تشخیص سره از ناسره شده است. در سطح جهانی، سنی که محاکم، نوجوانان را متهم به ارتکاب جرم می‌کنند بسیار متفاوت است. کودکان و نوجوانانی که در آستانه مقرر شده توسط یک کشور اند، ممکن است متهم به ارتکاب جرم شوند، اما اگر کودک به حداقل سن مسئولیت کیفری نرسیده باشد، معمولاً اقداماتی غیر از محاکمه انجام می‌گیرد (اگر اساساً مداخله‌ای انجام شود). کودکانی که عملاً متهم نشده‌اند، نمی‌توانند برای دفاع از خود، وکیل را روانه دادگاه کنند. با این اوصاف، این سن چگونه تعیین می‌شود؟ به نظر می‌رسد سن مسئولیت کیفری عمدتاً به طور تصادفی و دلخواه مقرر می‌شود. در بخش بعدی، علم عصب‌شناسی تکوینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این علم می‌تواند نشان دهد چگونه موضوعات مختلف دخیل در اتخاذ چنین تصمیمی، تحلیل شده‌اند. به نظر می‌رسد شکاف قابل تأملی بین رویه‌های مختلف مجازات کودکان و نوجوانان، و پژوهش‌های انجام گرفته در مورد شیوه تأثیرگذاری رشد مغز بر تصمیم‌گیری کودکان و نوجوانان، وجود داشته باشد.

بخش دوم: رشد مغزی نوجوانان

اگرچه به نظر می‌رسد حداقل سن مسئولیت کیفری از بسیاری جهات تصادفی و دلخواه تعیین می‌شود، باید خاطر نشان ساخت که عصب‌شناسی تکوینی [رشد مغز و اعصاب] در پرونده‌های مطروحه در دیوان عالی ایالات متحد آمریکا، مد نظر قرار گرفته است. برای نمونه، لایحه‌ای که در قضیه *میلر علیه ایالت آلاباما (Miller v Alabama)* توسط جامعه روانشناسی آمریکا (American Psychological Association)، جامعه روانپزشکی آمریکا (American Psychiatric Association)، و انجمن ملی مددکاران اجتماعی (National Association of Social Workers)، به دیوان ارائه گردید (۲۰۱۲)، پژوهش‌های به عمل آمده در مورد تفاوت‌های موجود در زمینه اعصاب و روان بین نوجوانان

و بزرگسالان را توضیح داد. نوشته‌هایی که انجمن‌های یاد شده به عنوان ادله به دیوان ارائه نمودند مؤید آن است که نوجوانان از لحاظ تکامل عقلی، تغییرپذیری، و آسیب‌پذیری، با بزرگسالان تفاوت دارند. نوجوانان دستخوش چهار تغییر مغزی می‌شوند: رشد فزاینده پوشش میلین اعصاب (myelination)، هرس سیناپسی (synaptic pruning)، اتصال‌های فزاینده با ناحیه‌هایی از مغز که با پردازش اجتماعی و عاطفی مرتبطند، و سیستم‌های پردازش مشوق‌ها. ناهمگونی گستره تغییراتی که در مغز نوجوانان رخ می‌دهد، بر تمایل فزاینده‌شان به ریسک کردن و بر عدم توانایی آنان در تنظیم رفتار و کردار خود تأثیر می‌گذارد.

ارائه ادله مبتنی بر علم عصب‌شناسی و علوم اجتماعی، دیوان عالی را مجاب کرد که به نفع میلر رای دهد. میلر در ۱۴ سالگی به اتهام قتل در جریان ایجاد حریق عمدی، به عنوان بزرگسال محاکمه و به حبس ابد محکوم شده بود. قاضی کیگان که رأی اکثریت را به رشته تحریر در آورد، نوشت: «با توجه به آنچه در مورد رویر و گراهام [دو پرونده مشابه] گفته‌ایم، و با توجه به این رأی در مورد کم‌تقصیری کودکان و توانایی روزافزون آنها برای تغییر [اصلاح شدن]، ما معتقدیم مواردی که در آن محکوم کردن کودکان و نوجوانان به این سخت‌ترین مجازات مناسب باشد، نادر خواهد بود.» (میلر علیه ایالت آلاباما، ۲۰۱۲).

استاینبرگ و لمب (۲۰۱۷) استدلال می‌کنند که دیوان عالی در صدور آراء خود، به گونه‌ای فزاینده، از علوم به ویژه علوم مربوط به رشد [مغزی] بهره جسته است. بررسی چهار پرونده عمده دیوان عالی ظرف ۱۲ سال اخیر، موید نیاز به تحقیقات بیشتر در این زمینه است.

سال‌ها پیش از اینکه دستگاه‌های تصویربرداری مغناطیسی (MRI) طراحی و ساخته شوند، پیتر هاتلوکر (برای خلاصه ای در این باب، رجوع شود به کتاب وی منتشر شده در سال ۲۰۰۲) کشف کرد که اتصالات سلول‌های مغز، یا سیناپس‌ها، در نخستین سال زندگی به طرز قابل توجهی افزایش می‌یابند. علت این امر به احتمال زیاد حجم عظیم یادگیری در این مقطع زمانی است. متعاقب این اتصالات سیناپسی، دوره‌ای طولانی «هرس کردن» نیز وجود دارد که طی آن، این اتصالات از بین می‌روند.

حال، تحقیقات به روشنی اثبات کرده که مغز نوجوان با مغز «بزرگسال» تفاوت بسیار دارد. علت اینکه واژه «بزرگسال» داخل گیومه قرار دارد این است که علی‌رغم اینکه ۱۸ سالگان در سراسر جهان مسئولیت‌های جدید بسیاری بر عهده می‌گیرند، تحقیقات نشان می‌دهد که تکامل عصب‌شناختی، حداقل تا سن ۲۵ سالگی ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد مفهوم نوجوانی یا بلوغ (adolescence) مؤید «خودمختاری» است؛ در این سن، افراد معمولاً از حقوقی همچون حق رای و امکان پیوستن به نیروهای نظامی برخوردار می‌شوند.

سلول‌های مغزی، نورون (neuron) نامیده می‌شوند. ما در بدو تولد، دارای اکثر آن نورون‌هایی هستیم که در طول عمر خواهیم داشت، اما مغز برای یادگیری، نیازمند اتصال نورون به نورون است. اتصال بین نورون‌ها، سیناپس نام دارد. هر آنچه آموخته می‌شود ناشی از همین اتصالات است. در برخی ناحیه‌ها، این اتصالات در ابتدای زندگی شکل می‌گیرند و در نقاطی دیگر، دیرتر. «پژوهش‌هایی که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی انجام گرفت نشان داد که در سنین بلوغ و نوجوانی، ساختار قشر ماقبل پیشانی مغز دستخوش تغییرات شگرفی می‌شود» (بلیکمر و چودوری، ۲۰۰۶).

میلین‌سازی (myelination)، فرآیندی است که طی آن، آکسون‌هایی (axons) که نورون‌ها را به یکدیگر متصل می‌کنند، با غشای میلین پوشیده می‌شوند. این فرآیند باعث افزایش سرعت و کارایی سیگنال‌هایی می‌گردد که از طریق آکسون فرستاده می‌شوند. یک نمونه روشن از تبعات مشکلات ایجاد شده در میلین‌سازی، بیماری فلج چندگانه است. اختلالات موجود در عملکرد انسان، در نتیجه اختلال در پوشش میلین یا میلین‌سازی به وجود می‌آید.

به نظر می‌رسد قشر ماقبل پیشانی آخرین ناحیه‌ای است که تحت فرآیند میلین‌سازی قرار می‌گیرد. این امر در عملکرد نوجوانان آثار و نتایج خاصی به همراه دارد. همان‌گونه که رابرت ساپولسکی، عصب‌شناس، (در سال ۲۰۰۴، اخیراً در سال

۲۰۱۸) عنوان کرده «وظیفه قشر ماقبل پیشانی مغز این است که فرد را به انجام کار دشوارتر سوق دهد تا کار آسان‌تر.» این، کارکرد بهینه قشر ماقبل پیشانی است هنگامی که فرآیند میلین‌سازی در این منطقه کامل می‌شود و به پایان می‌رسد. مغز نوجوان «ناکامل» است چرا که فرآیند میلین‌سازی در منطقه جلو مغزی، کامل نشده است. این امر باعث می‌شود نوجوانی که هنوز به بلوغ فکری کامل نرسیده، بیشتر دستخوش مشکلات مربوط به کنترل امیال خود باشد، و کمتر بتواند پیش‌بینی کند، و در نتیجه، در مقابل مواد مخدر و نوشابه‌های الکلی و اثرات آن‌ها آسیب‌پذیرتر باشد. به لحاظ این آسیب‌پذیری‌هایی که ریشه در سلسله اعصاب فرد دارد، نوجوان ۱۳ ساله ممکن است در پی تصمیمی ناگهانی (بدون اینکه به پیامدهای آن اندیشیده باشد، یا بدون برنامه‌ریزی، و یا به گمان اینکه کار درستی انجام می‌دهد) دست به کاری بزند که بر تمامی مسیر زندگی‌اش اثر بگذارد.

نقاط دیگری از مغز نیز در این کارکردهای کنترل تصمیمات ناگهانی دخیل هستند. سوارتز و همکاران (۲۰۱۴) بر کارکرد اتصالات دو بادامه (amygdala) که نقش بسیار مهمی در شناخت و ارزیابی عواطف دارند، تاکید نمودند. آنها الیاف قلاب‌سان (uncinate fasciculus) (دستگاه ماده سفید رنگی که بادامه‌ها را به قشر ماقبل پیشانی مغز متصل می‌کند) و فعالیت کارکردی بادامه‌ها را بررسی نمودند. این ماده سفید رنگ یا دستگاه میلین‌سازی شده خاص، در طول سه دهه نخست زندگی شکل می‌گیرد. مؤلفان این تحقیق دریافتند که بین اتصال‌پذیری ساختاری و فعال‌سازی بادامه با قیافه‌های غمگین و شاد، رابطه معکوس وجود دارد. این رابطه متأثر از سن است، به گونه‌ای که در کودکان جوان‌تر اتصال‌پذیری کمتر و فعال‌سازی بیشتر بادامه دیده می‌شود. این امر بدان معنا است که کنترل شناختی مضاعف، نقش مهمی در تنظیم بادامه و تجربه‌های عاطفی ایفا می‌کند. با فرا رسیدن تدریجی بلوغ کامل یا بزرگسال شدن، می‌توان کنترل بهتری بر واکنش‌های عاطفی را انتظار داشت.

پاگپانگو و همکاران (۲۰۱۱)، کارکرد پیشنهادی همین ماده سفید ارتباط‌گیرنده را بررسی و اعلام کردند که ماده مذکور در محدوده کارکرد عاطفه و حافظه شکل می‌گیرد. آنها برداشتن این دستگاه را (پس از اینکه فرد بیمار، تحت عمل جراحی قرار گرفته بود) تحت مطالعه قرار دادند. افرادی که این دستگاه در بخش قدامی مغز (frontal lobe) آنان گذاشته شده، عملکرد بسیار بدتری در شناسایی صورت افراد و روان صحبت کردن داشتند. بنابراین، با از دست دادن دستگاه ماده سفید، افراد سمپتوم‌های بخش قدامی مغز را بروز می‌دادند.

... در آزمایش منحصر به فردی که از گروهی از بیماران اعصاب به عمل آمد، بردلی و همکاران (۲۰۱۴) کشف کردند که

ضایعه‌های کانونی در بخش میانی قشر ماقبل پیشانی مغز که در حین رشد به وجود آمده بود، منجر به دآوری‌های اخلاقی خودبینانه و خودمحور غیر عادی شده است. در واکنش به سناریوهای ساده اخلاقی، در مقایسه با دیگر شرکت‌کنندگان، بیشتر احتمال داشت که این بیماران از اقدامات خودپسندانه طرفداری کنند و قواعد اخلاقی را زیر پا بگذارند و یا برای منفعت شخصی خود، آسیب بدنی به دیگران وارد کنند.

روشن است که سیر تکامل تصمیم‌گیری شناخت محور و رشد اخلاقی حداقل تا سومین دهه حیات ادامه می‌یابد. تحقیقات جامع و همه‌جانبه مبتنی بر بسیاری از تحقیقات انجام شده (متا-آنالیز) که توسط دفو و همکاران (۲۰۱۵) در مورد پژوهش‌های آزمایشی درباره خطر کردن نوجوانان انجام گرفت، حاکی از این است که

«در اموری که نتایج فوری دارد، نوجوانان بیشتر از بزرگسالان خطر می‌کنند، اما نه در کارهایی که نتایج آن زمان می‌برد؛ این امر با این مفهوم که حصول نتیجه (به خصوص آنجا که به تشویق مربوط می‌شود) می‌تواند منجر شود به فوق فعال‌سازی استریاتوم مرکزی (ventral striatal) در دوران نوجوانی، که ممکن است به خطرپذیری هرچه بیشتر بینجامد.»

نقش استریاتوم مرکزی در تشویق قابل تأمل است. دفو و همکاران (۲۰۱۵) درباره آزمایشاتی بحث کردند که در آن، نوجوانان هنگامی که با هم سن و سالان خود بودند در مقایسه با زمانی که تنها بودند، به شیوه‌های مخاطره‌آمیز رانندگی

می‌کردند. گزینه‌های مخاطره‌آمیز با حضور هم سن و سالان، افزایش می‌یافت. دفو و همکاران همچنین خاطر نشان ساختند که مطالعات fMRI مؤید آن است که وقتی نوجوانان در حضور هم سن و سالان خود وارد بازی رانندگی خطرناک می‌شوند (در مقایسه با زمانی که تنها هستند) فعالیت استریاتوم مرکزی به شدت افزایش می‌یابد.

گیم و تامپسون (۲۰۰۹) با بازبینی تحقیقات انجام شده توسط استاینبرگ (۲۰۰۹) درباره تصمیم‌گیری نوجوانان، نشان دادند که تحقیقات به عمل آمده درباره برنامه‌ریزی نزد نوجوانان و اندیشیدن آنها به پیامد اعمالشان، نتیجه تحقیقاتی را که قبلاً انجام گرفته بود تأیید کرده است. آنها دریافتند که نوجوانان در تمامی گزینه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، کمتر از بزرگسالان نگاه به آینده دارند. جنسیت یا تعلق قومی، تفاوت‌های سنی مشاهده شده را تغییر نمی‌دهد. کمبم و تامپسون (۲۰۰۹) نتایج تحقیقات مک آرتور را نیز در مورد ۱۴۰۰ نوجوان ۱۱ تا ۲۴ ساله بررسی کردند. در این پژوهش، افراد تحت آزمایش‌های متعددی جهت درک بهتر تصمیم‌گیری در مورد مسائل قانونی و توانایی یاری‌رساندن به وکلا، قرار گرفتند. به گفته کمبم و تامپسون احتمال مخدوش بودن «توانایی‌های مربوط به اهلیت و صلاحیت تصمیم‌گیری کودکان در سنین ۱۱ تا ۱۳ سالگی، سه برابر بیشتر از بزرگسالان جوان است و این اختلال «به شدت مخدوش» در نوجوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله دو برابر است. اگرچه ضریب هوش، عنصر مهمی در بررسی توانایی‌های یاد شده است، اما این «مخدوش بودن شدید» با مراتب زمانی عادی و معمول [نورماتیو] تکامل عقلی منطبق است.

در مقاله جالبی که از منظر روانشناسی و جرم‌شناسی به مسائل می‌پردازد، اسکرز بیپیک (۲۰۱۷) با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (planned behavior) رهیافت جدیدی در پیشگیری از وقوع جرم توسط نوجوانان ارائه می‌کند. این نظریه سه مؤلفه معرفتی (cognitive) را مدنظر قرار می‌دهند. برخوردی که با رفتار مورد نظر می‌شود در اینجا از اهمیت خاصی برخوردار است. برای نمونه، «یک نوجوان ممکن است پیامد سرقت را امری مثبت بداند چرا که شیء یا اشیاء مسروقه را صاحب شده است یا اگر دستگیر شود، نتیجه را منفی تلقی کند.»

در خصوص باورهای ذهنی رایج، «ممکن است فرد، انگیزه این را داشته باشد که انتظارات خانواده را مبنی بر دست زدن به کار خلاف برآورده سازد، یا بالعکس، بخواهد انتظارات دوستان خلافکار و دوستانی را که با آنها در انجام عمل خلاف شریک است برآورد.» عامل دیگر، کنترل رفتاری است به گونه‌ای که نوجوانان تصور می‌کنند. برخی نوجوانان ممکن است فکر کنند دزدی کاری است که هرگز نخواهند کرد در حالی که برخی دیگر ممکن است نگرش آسان‌گیرانه‌تری نسبت به آن داشته باشند.»

وی دریافت که نزد نوجوانان تحت مطالعه، در موضوعاتی نظیر دعوا کردن، دزدی، و استفاده از مواد مخدر، قواعد اخلاقی و ارتقا وجهه و آبرو نقش مهم اما حاشیه‌ای ایفا می‌کنند.

و بالاخره، در مقاله‌ای جریان‌ساز درباره اهمیت رشد اخلاقی در زمان بررسی عناصر تخفیف‌دهنده در جرایم مشمول مجازات اعدام، واکر و دیگران (۲۰۱۸) توصیه نمودند که تیم‌های حقوقی دفاع از این گونه متهمان باید عواملی نظیر هوش بیانی را در نظر بگیرند چرا که قواعد اخلاقی از طریق توانایی استدلال کلامی شکل می‌گیرند. «صلاحیت و توانایی اخلاقی توسط مجموعه محیط پیرامون کودک در سال‌های رشد، شکل می‌گیرد، از جمله امنیت، ثبات، عطف و والدین و الگوی رفتاری خانواده اصلی.» به دیگر سخن، شکل‌گیری توانایی اخلاقی در سنین پایین حائز اهمیت است. «صلاحیت و توانایی اخلاقی در ذات بشر نهفته نیست، بلکه باید آموخته شود و زنجیره‌ای از بهتر تا بدترین رفتار را در بر می‌گیرد.» آنها ارزیابی میزان همدلی، ابراز همدردی، و رحم و شفقت را از طریق بررسی محیط رشد اولیه موکل و تعلیماتی که در خصوص ظرفیت اخلاقی گرفته، انجام دادند. واکر و همکاران معتقدند میزانی که جنین متهم در زمان بارداری با داروها و استرس در مورد سلامتی زایمان مواجه بوده، علاوه بر محیط پس از تولد باید مورد بررسی قرار گیرد «چرا که تمامی نواحی مغز که در امر رشد مهارت و توانایی اخلاقی دخیل‌اند، نسبت به اتفاقات ناخوشایندی که در دوران اولیه حیات پیش می‌آید و حتی افسردگی در زمان کودکی، به شدت حساس‌اند.»

کشفیات عصب‌شناسی در زمینه رشد و روان انسان، ارزش بسیاری در نظام‌های قضایی سراسر جهان دارد و در نظر گرفته می‌شود. در زیر به چند نمونه از نظام‌های قضایی کودکان و نوجوانان می‌پردازیم.

بخش سوم: نظام‌های قضایی نوجوانان

نخست، به نظر می‌رسد که محاکم بازپروری (diversion)، تحقیقات مرتبط با رشد مغزی و رفتار را مد نظر دارند. تاریخچه دادرسی موارد مربوط به نوجوانان در ایالات متحده آمریکا به وضوح نشان می‌دهد، که چه در زمانی که [بدون دسترسی به نتایج تحقیقات علمی‌کنونی] این دادرسی بر اساس شناخت غریزی مقامات قضایی بوده است (ومیتنی بر عملکرد آسیب‌شناسانه و درمانی) و چه در زمانی که دچار دگرگونی ایدئولوژیک شد (این تغییر در آمریکا، در دهه ۱۹۹۰ میلادی رخ داد)، در رابطه با نوجوانان، جریان حاکم جایگزینی روند دادرسی آسیب‌شناسانه و ترمیمی با روند قضایی تنبیهی بوده است. حتی پیش از نوآوری‌های فنی و توسعه در علم عصب‌شناسی همچون MRI یا fMRI، دادگاه‌های پیشرو اطفال، از ابزارهای درمانی با هدف برقراری عدالت ترمیمی و نه صرفاً تنبیه و مجازات، استفاده می‌کردند.

برای نمونه، بی‌شاپ و دکر درباره عدالت ترمیمی در مقابل عدالت تنبیهی، عنوان کرده‌اند:

این برنامه‌ها به جای تمرکز بر فرد خلافکار، بر خود تخلف تمرکز می‌کنند؛ بر تاثیراتی که بر روی قربانی (به استثناء بحث میانجیگری بین متخلف و قربانی) و بر مجموعه خانواده و دوستان و آشنایان پشتیبان قربانی و نیز خلافکار می‌گذارد؛ و بر عذرخواهی، بخشایش، و جبران آسیب وارده تأکید دارد. به طور کلی، اهداف این برنامه‌ها، آموزش دادن به شرکت‌کنندگان در مورد آسیب‌های وارده ناشی از ارتکاب جرم است، به ویژه آسیب‌های عاطفی و مضمحل شدن روابط، و نیز آموزش در باب ترمیم آسیب‌ها و بازسازی روابط و تقویت سیستم‌های غیررسمی کنترل اجتماعی. برقراری برنامه‌های عدالت ترمیمی در ایالات متحده آمریکا نتوانسته همپای برنامه‌های مشابه در اروپای غربی، استرالیا، نیوزیلند، و کانادا پیش برود، اگرچه در برخی حوزه‌های قضایی پیشرفت‌های شگرفی به عمل آمده است.

دوم، کشورهایی هستند همچون نروژ، سوئد، و اتریش که برنامه‌های خود را بر اساس ترمیم و نه تنبیه، پایبندی کرده‌اند. در این کشورها، سن مسئولیت کیفری ۱۵ سال است. کودکان زیر این سن، مشمول تعقیب جزایی نمی‌شوند اما تدابیر اجتماعی به کار می‌رود. استورگارد (۲۰۱۵) خاطر نشان می‌سازد «در کلیه کشورهای اسکاندیناوی [دانمارک، فنلاند، نروژ و سوئد] تلاش در جهت پیشگیری از وقوع جرم از اولویت بالایی برخوردار بوده و کم و بیش، به اندازه تعقیب جزایی حائز اهمیت است. وی می‌گوید: «احتمال کمتر شدن ارتکاب مجدد جرم مشروط به این است که برنامه‌های آموزشی متمرکز بر کودکان و نوجوانان بزه کاری باشد که احتمال می‌رود مجدداً مرتکب جرم شوند؛ و این برنامه آموزشی [یا درمانی] فشرده باشد؛ و شکل و محتوای آن بر اساس وضعیت مشخص بزه کار مورد نظر طراحی شده باشد و موجب سلب آزادی او نشود.»

در اتریش، بر پیشگیری از بزهکاری جدا تأکید می‌شود. این پیشگیری از کودکانستان آغاز می‌شود و تا پایان نوجوانی و آغازین بزرگسالی، ادامه می‌یابد. برای نمونه، بسیاری از نوجوانان برای تفریح در اوقات فراغت در پارک‌ها دور هم جمع می‌شوند و در گذشته، گروه‌های قومی مختلف در تعامل با یکدیگر مرتکب رفتارهای بزهکارانه می‌شدند. با نظارت بزرگسالان در تفریحات در پارک‌ها به عنوان اقدامی پیشگیرانه، عمدتاً موفق بوده است. این اقدامات پیشگیرانه، از نقطه نظر عصب‌شناختی نیز معقولانه است: فرض بر این است که بخش قدامی مغز بزرگسالانی که امر نظارت را انجام می‌دهند

میلین‌سازی شده است (و بنابراین تکامل یافته) و می‌توانند به نظارت و مدیریت موضوعات مسئله‌ساز و کشمکش‌ها، پیش از اینکه نوجوانان با پلیس مشکل پیدا کنند، یاری رسانند. (براکمولر، ۲۰۰۸).

افزون بر این، از امتناع از ارجاع به دادگاه و محاکمه برای نوجوانان در کانادا امری متعارف است. «قانون عدالت جزایی جوانان» (The Youth Criminal Justice Act) این اقدام را مقرر کرده. بیلا و رابرتز (۲۰۰۸) می‌نویسند:

در برخی جوامع در کانادا، تخلفات خشن جزئی، نظیر ایراد ضرب و جرح در مدارس، از طریق برنامه‌های تنبیهی غیرقضایی حل و فصل می‌شوند، مثل آشتی دادن فرد خاطی با قربانی و یا گردهم آمدن گروهی خانواده‌ها و یا عذرخواهی فرد خلافکار از قربانی، الزام به انجام خدمات شخصی، پرداخت غرامت، انجام خدمات عمومی، و یا مشاوره با روانشناس. (بیلا و رابرتز، ۲۰۰۸).

به نظر می‌رسد کلیه برنامه‌هایی که رسیدگی به مسئله بزهکاری نوجوانان را خارج از چرخه دادرسی قضایی جستجو می‌کند و آموزش نوجوانان، و تلاش جهت بازپروری آنان را در نظر می‌گیرد، بر اصل ناگفته تفاوت اساسی نوجوانان با بزرگسالان مبتنی است، مبنای این تفاوت اساسی همچنین در علم عصب‌شناسی تکوینی تایید شده، فارغ از اینکه این برنامه‌ها آن را تصدیق کنند یا خیر.

چکیده

این نوشته مروری بود بر مفهوم مسئولیت جزائی و سن آن که در محاکم سراسر جهان متفاوت است و بدون ضابطه روشنی تعیین می‌شود. بازبینی عصب‌شناسی تکوینی در این نوشته به هیچ وجه کامل نیست؛ بهترین برنامه‌های بازپرورانه کماکان مبتنی بر اصل مستند و محقق، یکسان نبودن بزرگسالان با نوجوانان مبتنی است. در قرن بیستم، تا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، پژوهشگران می‌پنداشتند رشد مغز، پس از سال‌های اولیه کودکی، متوقف می‌شود. این برداشت کاملاً تغییر کرده است. در این مقاله، به برنامه‌هایی پرداخته شد که نه بر مجازات، بلکه بر اقدامات جایگزین و برنامه‌های نظارت اجتماعی متمرکز است. به نظر می‌رسد این برنامه‌ها به موازات تحقیقات انجام گرفته در عصب‌شناسی کودکان و نوجوانان شکل گرفته، یا بر اساس آن‌ها تنظیم شده‌اند.

ضمیمه ۲

کاهش مجازات برای مجرمین زیر ۱۸ سال در قانون مجازات اسلامی ایران

تعزیر



مجازات‌هایی که طبق قانون و به «صلاحدید» قاضی اعمال می‌شود.

جرایم مشمول اعدام را در بر نمی‌گیرد. دیگر جرایم، شامل جاسوسی، کلاهبرداری، ارتشاء، آدم ربایی، و افترا می‌گردد.

به موجب ماده ۹۴، دادگاه می‌تواند در مورد جرایم تعزیری، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند

پسران و دختران از ۹ تا ۱۵ سال:


- تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.
- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند: طفل یا نوجوان را به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان معرفی و با آنان همکاری نماید؛ طفل یا نوجوان را به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی اعزام کند؛ اقدامات لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان را تحت نظر پزشک، به عمل آورد.
- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) ماده ۸۸ در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی.
- نصیحت [طفل یا نوجوان] به وسیله قاضی دادگاه.

پسران و دختران از ۱۲ تا ۱۵ سال:

- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

پسران و دختران از ۱۵ تا ۱۸ سال:

- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است.
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است.
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰۰۰۰۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی‌رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است.
- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی‌رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه شش است.
- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه هفت و هشت است.



حدود

مجازات‌های مشخص که جزئیات آن در شرع اسلام تعیین شده است.

جرایم مشمول مجازات اعدام عبارتند از: لواط، زنا، سرقت، شرب خمر، محاربه، افساد فی الارض

پسران زیر ۱۲ سال و دختران زیر ۹ سال:


- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.
- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند: طفل یا نوجوان را به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان معرفی و با آنان همکاری نماید؛ طفل یا نوجوان را به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی اعزام کند؛ اقدامات لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان را تحت نظر پزشک، به عمل آورد.
- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) ماده ۸۸ در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی.
- نصیحت [طفل یا نوجوان] به وسیله قاضی دادگاه.

پسران از ۱۲ تا ۱۵ سال:

- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

پسران از ۱۵ سال و دختران از ۹ سال:

- هرگاه متهمین "ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها" به مجازات‌های جایگزین که در بالا آمد، محکوم می‌شوند.



قصاص

مجازات‌های مبتنی بر مقابله به مثل، در اختیار اولیای دم قربانی.
جرایم مشمول اعدام شامل قتل می‌گردد.

پسران زیر ۱۲ سال و دختران زیر ۹ سال:

- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.
- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند: طفل یا نوجوان را به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان معرفی و با آنان همکاری نماید؛ طفل یا نوجوان را به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی اعزام کند؛ اقدامات لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان را تحت نظر پزشک، به عمل آورد.
- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) ماده ۸۸ در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی.
- نصیحت [طفل یا نوجوان] به وسیله قاضی دادگاه.

پسران از ۱۲ تا ۱۵ سال:

- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

پسران از ۱۵ سال و دختران از ۹ سال:

- هرگاه متهمین "ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها" به مجازات‌های جایگزین که در بالا آمد، محکوم می‌شوند.

